





د افغانستان د لویو کسانو  
کتاب پر لېسې شمېره

بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی ه

# اختصار و قایع مهم هفت

سلطانعلی کشتمند رئیس شور  
جمهوری دموکراتیک افغانستان  
در ارتباط به بررسی نتایج پلا  
۱۳۶۰ و طرح پلان و بودجه برای  
بیلن کرد \*

دمرکزی کمیته عمومی منشی او دافغانستان  
دمو کراتیک جمهوریت دافغانستانی شورا دوتیس  
بیرک کارمل په مشری دافغانستانی شورا په مقر  
کی غونډه وکړه .

\* \* \*

دافغانستان دملک دموکراتیک  
کمیته دسیاسی بیرو غړی او منش  
وطني ملی جیبی دملی کمیته  
صالح محمد زیری دحوت په ۱۷  
نه مخکی دهلمند ولایت دمرکز لشنو  
اودهنه دمربوطاتو له پتمنو او ز  
خلکو سره دهغه شار دشپیدانو  
په یوه پوره دوستانه فضا کی  
\* \* \*

جلسه عمومی نوبتی شورای وزیران جمهوری  
دموکراتیک افغانستان چهارشنبه ۱۸ حوت  
ساعت ده قبل از ظهر در مقر شورای وزیران  
دایر گردید در جلسه عمومی شورای وزیران  
که با پخش سرود ملی جمهوری دموکراتیک  
افغانستان افتتاح گردید ، پس از استماع  
گزارش های از جانب دکتور پکتیاوال معاون  
اول کمیته پلانگذاری و عبدالوکیل وزیر مالیه  
دوباره پلان رشد اقتصادی و اجتماعی و  
بودجه دولت برای سال ۱۳۶۱ ایراد گردید

دافغانستان دملک د دموکراتیک گوند  
مرکزی کمیته عمومی منشی او دافغانستان  
دموکراتیک جمهوریت د انقلابی شورا رئیس  
بیرک کارمل دحوت په ۳۰ نیټه له غرمی  
ننکی دافغانستان دملک دموکراتیک گوند  
مرکزی کمیته اتم نوبتی پلینوم دافغانستانی  
دوا دمرگلغانی په ماڼی کی پرانیست .

\* \* \*

دافغانستان دملک دموکراتیک گوند مرکزی  
کمیته سیاسی بیرو دچهار شنبه دحوت په  
۱۹ نیټه دافغانستان دملک دموکراتیک گوند





د مرکزی کمیټې د پیغام په لوستلو سره د مارچ  
 اټمه یاد پښتو د بین المللی پیوستون وړخ  
 د حوت په ۱۶ نیټه په کابل نندارې کې ونمانځل  
 شو. •

د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت د  
 پلار وطنی ملی جبهې د ملی کمیټې اجرایه  
 هیات د افغانستان د دموکراتیک جمهوریت  
 د پلار وطنی ملی جبهې د ملی کمیټې د رئیس  
 داکتر صالح محمد زبیری په مشرۍ د حوت په  
 ۱۳ نیټه له غرمې وروسته د ملی کمیټې په  
 مقر کې غونډه وکړه. •

مردم شرافتمند و ز حمتکش  
 شهر کندهار به استقبال از کنفرانس سر تا-  
 سری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و  
 بخاطر تأیید از مرام حزب و دولت انقلابی  
 شان روز ۱۹ حوت به صورت بی سابقه کار  
 داوطلبانه و دوستانه را سازمان دادند. •

سیستم جدید کمپیوتر احصایه مرکزی  
 کمیته دولتی پلانگذاری عصر روز ۱۲ حوت



مین پلینوم کمیته مرکزی حزب •



ن د خلک د موکراتیک گوند  
 د سیاسي بیرو غړی او منشی  
 محمد زبیری د حوت په ۱۶ نیټه  
 د دشبیدانو په چوک کې د کندهار  
 شار د مربوطو د اوسیدونکو په  
 نډه کې گډون وکړ د گوند اودولت  
 یوه ارتباطی هراړخیزه وینا

گوشه یی از محفلی که بمناسبت روز هشتم مارچ در کابل نندارې برگزار گردیده بود. •

ن د خلک دموکراتیک گوند د مرکزی  
 بیرو د غړی او منشی نور احمد نور  
 نستان د خلک دموکراتیک گوند





«ماضی طرح و فورمول بندی برنامه عمل حزب و سیاست عملی ناشی از آن هدف ساده و روشن را در برابر خویش قرار داده ایم تا مردم خود را سعادتمند و کشور خود را شکوفان سازیم»

برک کارمل

شنبه ۲۲ حوت ۱۳۶۰ - ۱۳ مارچ ۱۹۸۲

## رویداد عظیم و سرنوشت ساز

روز (۲۳) حوت ما شاهد تلویز و برگزاری بزرگترین رویداد تاریخی و باشکوه یعنی تلویز کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودیم که به اشتراک بیشتر از هشتصدوسی نماینده برگزیده حزب از سرتاسر کشور برگزار گردید.

تلویز این کنفرانس و فیصله های آن که بعد از مدت طولانی یعنی بعد از کنگره اول، نخستین رویداد عظیم تاریخی در حیات حزب ما، حزب دموکراتیک خلق افغانستان و تمام زحمتکشان کشور، محسوب میگردد، بدون شک به سرنوشت میلیون ها انسان زحمتکش جا معه ما ارتباط ناگسستنی داشته و در حیات آتیه آنها تاثیر عمیق و شگرف خود را بجا خواهد گذاشت.

درین کنفرانس که در فضای کاملاً وحدت و یکپارچگی و آزاد و دموکراتیک دایر گردید دو موضوع مهم و سرنوشت ساز در آن مورد غور و مذاقه اعضای اشتراک کننده قرار گرفت و در نتیجه تغییر و تعدیل در اساسنامه حزب و طرح برنامه عمل به تصویب رسید.

از آنجایی که تحولات و دگرگونی های انقلابی در کشور ما خشم و غضب و حشایه و مقاومت هستریک و دیوانهوار ارتجاع و امپریالیزم را برانگیخت و این دشمنان قسم خورده مردم زحمتکش ما به شیوه های گوناگون به داخله وسیع و همه جانبه در امور داخلی ما دست می زنند قتل و ترور و تخریب و ویرانگری را در کشور ما سازمان می دهند و با تمام نیرو و زهر

بمنابه حزب انقلابی حاکم صراحت عطف، قاطعیت عمل داشته و کار عظیم سازمانی را تنظیم نماید. چنانچه رفیق برک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. طی گزارش مبسوط شان در کنفرانس سرتاسری حزب در زمینه چنین گفتند: سند مرامی جدید از آنرو نیز ضرور است که وظیفه عمده ستراتیژیک برنامه اول، مرام حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یعنی کسب قدرت سیاسی انجام یافته است. اکنون در برابر حزب وظایف نوین قرار دارد بنابراین هدف عمومی کنفرانس سرتاسری حزب ما را طرح و فورمول بندی این وظایف و تعیین طرق مشخص پیشروی جنبش ما تشکیل میدهد.

آری، حزب دموکراتیک خلق افغانستان طی حیات هفده ساله خود پایگاه توسعه و توسعه پیدا نموده و در امر بسیج گروه های وسیع زحمتکشان کشور پیروزی های چشمگیری را نصیب گردیده است و در پروسه رشد و تکاملی خود ارتباط و پیوندش با توده های وسیع زحمتکشان گسترش یافته و استحکام بیشتریافته صفوف آن توسعه پیدا نموده و از نگاه کمی و کیفی انکشاف بیشتر و گسترده تر نموده است مخصوصاً بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ثور توسعه صفوف آن چشمگیر بوده و تجارب زیادی در زمینه کسب کرده است.

بعد از پلینوم دوم کمیته مرکزی ح. د. خ. ا. و تصویب اساسنامه فبلی حزب دموکراتیک خلق افغانستان تجارب معینی

رخ داده است بنا همه این ها باید درج اساسنامه حزب که زندگی درون حزبی را تنظیم مینماید گردد و روی همین اساس هم بود که بعضی تغییرات و تعدیلات در اساسنامه حزب آورده شد.

در کنفرانس سر تاسری حزب دموکراتیک خلق افغانستان سند مهم دیگری نیز به تصویب رسید، سند مرامی یا برنامه عمل حزب. در این سند سیاست حزب ما در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور به وضاحت بیان گردیده و هدف های ساده و روشنی را بخاطر رفاه و خوشبختی مردم و پیشرفت و تعالی وطن محبوب ما در پیش روی خود قرار داده است.

در برنامه عمل حزب منجمه اعلای سطح اقتصادی ملی، ارتقای سطح زندگی زحمتکشان رشد فرهنگ های ملیت های اقوام و قبایل افغانستان، دموکراتیزه ساختن عمیق و بیگرن حیات اجتماعی و سیاسی مردم ما در نظر گرفته شده و همچنان بخاطر تامین آرامش، قانونیت و نظم انقلابی تاکید بعمل آمده است. بهمین ترتیب درین برنامه عمل گفته شده که حزب و دولت انقلابی ما در جهت معوجه تمام بقایای فئودالی و مافیل فئودالی، تجدید ملکیت بزرگ زمین داری و توزیع زمین به دهقانان کم زمین و بی زمین و کارگران زراعتی مساعی جدی بخرج خواهد داد که این امر در بهبود زندگی دهقانان زحمتکش ماکه قبل از انقلاب توسط فئودالان و ملاکان بزرگ بیرحمانه

بیگیر مبارزه خواهد کرد  
مایه بین کارمل دار  
و پروگرام های حزب و  
جهت بر آورده شدن آن  
دیرین مردم عذاب کشیده  
سعادت و خوشبختی آن  
شکوفان و فاقد استعمار  
پیروزی نهایی رسید نو  
مد یوحانه دشمنان ارتجاع  
بخاطر نا کام ساختن  
مترقی حزب و دولت  
وفاد انقلاب و همه دشمنان  
همچون خس و خاشاک  
توفنده انقلاب ما محکوم  
حتمی است.

در این

گودآوری و تحقیق  
تاجکستان شوروی

از مرگ تا زندگی

یک زن مبارز فلسطینی

چهره قارب این پر

چون ظهیر فاریابی از

بحر هند باید منطقه

شرح بستی اول:

ستاره زیباروی از



# تجارت

مرحله نوین انقلاب:

((الف محشور))

## زنان کشور ما بطرف بهر وری

### وبهزیستی رهسپارند

وسو سیالیزم و کلیه نیروهای ملی و دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد استعماری جهان از این روز تا ریحی با جلال و شکوه و با تدویر کنفرانس ها و ایراد بیانیه ها استقبال بعمل می آید و این بار این روز در سال ۱۹۱۰ میلادی توسط زنان امریکا و آلمان تجلیل گردید. در افغانستان کشور محبوب ما پیوسته با تشکیلات

حزب دموکراتیک افغانستان پیشا-هنک طبقه کارگر و کلیه زحمت کشان افغانستان (( طرح و تشکیل سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بمانا به گردان متشکلات کننده بسیج کنندگان کشور و تأمین همبستگی آنان با جنبش جهانی زنان مترقی و مبارز در سراسر جهان در نظر گرفته شد همان بود که در جولای ۱۳۴۴ به ابتکار زنان مبارز و دلیر افغان - «دکتور اناهیتا راتب زاد» سازمان دموکراتیک افغانستان تشکیل و تا سیس گردید و این سازمان روز منده برای اولین بار در تاریخ کشور بتاريخ ۸ خوت ۱۳۴۶ از روز بین المللی همبستگی زنان استقبال و تجلیل بعمل آورد و همه ساله این روز را بر گزار کرده است. سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بمانا حلقه از سلسله نیرومند سازمان های دموکراتیک زنان سراسر جهان و دو شاوش هموطنان خویش در راه افشای دسیس امپریالیسم و ارتجاع سلطنتی و فیو دالیسم و در جهت تکامل جامعه ما از همان بدو بدو تا سیس کارنامه های

زنان علیه دژ استثمار سرما یه داری بود - طوریکه میدانیم در جوامع طبقاتی منجمله و بخصوص جامعه سرما یه سالاری هما - نظوریکه و سایل اقتصاد بدست عده قلیلی از طبقات حاکمه است قدرت سیاسی یعنی دولت نیز بدست آنها میباشد لذا چون زنان کارگر صنایع نساجی نیویارک علیه این طبقات شعار میدادند به امر آنها پولیس علیه زنان به اقدام نا جوان مردانه پرداخت و در نتیجه حمله پولیس تعداد زیادی از این زنان کارگر که حق خود را طالب بودند زخمی و دستگیر و روانه زندان شدند این روز تا ریحی در حالیکه در حافظه همه زحمتکشان جهان نقش بوده در اثر توطنه امپریالیسم و ارتجاع در حال فراموشی بوده و لی در سال ۱۹۰۹ در دومین کنگره بین المللی زنان سوسیال

لیست جهان که در کوپن هاگن (دنمارک) دایر شده بود از طرف زن مبارز و قهرمان آلمانی ((کلا رازتکین)) پیشنهاد شد که بخاطر یاد بود قهرمانی زنان کارگر نیویارک و هم چنان بخاطر

دوش کشیدن بیرق مبارزین که علیه استثمار تجاوز انگلیس می جنگیدند کارنامه های جاودانی بیادگار گذاشته اند.

اینک در آستانه یکصد و بیست و پنجمین سالگرد حادثه هشتم مارچ ۱۸۵۷ قرار داریم لازم است تذکر بدیم که در تاریخ کشور ما برای اولین بار این گزاره را در تاریخ کشور دموکراتیک زنان افغانستان (این گردان روز منده و پیش آهنگ زنان کشور) بعهده داشت. در این نوشته قبل از آنکه به ذکر تشکیل سازمان دموکراتیک زنان افغانستان بپردازیم میخوانیم تا چگونه بمیان آمدن حادثه مهم هشتم مارچ و بین المللی شدن این روز را بمانا به روز مهم در حیات زحمت کشان جهان منجمله زنان زحمتکش بررسی نماییم.

با مداد هشتم مارچ سال ۱۸۵۷ میلادی شهر نیویارک برای اولین بار شاهد یک نمایش اعتراض آمیز زنان زحمتکش کارگر نساجی آن شهر بود. زنان کارگر که نسبت ضعف اقتصادی لباس

سویت های قانون - موکراتیک جامعه گسترش سهمگی اجتماعی و سیاسی بد. امروز ما بروشنی زنان کشور ما روز تا پیشتر در این هم فعالیت گسترده زن امروز جامعه این مقامات حزبی و طیفه می کنندت های حساس و پربا پیروزی و سرش میبرند این همه است که در اثر غمند ثور و بخصوص و تکاملی آن میان بل از پیروزی انقلاب کشور مانه تنها سی از موجودیت را بردوش میکشید کم شرایط فراتو ما قبل آن با رستم مرد را بمانا به بل مینمود. زنان جامعه ما بمانا به زنهای دوشاوش کشورها ((البته



# گردآوری و تحقیق فولکلور افغانستان در تاجکستان شوروی

افغانستان کشور باستانی و دارای عنفات و سنن غنی میباشد. مردم در طول قرنهای گذشته رسم و آئین اجداد خود را مانند سایر تروت های معنوی ملی دوام و تقویت بخشیده اند.

در این سر زمین از قدیم تاکنون خلقها، اقوام و قبیله های گوناگون سکونت دارند که رسم و رواجهای گوناگونشان جاری میباشد.

فولکلور که بخش مهم فرهنگ خلق را تشکیل کرده در آن مقام خاصی دارد سرچشمه بی انتهای فرهنگ و ادبیات است. فولکلور به ذات خویش آئینه انعکاس حالات و کیفیت های مختلف روحی مردم نیز به شمار میرود. در ایجادات شفاهی مردم غم و شادی مزاج و سوخی های نمکین، مبارزه جهت آزادی و استقلال و امثال آن افاده یافته است. فولکلور دری زبانان افغانستان چون فولکلور دیگر خلق های ساکن آن مملکت دارای موضوع معنویات خاصی بوده اکثرا مسایل عمده حیات خلق را فرا گرفته است همچنان که لحاظ اشکال بدیع گوناگون بوده سرود و ترانه رباعی، دوبیتی، بیت و فرد، بند و امثال، چستان و معما افسانه و روایت نقل و حکایت مراسم موسمی جشن های سال نو، عروسی

برای گرد آوردن آثار مردمی دستورالعمل خاصی گردید. سرور گویا بار نخست طرز و اصول گردآوری اثرهای خلقی را به سمع حلقه های علمی رساند او به هم وطنان خود تاکید کرد که آثار فولکلوری را هر چه بیشتر گردآورده عقیده های قدیمی را راجع به حوادث طبیعت و جمعیت ثبت کنند، نگارنده دقت دوست داران فولکلور را به بازیهای اطفال افسانه ها آغاز و ختم آنها جلب نموده تاکید کرد، که حکایات راجع به حال تاریخی و حوادث مختلف روزگار را هر چه بیشتر جمع آوری کنند.

بعد از نشر دستور مذکور دامنه کار جمع آوری، چاپ و بدسترس مردم قرار دادن فولکلور افغانستان و سعت می یابد. در این زمینه مجله های (آریانا) (ادب)، (ژوندون)، (میرمن) و روزنامه (انیس) خدمت خوبی کرده بسیار نمونه های ایجادیات لفظی در زبانان را بطبع رسانیده اند.

از ماه می سال ۱۹۷۳ امریت فولکلور وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان مجله تازه فولکلور و فولکلور شناسی را تحت عنوان (فولکلور) تاسیس نمود. تا سال (۱۹۷۸) چندین شماره این مجله از چاپ برآمده بدسترس مردم گذاشته شده است. مجله مذکور نمونه

نمود. آن را صاحب دولت مردمی شان گردانید امکان آنرا فراهم آورد تادر ساحة فرهنگ نیز تحولات همجانبه ای به عمل آید.

امریت فولکلور وزارت اطلاعات و کلتور افغانستان بادر نظر داشت ضرورت عملی مجله نو فولکلور و مردم شناسی تاسیس نمود که شماره اولین آن در ماه دسمبر سال ۱۹۷۸ با عنوان (فرهنگ خلق) منتشر گردید. این مجله عنعنه های خوب و بیش قد علمای فرهنگ شناس را ادامه میدهد (فرهنگ خلق) نسبت به مجله سابق چنین برتری دارد که مواد فولکلوری و مقالات علمی آنرا ایجادیات لفظی مردم پشتو زبان در زبان او زبان ترکمن، بلوچ و غیره که در جمهوری دموکراتیک افغانستان دارای حقوق مساوی میباشد تشکیل داده اند.

از این رو مسئولین مجله فرهنگ خلق تصمیم گرفته اند که از ایجادیات مردم زحمتمکش همان آناری را منتشر سازند و تدقیق نمایند که روحیه و افکار پیش قدم جمعیت را افاده نمایند خلق را در روحیه وطن پرستی و افتخار بین ملت ها تربیه نمایند.

در تاجکستان گردآوری و بررسی فولکلور افغانستان اساسا از سالهای ۱۹۲۶ آغاز می یابد مستشرق معروف شوروی ۴۰ ساله اندریف در بهار سال ۱۹۲۶ جهت آموختن

های خلقی علاوه شده اند. بعد در سال های ۱۹۵۰ فولکلور بیش از پیش دقت متخصصین بخود جلب می نماید. مترجمان تاجک در نقاط مختلف انای وظیفه نموده در اوقات رسمی هنگام استراحت و روز به گرد آوردن اثرهای شفاهی افغانستان می پردازند. در سال چنین ترجمانها که در ولایت فغانستان مشغول کار بود پس از بر شوروی ضرب المثل ها و معما و اوژبگی را به طبع رسانیده است. یوف میباشد. او اثرهای خ از زبان ساکنان شهر ه بقلان، کندوز و دهکده های دوری چشمه شیر نوشته است. مجموعه نمونه های ضرب های تاجیکان و ازبکان ولایت

از دو بخش عبارت بوده است (۳۵۱) ضرب المثل و مقاله در (۲۵۶) نمونه حکم و امثال داده است.

این مجموعه از روی الفبای شده و شرح و توضیح عبارات در آن صورت گرفته است. امثال و حکم مجموعه تهیه یوف با حروف روسی و عربی است.

بعضی فرق های امثال و فطنت افغانستان از ضرب تاجیکان و ازبکان اتحاد جماهیر مجموعه آورده شده اند. متخصصین و خوانندگان زیاد افغانستان و ایران را با نمونه دهاتی مردم افغانستان ساخت.

یک عده فولکلورشناسان از اول سال های ۱۹۶۰ تازه لفظی دری زبانان افغانی در روز نامه های (کاسمال تاجکستان) و (م) نمونه های دوبیتی، رباعی و مقال و چستان و سرود



ت غزلیان مجموعه تازه  
نمودند .  
نشدن را به طبع رساند .  
برو فیروز ناصر جان  
س جوان معشوق خالوف  
۸ دویستی و رباعی ۱۳۵  
د ها و ترانه های دری را  
فولکلور خلفای افغا -  
زیادتر شد اما زود از  
رسی خریداری شد و  
پنداشت که آنرا  
به تعداد بیشتری نشر  
عالم معروف تاجکستان  
جمعیت دوستی تاجکستان  
ان معصومی بود . استاد  
اوان آثار فولکلوری را  
داشتنی رباعیات خلقی  
بود . محققان فولکلور را به  
افغان دعوت نمود این تشبیه  
در نظام خلق دری زبان  
فولکلور تاجیک شکل  
ر مشهور بوده موضوعات  
بربر جاذبه لطیف و دلگش  
است .  
همانندی شرایط تاریخی  
نشته موضوع و مضمون  
و دویستی های خلقی افغانی  
سته تاجیکی خیلی نزدیک  
است . این حصه محصول  
و یکی طرز زندگی افکار و  
افغانستان را در بر میگیرد  
ن نوشته اند که زبان  
ی رباعیات خلقی افغانی  
کوهستان تاجیک یک  
ر این پی بردن دشوار  
ف چپ در پای آمو در  
ست ما ایجاد شده اند  
را لندی ها تشکیل داده  
ی حبیب نوابی شکل  
ترتیب یافته سال ۱۳۳۷  
فسکری کابل بطبع رسیده  
یهابه قلم شاعر و دانشمند  
روشن بینوا تعلق دارد .  
دادن مجموعه نمونه

لندیها در حقیقت گذشته از صنعت خاص  
شمعی متمایز با موضوع مضمون خود خاصه  
مضمون و آهنگ عاشقانه شان به بیت و  
قطعات عاشقانه تاجیکی مانند میباید .  
نشریات عرفان تاجیکستان شوروی سال  
۱۹۷۲ تقاضای خوانندگان نظم خلقی افغا -  
نستان را معتبر شده مجموعه دیگری را از چاپ  
برآورده که ترتیب دهندگان آن داد اچان عابدوف  
وصلاح الدین فتح الله یف کارمندان علمی  
شعبه فولکلور شناسی انستیتوت زبان و  
ادبیات بنام ابو عبدالله رود کی میبایند .  
ایشان اثر های خلقی مجموعه (سخن از  
دهانرا) در سال هاییکه در شیر های  
جلال آباد و کندوز بهیث ترجمان ابقای  
وظیفه می نمودند از عسکران و مزدور کارانی  
که از مناطق مختلف افغان نستان در پروژه  
آبیاری وادی ننگرهار و ساختمان راه دوشی  
و بندر شیر خان کار می کردند . کرد آوری  
نموده اند . مجموعه مذکور از چند بخش عبارت  
است بخش اول آن را دویستی و رباعیها بخش  
دوم را سرود و ترانه ها قسمت های دیگرش  
را نستان های خلقی ضرب المثل ها و مقالو  
بارچه های داستان خلقی (گوروا غلی) و نمونه  
های اشعار شاعران مشهور محلی تشکیل داده  
اند . خواننده تاجیک توسط این مجموعه به  
نونه های تازه فولکلور آشناء گردید . ایجاد  
یات شاعران صاحب ذوق خلقی که بعضی  
آنها در سراسر افغان نستان مشهور بوده در  
خصوص آنان میان مردم نقل ها و روایت ها و  
یاد داشت های جالبی جاری میباشند ) نیز  
در این مجموعه جا داده از این جمله اشعار  
بخشعلی هراتی ، عزیز هراتی ، جلای هراتی  
قابل یاد آوری میباشند .  
راجع به جریان زندگی ، ایجادیات و موقعیت  
ادبی آنان چون معلومات مختصری در پیش  
گفتار مجموعه آورده شده است از بین این  
سه شاعر محلی افغان نستان ایجاد یات و  
جریان زندگی جلای بیشتر جالب دقت بوده  
در میان توده های وسیع زحمتکش ازبازد میباشند  
جلای قهرمان یک سلسله دویستی ها است  
که شکل داستان را گرفته مورد پسند مردم  
واقع گردیده است .  
جلای همان شخص است که در آوان جوانی

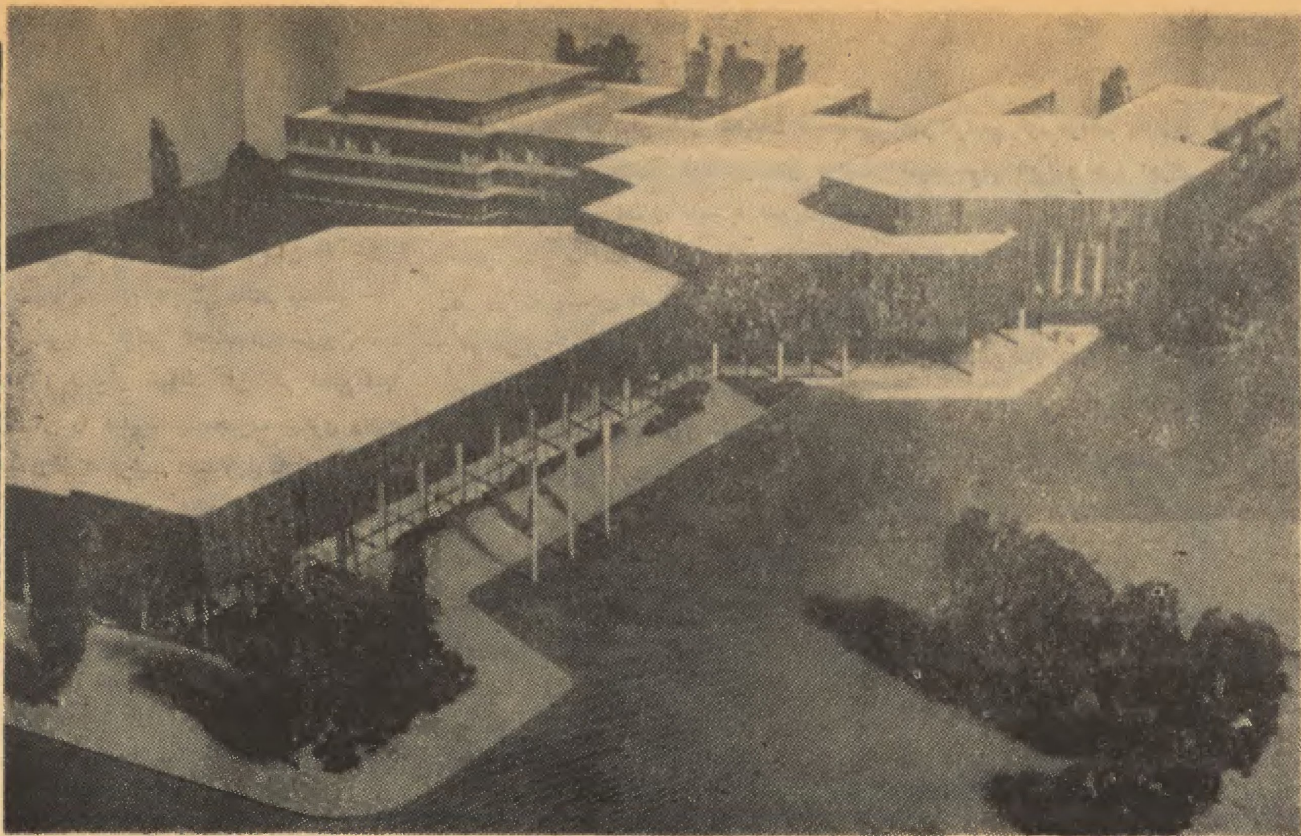
نبوده ایجاد یات شان قابل تدقیقات علمیست  
میباشد . ازین محققان فولکلور دری فعالیت  
سنگین نور محمد اف را باید به صورت خاص  
خطر نشان ساخت . او در سال ۱۹۶۱ هینکه  
در وزارت پلان افغان نستان بهیث ترجمان  
کار می کرد باسپارش شعبه فولکلور شناسی  
انستیتوت زبان و ادبیات بنام رود کی آکادمی  
علوم تاجیکستان جمع آوری علمی فولکلور دری  
زبانان را شروع کرده بود . در مدت دوسال  
او با کمک و بواسطه علماء و دانشمندان  
افغان نستان قریب نمونه همه انواع ادبیات  
شفاهی را برنوار ثبت نموده عکس گویندگان  
مشهور خلقی را جمع نموده درباره فولکلور  
و دانشمندان آن معلومات گرد آورده بود . بعد از  
باز گشت به وطن نیز چند سال بیواسطه با  
آموختن و بررسی فولکلور دری مشغول گردید  
و همان بود که (آینه فولکلور تاجیکان افغا -  
نستان) (نمونه ضرب المثل و مقال های  
تاجیکان افغان نستان) بامتن ایپاس گرو غلی  
اوزبیکان افغان نستان و نمونه های فولکلور  
مردم دری زبان را در چندین مجله روزنامه های  
تاجکستان و اوزبکستان منتشر ساخت .  
سال ۱۹۷۴ نشریات دانش مجموعه علمی  
ایجادیات لفظی دری زبانان افغانستان را که  
جمع کننده مرتب و نگارنده سرسخت و توضیحات  
وزین آن نور محمد اف میباشند ، به طبع رسائی  
تا نشر این اثر در خود جمهوری دمو کراتیک  
افغان نستان و اتحاد جماهیر شوروی چنین اثری  
که ایجادیات شفاهی این کشور را طور علمی  
با مراعات قواعد و قواعد نین علم فولکلور  
شناسی معاصر برای چاپ تهیه نموده باشد  
به نظر نمی رسید . از این رو خدمت ترتیب  
دهنده در این رشته نهایت بزرگ است .  
سنگین نور محمد اف در دنیا چه عمو  
مذکور کوشش نموده است یاد آور شده که  
بیمانه جمع آوری و بررسی فولکلور افغانستان  
وسیع و عمو می باشد . این کتاب نه تنها  
حجم بزرگ است ، بلکه مندرجا تش نیز  
نهایت غنی و رنگین میباشند . کتاب در علم  
افغان شناسی اقدام خوبی بوده در آینده جهت  
جمع آوری تدقیق و منتشر ساختن فولکلور  
دری زبانان افغان نستان امکانات فراوانی را  
فراهم می سازد .  
در ۳۱ صفحه مجموعه مذکور بدو سر -  
بخش توضیحات مکمل نمونه های زیاد

های مراسم خود مراسم را با زبان فصیح تصویر  
نموده موقع اجرا و طرز اجرای سرود ها را  
در مراسم بیان نماید . یکی دیگر از وجوه  
امتیاز مجموعه آن است که بسیاری از بندو  
امثال را با متن آورده است . برتری دیگر کار  
های سنگین نور محمد اف از آن عبارت است  
که او هنگام کرد آوری فولکلور خصوصیت  
لحنه گوینده آنرا نگاه داشته است و در چاپ  
علمی هم این طرف مسئله مراعات شده  
است .  
همین طور در تاجکستان شوروی بر رسی  
فولکلور دری زبانان افغان نستان با چند راه  
واصول صورت گرفته است . اکثر مجموعه  
های فولکلور خصوصیت چاپ عامه وی را دارند .  
بعضا اثر های فولکلوری در حجم کوچکتر  
به طبع رسیده است . در حال حاضر شعبه  
افغان شناسی انستیتوت خاور شناسی آکادمی  
علوم تاجیکستان تصمیم گرفته است که مسئله  
گرد آوری ، بررسی و چاپ ایجادیات لفظی  
مردم دری زبان را پیش از پیش توسعه بخشیده به  
تدقیق نمود های گوناگون فولکلور تاجیکان  
شوروی و جمهوری دمو کراتیک افغان نستان  
جدا جدا بپردازد . جهت عملی گردیدن این  
مطلب پیش از همه ضرورت احساس میشود  
که در شعبه مذکور گنجینه فولکلور و ذخیره  
ثبت آواز گویندگان ممتاز و مشهور تشکیل  
گردد .  
شعبه افغان شناسی انستیتوت خاور شناسی  
آکادمی علوم تاجیکستان نیت دارد که در  
برابر تدقیق و بررسی برابلم های اقتصادی ،  
تاریخ ، زبان و ادبیات دری و پشتوی مردم  
افغان نستان را جمع به فولکلور و تدقیق  
مقابل ایجاد یات شفاهی مردم افغان و تاجیک  
و سایر خلق های گروه ایرانی بعضی کار هارا  
انجام بدهد . جهت عملی شدن این مطلب  
ضرورت احساس میشود که پیش از همه گنجینه  
فولکلور مردم افغان نستان به وجود آورده شود  
در این ذخیره باید مواد معلومات عالمان و  
دوستانان فولکلور که هنگام مسافرت به  
افغان نستان جمع آوری نموده اند شامل  
گردد .





کله چی یوی کیلپو  
مخکبنانو پو نښتوانه



د آلمان په دموکراتیک جمهوریت کی (د ارنست-تا-آلمن) په نامه د مخکبنانو د مانی د تاسیساتو یوه  
منظره .

شی. په سو سیالیز  
هیوادونو کی د مخک  
وړکتوب او خوانی په  
کوچنیانو د سیاسی  
کلتوری شعور د روزل  
تر بیوی مر کزو نه  
سو سیالیزستی هیو  
مخکبنانو د مانیو د  
هر ډول امکانات او  
اچول کیږی او لکه چو

کی وروستیو راپور  
کړیده په سو سیالیز  
کی د مخکبنانو مانی  
نونو د شیدو خوړلو  
عمدا رنگه د لو مړنیو  
ښوونځیو له پروګرام  
او نژدی ارتباط لری  
کراتیک جمهوریت کړ  
لو مړنی مانی د (ارنس  
نامه د ۱۹۴۸ کال د  
په دیار لسمه نیټه ج  
دمخکبنانو دغه مانی  
فعالیتونو له نظره د  
ټولنیزو سازما نونو  
سره زیاته وړ ته وال  
مخکبنانو د مانیو پرو  
ښوونو او روزنو د

## دمخکبنانو مانی

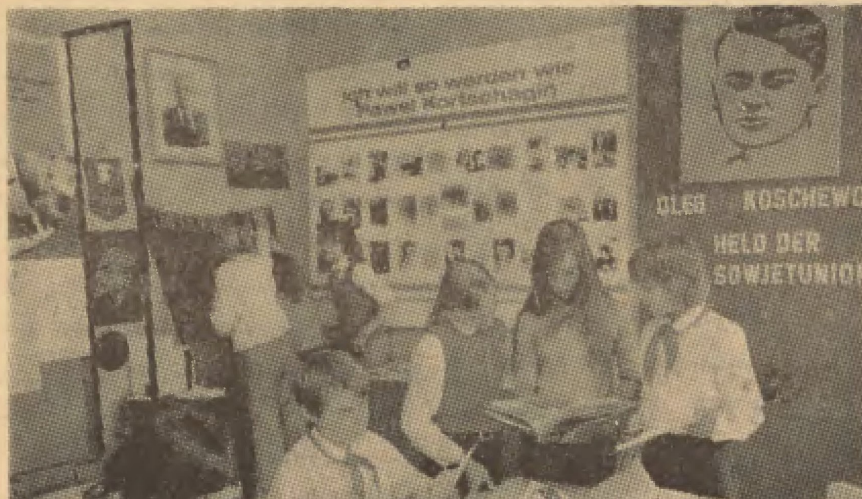
### خه ډول فعالیت کوی

کاندی. دا د مخکبنانو دمانیو وظیفه  
او رسالت دی چی کو چنیانو دتفریح  
او لو بی کولو امکانات برابر او تامین  
کړی او دوی په دی قادر وگرځوی  
چی خپل وخت په خوښی او غوره  
مشغو لیتونو په سیوری کی تیر  
کاندی. د مخکبنانو مانی کولای شی  
چی ماشومان د ډله ییزو کارونو لوری  
ته تشویق کړی او په دغه برخه کی  
سمه لار ښوونو ته ورته وکاندی .

د مخکبنانو مانی او د هغی تجربی  
د کوچنیانو خو شحالی ، ډله ییزی  
کار، متقابل احترام او یو ډبل سره  
ممکاری او مرسته کول تشکیلوی.  
ددغه ډول مانی په جوړولو سره  
کوچنیانو ته دا زمینه برابریدای  
شی چی یوډ بل سره مینه او محبت

مانی وظیفه لری چی کو چنیانو او  
ټینګو خوا نانو ته د هغوی د حقوقو او  
ټولنیزو وظیفو او مکلفیتونو په باب د  
تدریس او زده کړی چاری تر سره

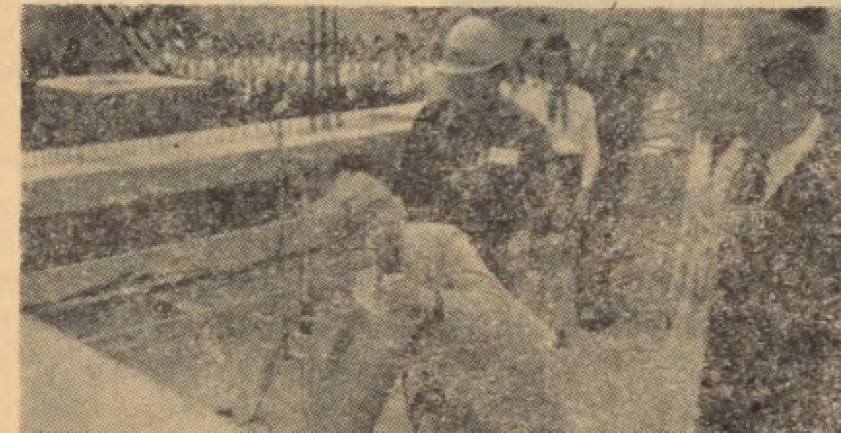
د مخکبنانو د مانیو له جوړیدلو  
څخه هدف او مقصد دادی چی د  
سیاسی ژوندانه له پدیدو سره  
پېژند گلوی پیدا کړی. د مخکبنانو







دا هم د مخکښانو د ماني دبرخه والو د مو سمی ميلو او تفريحي  
فعا ليتونو يوه گوښه .



هم پيدا شويدي چي په نړيوال ډگر  
کي دکو چنيا نو او تنکيو ځوانانو په  
ټولنيز ژوند کي د هر ډول استثمار  
او استثمار مخه ونيسي . په ۱۹۵۲  
کال کي ددغه هيواد د مخکښانو په  
ماني باندی د (ارنست، تالمين) نوم  
کښمودل شو او تر او سه پوري د  
ټولنيز ژوند له بيلا بيلو پزوگرا مونو  
څخه بر خورداره ده .

(ارنست، تالمين) د فاشيزم  
ضد يو ستر شخصيت وو اود  
جرمني د کارگرانو ډولي د انقلاب  
له ډيرو نامتو او سترو لږهبرانو  
څخه شميرل کيږي . نو موږي دکار-  
گرانو غور ځنگ اتمه ايو لږ گټورو  
خدمتو نو څخه وروسته په کال  
۱۹۴۴ کي د (يو چو نواله) په کمپ  
کي د هنلر د فاشيسټا په واسطه  
وژل شو .

دمخکښانو په مانيو کي دژوندانه  
ميارونه :

دمخکښانو په ماني کي  
دغي يتوب موضوع البته يوه رضا-  
کاره هيله او ارزو ده . يا په بله ژبه  
په دغه ماني کي هر څوک کولای شي  
په داو طلب ډول دغي په تو گه  
شا مل شي . د طرح شويو لوايحو  
او جوړو شويو اسانا سنا مو له مخي  
دښو ونځينو ټول زده کوونکي او  
شاگردان چي عمر له (۱۴ کلونو  
څخه پور ته نه وي کولای شي چي د  
مخکښانو د مانتو په غي يتوب کي  
شا مل شي . د مخکښانو د لو مړنيو  
دريو ډلو په کتگوري کي ۶-۹ کلونو  
پوري هغه ځوان مخکښان ونه لري  
چي د تنکيو ځوانانو په ډله کي هم  
شميرل کيدای شي . د مخکښانو د  
ماني غي (هلکان او نجوني) مخصوص  
يو نيفورم آغوندی (۱۰-۱۳) کلن  
کو چنيان د مخکښانو د ماني دڅلورم  
کتگوري په ډله کي شميرل کيږي .  
همدا رنگه همدغه ډله (۴-۷) کتگوري  
په ډله کي هم را تلای شي . د طرح  
شويو قوانينو او مقرراتو له مخي د  
مخکښانو هر يوه غي ته (هلك -  
نجلي) د غي يتوب يوه کتابچه او يا  
يوه کارت ورکول کيږي . دمخکښانو  
په مانيو د غي هلكانو او نجونو

س هير مو نه شي چي د  
د مانيو او د دوی دوالدينو  
و تر منځ هم غوره همکاري  
رتباط شته دی . د (ارنست  
دمخکښانو ماني د المان  
تيک جمهوريت د ځوانانو  
په مان د مر کزي شورا له  
اره کيږي او ددغي شوراتر  
تر لاندی فعاليت کوي . په  
کي د ننه د مخکښانو ماني  
انوانو او تنکيو ځوانانو  
يو د بل سره د نژدی  
و تماس درلودونکي دی . د  
مو کرا تیک جمهوريت د  
ازاده اتحاديه په بيلا بيلو  
ډولو نو سره د هغه هيواد  
په له ماني سره کمک او  
وي . د مثال په تو گه د  
ددمو کرا تیک ساز مان د  
حادی غي کولای شي چي  
سو پروايزرانو، کنټرو-  
خاروونکو په خيږ دمخکښانو  
کي د ورځنيو کارونو څارنه  
دټولنيز سياسي کلتوري او  
ژوند په بيلا بيلو اړخونو  
مخکښانو او تنکيو ځوانانو په  
پيژ ند گلو او لار ښووني  
په ونډه واخلی . د خپاره  
اپورونو له مخي اوس اوس  
دمو کرا تیک جمهوريت د  
په ټولنيزو ساز مانو نو او  
کي څه د پاسه يو ميلیون  
څلوېښت زره تنه هلکان  
مخکښانو او تنکيو ځوانانو  
د غي يتوب وياړ لري . په  
لادی کال کي هغه وخت چي  
قدرت ورسيد دا يوازی د  
ی دبانگه والي د سيستم  
په کي د جرمني د کمو-  
ند د ځوانانو دليگ دهلو-  
نه وه چي د هغه هيواد د  
و زا منو او کو چنيانو ته د  
ر غه ژوند امکانات تا مين  
ورو ستيوراپور ونو له مخي  
په اوږدو کي د المان ددمو-  
جمهوريت دمخکښانو دمايي  
مينگ په لس گونو پرو-  
کر په فعال وندې اخستله



میت سره د پیو ستون او یو والی  
سونه هم شامل دی .

دلواخواه له مخی دا د کو چنیانو  
وق او وجایب دی چی د خپلو  
دو او پلرونو د احترام طریقی  
کړی . په آزاده او دموکراتیکه  
ماتکي سندری وواپی او ونځیږی .  
مخکینانو په مانی کی هر یوه ماشوم  
د تفریح کولو او خوښی ټول  
روری وسایط، لوازم او اسانتیاوی  
ابری کیږی .

د تشکیلاتو له مخی د مخکینانو  
ماتیو کی هره ډله خان ته یو رهبر  
ی او دغه رهبر کیدای شی چی په  
مخاری توگه د ځوانانو ددمو -  
راتیک ساز مان په گروپ پوری  
نباط ولری . کله کله د مخکینانو  
ندی او پلرونه هم په افتخاری توگه  
مخکینانو د تدریس ، لارښوونی ،  
رڼی او نور کارونه په غاړه لری .  
مخکینانو د اوسنی ساز مان مشر  
مان ددمو کراتیک جمهوریت د  
رانانو د آزادی اتحادی له غړیو  
څخه په دایمی توگه ټاکل کیږی .  
کیدای شی چی دغه مشر دپوه  
وونکی په صفت د مخکینانو د  
ستی دساز مان ورځنی کارونه پر  
م بوزی .

د مخکینانو مشران خپل تعلیمات  
تحصیلات د ښوونکو د روزنی په  
سستیتوت ، اکاډمیو او ځینو نورو  
تیمی او تربوی موسسو او  
ساز مانونو کی چی پخپله د مخکینانو  
ماتی له خوا تنظیم شوی وی تر سره  
وی . همدا رنگه د مخکینانو رهبران  
ولای شی چی له څلورکلنو کورسونو  
څخه هم گټه واخلي . واقعیت دادی  
ی مخکینان دخپلی ټولنی دورځنیو  
ارو په تر سره کولو کی ونډه  
خلي او مکلفیت لری او ددغه هدف  
تحقق سره دوی کولای شی چی  
دمو کراسی رازونه او اسرار د  
مر په لومړنیود ورو کی زده کړی او  
بیا وروسته یی د عمل ډگر ته راپلی  
باندی . د مخکینانو هره ډله خان ته  
ډلی شورا ټاکي . ددغی شورا په  
چوکاټ کی یو رهبر ، د هغه مرستیال  
منشی ونډه لری . دوی دری واره

او گډون کوونکی وظیفه او رسالت  
لری چی لومړی د خپلی ټولنی اوهغه  
چاپیریال چی په کی او سیری  
مخاری او دخپلو اپوندو ډلو دپاره  
کار او فعالیت وکړی . هغوی  
کولای شی چی د خپل عمر په لومړیو  
پړاوونو کی د دموکراسی او په  
سو سیالیستی ټولنی کی د هغی د  
پلی کولو په معنی او مفهوم باندی  
پوهیږی . د ښوونی او روزنی په  
دوران کی د مخکینانو بیلابیلی ډلی  
د دوستی او همکاری د شورا گانو  
جوړولو ته اقدام کوی . په هره  
شورا کی له (۱۲-۱۵) تنو پوری  
مخکینان د غړیو په توگه ټاکل  
کیږی . ددغوشورا گانو یوه وظیفه  
داده چی په ټولنیز او ورځنی ژوند

دمیندو او پلرونو او د دوی د کورنیو  
انفرادی موسسو او ساز مانونو ، د  
ځوانانو او ښځو د ساز مانونو اود  
ټولنی د نورو اقشارو او ځواکونوله  
مر ستو او همکاریو څخه گټه اخلي  
او بر خورداره کیږی . د مخکینانو د  
ماتیو د برخه والو دورځنی ژوندانه  
یو بل عمده او مهم خصوصیت دادی  
چی هغوی باید د کار گری ډلی او  
زیار ایستو نکو سره نژدی تماس  
ولری . ددغه اصل د په نظر کی نیولو  
سره نژدی د ټولو ښوونځیو ، وړ-  
کتونونو او نورو تربیوی او تعلیمی  
کادرونو گډون کوونکی د تولیداتی  
کارونو له تصدیو او فابریکو سره  
دنژدی او نه شلیدونکی ارتباط درلو-  
دونکی دی . هر ټولگی خان ته د



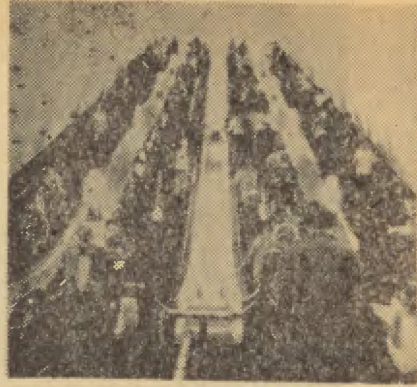
د مخکینانو د موسسی لیدر (رهنما) د مخکینانو سره د خبرو په حال کی .

فابریکی او یا تصدی له خوا د لار -  
ښوونی او رهنما په توگه یو تن  
څارونکی لری . دغه څارونکی اورهنما  
ذکر شوی ټولگی د غړیو په سمه

کی د مخکینانو ورځنی کارونه او  
فعالیتونه کنترول کاندی . د مخکینانو  
ورځنی کارونه د دوستی او همکاری  
داپوندو شورا گانو له خوا د قوانینو

هم کولای شی او ور ته زمین  
پری . چی د مخکینانو د رو  
تشویق او سمی لارښوونی  
په چارو کی ونډه واخلي  
رول ولوبوی . د کار گرانو  
گری ژوند سره د مخکینانو  
بیلو ډلو او گروپونو په آشن  
سره د یوه خو شحاله او  
ژوند د لاس ته راوړلو دپا  
ضروری امکانات او غوره  
تامین او برا بر یدای شی  
د ښوونځیو او مخکینانو  
د همکاریو او نژدیو تماسو  
ښوونځی ، وړکتونو نه او  
نو موسسی نه یوازی په من  
انسه و لیزم تو  
دبل سره ارتباط لری او  
بلکه دمیندو او پلرونو او  
سره یو ځای په ټولنه کی  
نکړی واحد تشکیلوی . دطر  
قوانینو ، مقرراتو او ل  
له مخی د مخکینانو م  
خپل غړی او برخه والی ه  
مسوولیتونو او مکلفیتو نو  
ښوونځی یی طرح کړیدی  
متوجه کوی چی د ښوونکو او  
په برخه اخستلو او گډو  
سره د مخکینانو موسسی  
تفا هم په شته والی سره  
قواو دیکار اچولو ، کنجک  
دسپلین ، ټولنیز نظم او د  
ملگر تیا کار کولو د رو  
درلودلو سره فعالیت کوی  
په ورځ پر مخ ځی . په دی  
ډول موسسی وظیفه لری چی  
سیالیستی زده کړو له پا  
او نجونی د ښوونځیو د  
کاندی د مخکینانو په ماتیو  
هلکان او نجونی په دی یو  
چی تعلیم اوتر بیه د دوی  
او ټولنیز ژوند دپاره د  
او مهمو عوا ملو څخه شم  
او دوی باید هرو مرو دغا  
خپله جدی توجه او پاملر  
ځوی . دا خبره البته د ی  
چی د مخکینانو په ساز م  
موسسو کی د ښوونځیو  
کادرونو په چوکاټ کی دن





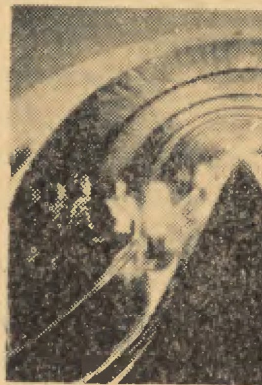
هر روز حدود شش میلیون و بعضاً هفت میلیون مساکنین مسکو از میترو استفاده می نمایند. در هر ایستگاه ساعت شش صبح باز و یک شب بسته می شوند.



ایشان برای مسافرتین) شمار میتروی مسکو است. شانزده ر، معلومات لازم را به مسافرتین تقدیم میکند و سه هزار و ن برق ای دقیق ترین وقت را نشان میدهد.

ترجمه و تخلص از: جویله کریم

## نخستین میترو یاراه آهن زیر زمینی



اولین راه آهن زیرزمینی مسکو پنجاه سال قبل از امروز در منطقه سوکولینسکی توئل کشیده شد. این خط آهن ۱۱۲ کیلو متر امتداد داشت و دارای سیزده ایستگاه بود. روز افتتاح آن تعداد مسافرتین به سه صد و هفتاد هزار نفر میرسید.

این امر، آغاز گر ساختمان هایی بود که درست در درازنای سالهای جنگ بوجود آمد.

قابل تذکر است که اولین میترو (راه آهن زیر زمینی) توسط طراحان شوروی طرح شد و ساختمان گردید کذا وسایلی که در آن بکار رفت نیز ساخت اتحاد شوروی بود. این طرح انتخابی که در جهان بی نظیر بود. صحت خود را در عمل



مسکو اعمار گردید. چاده یکصد و نود و سه کیلو متری این شمراقتباس از خیابانهای شهر مسکو بود که به آن شباهت تام دارد. شش یا هفت قطار که سرعت عادی آنها ۴۱.۰۳ کیلومتر فی ساعت است و سرعت اعظمی شان فی ساعت هشتاد کیلو متر می باشد روزانه شش میلیون نفر را انتقال میدهد این عدد گاهی به بیش از هفت میلیون نفر میرسد.

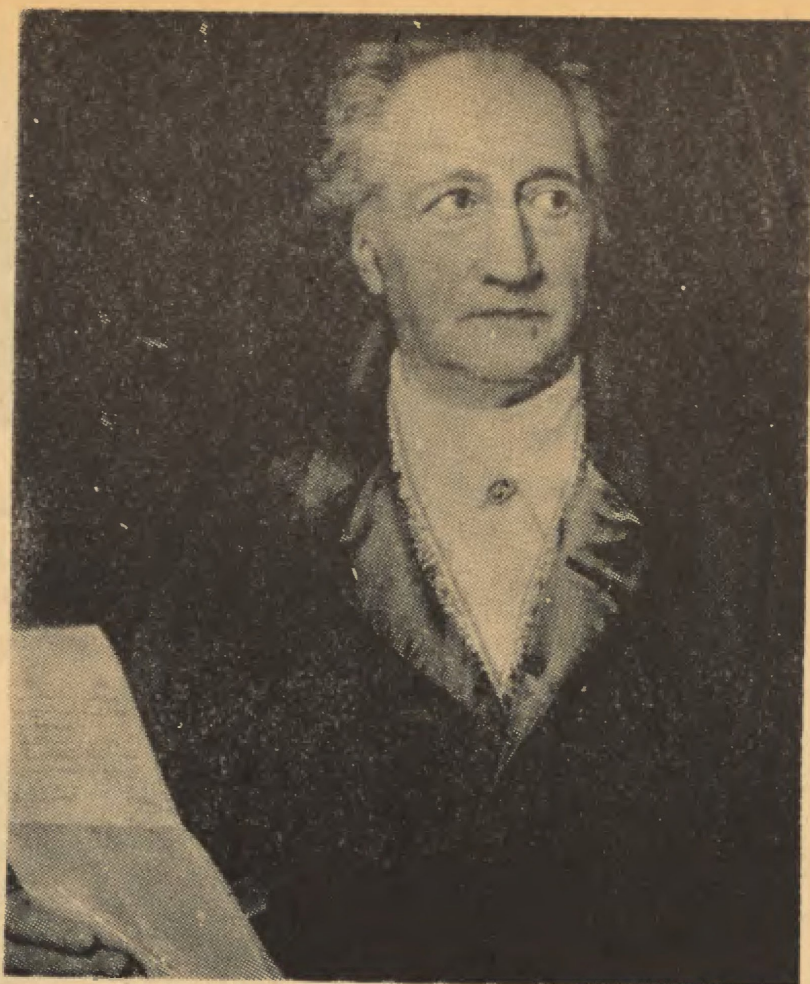
مشخصه خط آهن زیر زمینی مسکو عبارت از سرعت، آسایش و قیمت نازل میباشد یک مسافر میتواند با پرداختن صرف پنج کپییک یکصد و نود و سه کیلو متر را سفر کند.

امروز معماران به مناطق جدید مسکو نی میترو (زیر زمینی) میسازند آنها در آینده حدود شهر را عبور خواهند کرد، و مسکو را با حومه های آن وصل خواهند نمود. مطابق پلان عمومی انکشافی مسکو، طول مجموعی سیستم میتروی پایتخت به سه صد و بیست کیلو متر میرسد.

متخصصین انجمن ساختمان زیر زمینی مسکو تجارب خویش را وسیعاً در معرض استفاده دیگران قرار میدهند. ایشان در ساختمان

راه آهن زیر زمینی درلنینگراد، کیف، تیلبیسکی، باکو، تاشکند، ایریوان و سایر شهرهای شوروی همکاری نموده اند. تجربیات آنها در اکثر مناطق صعب العبور راه آهن (بایکال آمور) مراکز انرژی برق آبی در سایبریای و آسیای میانه و در حفر کانالهای آبیاری بسیار سودمند





تمثال گوته فیلسوف، شاعر، نویسنده ودانشمند شهیر بهمناسبت یکصدوپنجاهمین سالروز مرگ :

حبیب الله فرهنگد

# یوهان ولفگانگ فون گوته

مخالف فرهنگی جهان در مارچ ۱۹۸۲ یاد و بود یکصدوپنجاهمین سالروز مرگ «یوهان ولفگانگ فون گوته» فیلسوف، شاعر، نویسنده ودانشمند شهیر را باتدارکات وسیع و مخالف علمی بر گزار می نمایند. به همین مناسبت در جمهوری دموکراتیک آلمان مخالف با عظمت علمی و هنری دا یرمی شود و در لیزیک نمایشگاه بخصوص تحت عنوان «گوته در هر کتاب جهان» گشایش می یابد که در آن آثار گوته، محصولات جدید پیرامون این شخصیت بزرگ جهانی و اسنادی که جاودان بودن نام این شاعر را بازگو می نماید در معرض نمایش گذاشته می شود.

در کابل نیز این روز در پوهنتون کابل برگزار می شود. آنچه در این مقاله می خوانید، در سه بخش ترتیب شده است، برگزیده ای است از زندگینامه و شخصیت

بنابارت وی را از زمره مردان بزرگ و دوکتور حسین او را از نوابغ علم و ادب گیتی دانسته اند.

در زمان گوته، تحولات عظیم و گسترده علمی، اقتصادی و سیاسی در قاره اروپا، ظهور کرد. رنج و فقر مردم فرانسه، قروض مالی و خزینه خالی دولت، مردم علیه «لویی» اعتراض می نمودند. پدر گوته، حقوقدان بود، در جنگهای هفت ساله اروپا، یکی از افسران فرانسوی را در منزلش راه داد و در همان زمان بود که گوته به تمدن و فرهنگ فرانسوی آشنایی پیدا کرد. گوته هنوز هفده بهار زندگی را دیده بود، او سوی شهر لیزیک (شهر کنونی آلمان دموکراتیک) نهاد و در آنجا به فراگیری رشته حقوق همت گماشت اما بصورت طبیعی به صنایع ظریفه علاقه مندی خاص داشت. گوته برای پیروی از سادگی در شعر و تهیه مقدمه اصالت در فکر جوانان آلمان، هومه و شکسپیر را سرمشق قرار داد.

یوهان ولفگانگ فون گوته در شهر دایمار متکفل و ظایف پر مسوولیت سیاسی و اداری گردید، چندی مشاور مخصوص سلطنتی و زمانی به رتبه و زیری رسید. گوته روماننیزم آلمانی را اساس گذاشت در فلسفه از روش کانت یا اصالت عقل پیروی کرد در ظرایف و شیرین سخن از شعرای فرانسه پیروی می کرد اما اشعار دور جوانی وی از عمق خالی نیست و کار وی از شیوه استادان خوش آمد گوی جداست.

آثار مهم گوته:

گوته در کلیه انواع شعر مدارج عالی را پیموده است و آثارش در ادبیات اروپا و تاریخ عمومی عصر جدید تأثیر شگرفی داشته است. همینکه در پانسونی واقع لیزیک زندگی اختیار نمود او لین آتس شاعرانه خود را بنام «شب» سرود بعمر ۲۳ سالگی که جهت ماموریت عازم شهر تسلاشد تادوسیه های دوران امپراتوری را مورد بررسی قرار بداد در آن شهر با دختری بنام «لوتر» آشنا شد و عشق ناکام وی زیاترین آثار او در بیات جهان را بنام «آلام و تر جوان» در سال ۱۷۷۴ بوجود آورد. «گوتس فون بریشنگن» درامه ایست که توفان و فشار را بازگویی کند و ایست درام جنبش های تاریخی آلمان را در قرن شانزده نشان میدهد و در آن از واژگونی

«به! چگونه در روم خوش شاد  
هنکا میکه از روزهای یاد می  
کوه های بلند در شمال،  
دور مرا فرا گرفته بود و آس  
همچون کره بر سر من فشار  
سربسیر بیرنگ و فروغ بود  
هولناک اندیشه در پی چاره  
راه تیره گام بر می داشتیم  
سالهای تدریس و یاد  
یک روز مان تریوی اثر د  
ونقش یک تاجر بچه را که  
رود و تجربه بدست می آور  
سالهای تعلیمی او بیک بور  
تبدیل می شود.

«مکالمه بااکرم» اثر د  
که منشی وی بنام «اکرم»  
ومبا حنات گوته جمع آور  
گوته انقلاب کبیر فرانسه  
پروسه ضروری می دانست  
آنها می پسندید و در برابر  
هرگز بی اعتنا نبود و بیو  
در آلمان نیز صحنه های  
دیده میشود.

در حکایت «اطفال عجیب  
ونظام، آشتی ناپذیری مقاف  
می کند و در پایان تاریخها  
حل سعادت مند را نیز نمایا  
«دیوان غربی و شرقی»  
اشعاری است که قسمت ها  
۱۸۱۶ و ۱۸۱۷ در مجلات  
یافته است ومجموعه آن در  
شد. در این اثر گوته در  
دری پر داخته و همچنان  
آنها بسایر ملل مشرق  
و غیره و نظریات خود را در  
داده است و به خاطرات ج  
نظیر مار کوپولو، مؤت  
تاورینه اشاره می کند.

دوازده کتاب است که گو  
اسامی دری و شرقی نامی  
یکی از شاعران د را  
گوته «فاوست» است  
در سال ۱۷۷۳ بر روی ک  
این اثر را در سال ۱۸۳۱  
می دانست و در سال ۱۸۳۲  
زد واصلاحاتی در آن وارد  
فاوست از یک افسانه مش





بود و انقلاب و تحول بزرگ فکری ، تکان بزرگی در زمینه در ارو پا پیر آ ورد و بنای کلیه عقاید و افکار کهن را وارگون ساخت در آن زمان شرق شناس اتریشی بنام «هرمر پور گشتال» به دیوان حافظ را بر زبان آلمانی بر گرداند و گویت به این طریق به فکر و عقیده حافظ به اشعار د لکش و پرمعنی وی راه یافت و بقول خود وی عطر و حرارت شرق و نسیم ابدیت را که از جلگه و دشت های شرق می وزید ، احساس کرد . حافظ برای گویت دنیای دگر ، فکر دگر ، روح دگر به ار مغان آور د خود را شاگرد حافظ خواند و گفت : اسناد آ رزوی من آنست

که در آن هنگام که دنیا پایان می یابد من در کنار تو و همراه تو باشم « در سال ۱۸۱۴ گویت در دفتر یاد داشت خود می نویسد :

« از و قتی که این شخصیت عجیب و بزرگ در صحنه زند گانی من قدم گذاشته ، دارم دیوانه می شوم . اگر خود را سر گرم کاری نکنم و محصول ادبی پدید نیاورم ، مسلما طاقت تحمل این تحول بزرگ را نخواهم داشت . »

گویت در ۱۴ دسامبر ۱۸۱۴ برای نخستین بار نام «دیوان» را در دفتر یاد داشت خود آورده است « اکنون مشغول تهیه آ نری هستم که می خواهم آنرا بصورت آ ینه دنیا (جام جم) در آورم و دیوان آ لما نی نام بگذارم . » اندکی بعد در همین دفتر نوشت :

« آرزوی من آنست که باین اثر ، غرب را با شرق و گذشته را با حال در هم آمیزم . » بدینصورت گویت مجموعه اشعاری را بوجود آورد که آنرا « دیوان غربی و شرقی » نام نهاد و در سال ۱۸۱۹ ، انتشار یافت و در سال ۱۸۲۰ قطعات د یگری به آن افزود . و در چا پ ۱۸۳۶ پس از مرگ او انتشار یافت چند قطعه دیگر از رو ی نسخه های خطی ای که پس از مرگ وی مانده بودند . اصل «دیوان» شامل دواز ده کتاب است که گویت آنها را به اساس دری و شرقی نامیده است بدینترتیب : مغنی نامه ، حافظ نامه ، عشق نامه ، تکفیر نامه ، رنج نامه ، حکمت نامه ، تیمور نامه ، ز لیخا نامه ، ساقی نامه ، مثل نامه ، خلد نامه .

هریک از این کتابها شامل قطعات مختلفی است که گویت آنها را به پیروی از طرز

بار در سال ۱۸۰۸ با ادبیات دری آ شنایی پیدا کرد و آنهم از طریق ترجمه لیلیو مجنون جامی بود که ها رتمان به ز بان آلمانی ترجمه کرده بود . اندکی بعد هامر د ر سال ۱۸۰۹ قطعه شعر مفصلی بنام شیرین انتشار داد که آنرا از منابع گو ناگون ادب دری در باره ما جرای عاشقانه شیرین و فر ها د انتخاب و تدوین کرده بود و پیش از این گویت شرق را از روی چند اثر ادبی عربی که بزبان های آلمانی و فرانسوی ترجمه شده بود و « معلقات » از آن جمله بود ، می شناخت . چرا گویت به اشعار حافظ علاقمندی داشت :

دیوان حافظ در ر دیف آثار منظوم نه فقط اثر هنر یست بلکه اثر فلسفی نیز هست . دیوان حافظ گنجینه ایست از تفکر و

تصمیم فلسفی نکته بین و باریک اندیشی و تنوع استدلالات . شیوه بدله آمیز حافظ شگرف است و از ظریفترین انواع ریشخند فلسفی است . احتجاج او بشیوه ای هنر یست یعنی با چهره ها ، استعارات و صور هنری افکار خود را بیان میدارد جهان بینی حافظ برای جهان امروز در مجموع ناپذیرفتنی است ولی در آن یافت های ژرف و نگرشهای باریک وجود دارد .

امید در دیوان حافظ موج میزند . ابیات پر از مژده و تسکین هاست و همین هاست که دیوانش را جالب ساخته است . همین افق و سیع حافظ است که وی را در دیده صاحب نظران جهان چنین گرانقدر ساخته است تا آنجا که یو هان دلفکانگ فون گویت شاعر نابغه ای آلمان در « دیوان شرقی و غربی » او را کسی شمرده است که « بی آنکه زاهد باشد مقنس است و در و صفوی این کلمات پر شور را نوشت »

« ای حافظ ! سخنان تو همچون ا بدیت بزرگ است ، زیرا آنرا آغاز و انجای می نیست کلام تو چون گنبد آ سمان تنها خود وابسته است لاجرم میان نیمه ای عزلت با مطلع و مقطع آن فرقی نمی توان گذاشت چه همه ای آنها آیت جمال و کمال است . اگر روزی دنیا بسر آید ، ای حافظ آسمانی آرزودارم که تنها باتو و در کنار تو باشم همراه تو باده نوشم و چون تو عشق ورزم ، ز یی را این افتخار ز ندگی و مایه ای حیات من

است . »

تاریخی پس از طی یکدوره پر خره روزی با و صفی فجیع و طرز می شود ، دو ستانش جسد او را در نزدیکی منزلی پیدا میکنند ی او وارد می شوند کف ز مین آ غشته بخون می یابند آنوقت بود که شیطان فاوست را تلف

یته ، نویسنده معروف انگلیسی ار لو در سال ۱۵۸۸ درامی بنام نوشت او فاوست را چنین توصیف میکند به تحصیل علوم پر دا خت رشته علوم الهی کسب دانش بزرودی به بیوده بودن دانستیهای برد لهذا دست به جادو گری و ند تابه اسرار جهان دست یابی و به حد اعلا ی قدرت پر سد . مارلو درین است که او داستان از جنبه افسانه عادی بیرون آورده بی و فلسفی به آن داده است . اطلاع از داستان مار لو ، اثرش تخریر می آورد .

ای گویت : بوسته باعشق زندگی کرده است تا آخر عاشق پیشه مانده دلها های را برده است ، شعر سروده قم کرده است . برای « کریستال گل سرخ وحشی » و « ملاقات » می گوید : د خترکی است گندم ن سیاه بر بیاض عا ر ضحافتاده اندر شکن گردنش را پوشانده ... بین معشوقه خود « کینه » شعری عنوان « د خترک شیرین من » .

سومین معشوقه خود « فرید ریکه گوید : « لطف رفتارش از نسیم بوع تر و گشادگی ر خسارش از در بهاران د لکش تر بود . هر را می دیدم افق سعادت را پیش ده می دیدم . چارمین معشوقه لوت بوف بود و همینکه معشوقه زدنش ازدواج می کند می گوید : بد هید که من پدر خوانده پسران می کنم که خلق و خوی مرا پیدا دلباخته هر د ختری گردد که بشما من شبیه است . پنجمین معشوقه می و ششمین آن « شار لوت نام داشت . یازدهمین و آخرین



که در واقع نمایندگان و یا هم  
حامیان حکومت اند خود را تحت  
فشار اقتصادی احساس مینمایند  
تلاش ترقی پسندان بیشتر روی  
این محور می چرخد که دنیا له روی  
از سیاست زورگو یا نه  
قتل و قتال در السلوا دور  
زودتر پایان داده شده و  
تأمین حقوق دموکراتیک  
زمینه ایجاد گردد.

ترجمه (م، مروت)

## شیوه های مفید طبابت عنعنوی

اکنون مساعی گسترده در جریان است  
تا شیوه موثر استفاده ادویه عنعنوی در  
کشورهای مختلف جهان خصوصاً  
کشورهای رو با انکشاف بکار  
گرفته شود. موقع مطالعه این  
موضوع استفاده از ادویه محلی و  
عنعنوی نیز در نظر می باشد. مطالعه  
این موضوع زمینه آنرا فراهم میسازد  
تا از خدمات طبی توده های عظیم مردم  
خصوصاً در کشورهای روبانکشاف



یکی از باغهای که در آن گیاهای طبی پرورش می شود. ا  
های طبی در هانگ گیای ویتنام واقع است.

و عقب نگه داشته شده مستفید استیک ها، انکاسها و غ  
گردند و طبابت بحیث خدمات عامه اکنون طبابت علمی  
به مطالعات وسیع در م



ترجمه: میر حسام الدین برومند

## گسترش فقر و تنگدستی

### در السلوادور

های دشمنان علایم خیره گمی پدید  
آورده است.

نیروهای مرفقی در السلوادور  
معتقد بدین اصل اند که استراتیژی  
محیلا نه امریکا را خنثی ساختن  
و پیوسته شرایط را به نفع  
خویش چرخانده اند و این مخصوصاً  
از آن جهت است که قاطبه مردم با  
ترقی پسندان اند. و آیا مبارزه  
شیمیائی انقلابیون با لای موقعیت  
کنونی سیاسی السلوا دور شگاف  
عمیق پدید نخواهد آورد؟ بدیهی  
است که سیاست ارتجاعی زور  
گویان السلوادور و به زوال  
است. مورال تروپ های نظا میان  
السلوادور و تضعیف و علایم  
سقوط در آنان هویدا گردیده است  
در ارتش تضاد هر چه بیشتر و ج  
گرفته است. از طرفی هم و  
شنگتن بی شرمانه در قبایل سازی  
سری به ارتش السلوا دور،

دیکتا توران گواتیمالا و هابنوراس  
را بیشتر از پیش تحت فشار در  
آورده، تا باشد که آنان با النوبه

امریکایز مایالات متحده امریکا  
و گروپ نظامیان فاشیستی آن که  
خود را به حیث تأمین کنندگان  
امنیت در السلوا دور جازده و بر  
مردمان بیدفاع آن حکمروایی  
دارند روز تا روز تلاش هایشان را  
گسترش می بخشند که مقاصد و مت  
مسلحانه جبهه آزادیبخش ملی  
(فارابو ند و مارتی) را بشکنند.  
آنکه در راس این نظامیان فاشیستی قرار دارد، منحیت يك آله  
سیاسی زودگو یا نواشنگتن،  
نابخردانه و کورکورانه سترانه  
تیزی ظلم و تعدی کسار پردازان  
امریکایی وفا شییست های السلوا  
دور را تعقیب میدارد و پیوسته  
سعی بر آن دارد تا در السلوادور  
بشکل دیکتاتورا نه، سیاست ظلم  
و استبداد را تحمیل بدارد. این  
حالت از دیر زمان است که در  
السلوادور مسلط است. از اکتوبر  
۱۹۸۰ تا جولای ۱۹۸۱ تروپ های  
(یونتا) در سه گروپ علیه انقلاب  
معاون در مناطقی تحت کنترل آنان





## مطالعات علمی روی بته هاو گیاه های طبی در انستیتوت طبی هانوی

استفاده از ادویه عنعنوی در ویتنام عبارت است از روش رفع اعتیاد به دوا است باید متذکر شد که در سال ۱۹۷۵ پس از اتحاد شمال و جنوب ویتنام، تعداد زیاد معتادین در بخش جنوب کشور وجود داشت. تنها در سیگون آنروز (شهر هو چی مین امروز) ۵۰۰۰ نفر وجود داشت که اکثریت آنها به هیروین معتاد بودند و این خرابترین اعتیاد است. شفا یابی آنها با تداوی دوا مدار و رفع اعتیاد از سر آنها صورت گرفت. در بعضی حالات از روش داغ کردن، بعضی قسمت های وجود و بعضی استفاده از گیاه های تسکین دهنده کار گرفته می شد. همچنان بیماران آماده آن ساخته می شدند، تا شرایط صحتی خود را بهبود بخشند. تاثیر این روش هشتاد فیصد نسبت روشی که توسط سسات طبی در دیگر کشورها بکار می رود بیشتر بود. در نتیجه تجربه دیده شد که این معتادان با ادامه این روش بهبود یافته و تمایل شان به مواد مخدره سه تا چار چند کاهش یافته است.

نتیجه این مطالعات نشان می دهد که راه برای ادامه و گسترش ادویه

آمده بتواند. مکتب توك نام باشاچه جنوبی ادویه عنعنوی برای بار اول در نیمه دوم قرن چهاردهم توسط نکوین باتین ثبت شد. این شخص که به نام تویی شهرت یافته بود، چندین جلد کتاب در این باره نوشت کتاب بسیار مهم آن (اثرات اعجاز آمیز دواي جنوب) است. این طبیب حاذق محلی در باره شش صدو سی گیاه و استفاده از آنها بحیث دواي شفا بخش معلومات می دهد. طبابت

عنعنوی به استفاده از بته های طبی که هر کدام اساس محلی دارد و این مغایر مکتب تداوی عنعنوی توك باك یا بخش شمال ادویه عنعنوی ویتنام است که توسط چوکان از معا صرین توین تو ضیح و ترویج یافته است این نوع شیوه تداوی عنعنوی از طب عنعنوی چنین انشقاق یافته و مربوط دوره سلاله هان (۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ بعد از میلاد) است اتکا دارد بر تعلیمات بود یزم، تاویزم، کانفیو- چیزم در آن وخت ادویه که از حیوانات منشاء می گرفت زیاد استعمال می شد که اکثر از آنها را

سمپوزیم، کمیسیون همکاری چکو-سلواکیا یونسکو نیز مساعدت نمود درین سمپوزیم ۱۰۰ متخصص اشتراك داشتند و سیزده مقاله و نتیجه تحقیقات و مشاهدات علمی باارتباط به طبابت عنعنوی در کشور های زمبیا، افغانستان، مصر، نایجریا و امریکای وسطی درین جلسه قرائت شد. همچنان درباره شیوه تداوی

عنعنوی که همین اکنون در ویتنام، یمن، مغلستان و حوزه بحر الکا هل رایج است، معلومات وسیع داده شد. شاملان سمپوزیم در مورد امکانات استفاده عملی از یافته های نو در جمله ادویه عنعنوی بحث کردند و به راپور مفصل در مورد نتایج تحلیل اولی گیاه های که بحیث منبع دوا در آسیای مرکزی بکار

میرود، گوش دادند و همچنان در جریان این سمپوزیم عکس ها و نمونه های از ادویه محلی و باستانی در معرض نمایش گذاشته شد.

این گرد هم آیی علمی، مورد توجه خاص مطبوعات قرار گرفت و ژورنالستان هم در جریان مباحثات ز این کنفرانس نه تنها در چکو سلواکیا بلکه در تمام کشور های کومیکان در نوع خود اولین کنفرانس بود و قرار شد تا این سمپوزیم با تئویر اجتماعات دیگر علمی دنبال شود.

یکی از بخش های بسیار دلچسپ تحقیق در سمپوزیم اولی عبارت بود از روش ووسایلی که در طبابت عنعنوی ویتنام بکار می رود. برای این موضوع دو دلیل وجود داشت، اولی نسبت اینکه این روش طبابت در شرایط دشوار جنگ در معرض تطبیق و آزمایش وسیع قرار گرفت خصوصاً در موقع عملیات وسیع علیه استعمار فرانسه متود های عنعنوی طبابت در واحد های نظامی ویتنام که شدیدا به قلت ادویه و پرسونل طبی مواجه بودند بکار برده میشد، از همین جهت است که اکنون بدون

نمونه مراحل شفا بخش و محلی را مورد مطالعه

س علمی سبب شده ادویه عنعنوی در جریان مطالعه ادویه مفید معاصر مورد استفاده قرار همین قسم مطالعات و اثرات دوا های نوینی را اکنون در اجتماعی گشوده است. این زمینه، معلومات مورد مراحل عقیدوی نی ویا ساحتات یق را در باره یی مثلا های مفکوره و تصورات جادو امثال آن بدست



از مواد حیوانی تهیه از دوا فروش های شهر روضه می شود.

چیز عنعنوی نمیتواند بسیا ر چیز های موجود است که مضر ر گفته شود. این واضح حیات بشری جنبه های وجود دارد که ایجاب یل مفیده دوام نموده و متضمن اثرات منفی

سمپوزیمی برای بحث در



د علمي تکنالو جيکي انسان  
په برخه کې څه ويلاي شي  
زه فکر کوم نه شي

دوی نظر يې وړاندې ش  
هم دوه ډوله فکره شته  
وويل شي چې ددغي اغيزي  
دهغي هو یت او څرنگه  
په ټولنيزو شرايطو او  
اړه لري . بورژوازي او  
له پاره دوگړو او پر  
او روزنې سويي ته په  
دی . اوس بورژوازي  
پوهان د علم يا پوهې  
خطي) بېژند لو پوري  
موبوط نه گڼي ځکه دوگړو  
لړل چې په عيني او و  
ټولنيز شعور سو په  
علمي تکنالو جيکي ا

برياليته بو نو يوه مهمه  
يو ځانگړي پانگوالی يو  
نه غواړي، بورژوازي  
د تنگ نظرانه گټو په  
سره ددی له پاره چې خو  
ستونزو او کرکيچو  
وگرځوي ، ټولي بد مر  
علمي او تکنالو جيکي  
نسبت ور کوي . او  
اوسنی عصر د ځوانانو  
تبادل ناست والی او  
خاموالی منځ ته راوړي  
او په دی ډول د  
خپلي طبقې د ځانگړو  
دپه لاس راوړنوله پاره  
کوي . او د همدغه حا

بورژوازي ټولنه کې  
(نسل) يو تريخ عبارت  
حال کې يوه معموله اص  
تر يو سو سيا ليد  
سيستم لاندی د فرد  
هيڅ يوه داسی معضل  
شته چې د علمي تکنالو  
په وسيله تشديد او  
شوروی سيستم په دغه  
گټو هد فو نو ، ايد  
سياسی يو والی له  
ټولنيزی ريښی لری  
دکمو نسيم يا لوړی  
جوړول پراخي پوهې  
او د لوړی سطحې کلا

پروسه يا عمليه کې د ځوانانو  
زياتيدونکی ټولنيز رشد او پوځوالی  
دی .

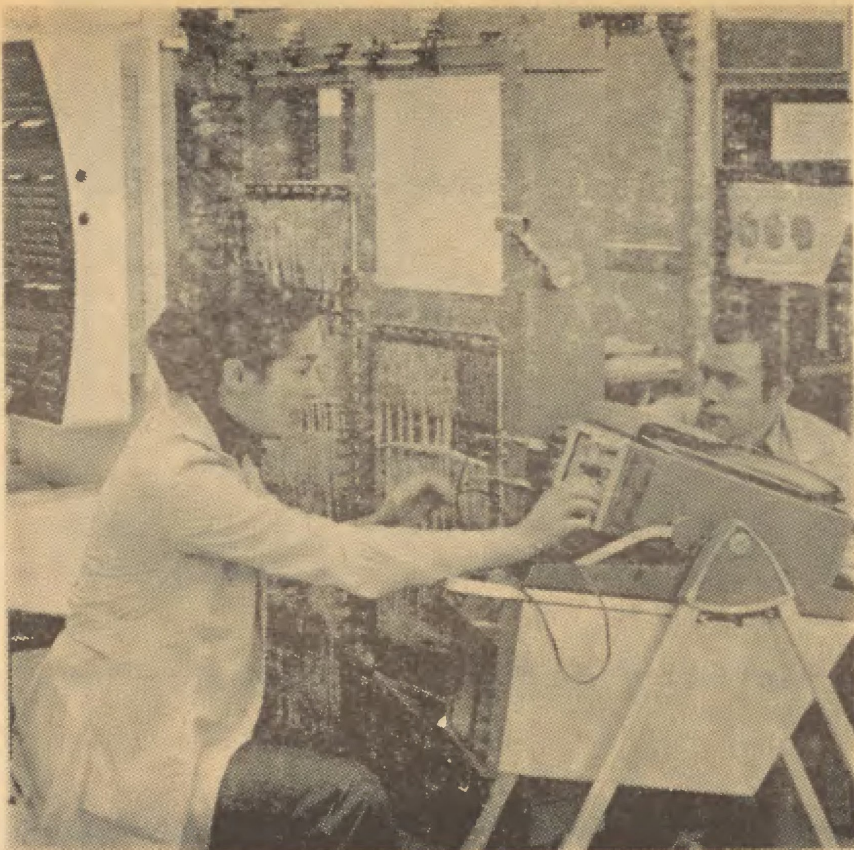
د هغی درول يوه منطقی پيژندنه  
هم د هغو کسانو په سن کې دټيټ  
والی راتلل دی چې د دولتي صلاح  
حيت ياواک لوړو او گانونو ته  
انتخاب کيږي . يعنی د شوروی اتحاد  
د سوسياليستي جمهوريتو نو  
عالي شورا ته دغه سن د ۲۳ کلونو  
څخه ۲۱ کلونو ته او د اتحاد دی  
جمهوريتونو عالي شورا گانو ته په  
ترتيب سره د ۲۱ څخه تر اتلس کلنی  
پوري راټيټ شوی دی .

په عمومې توگه په علمي تکنالو  
لو جيکي انقلاب کې د ځوانانو د  
برخی اخيستو شکلونه په لاندی ډول  
دی:

لو مړی ، په متداوم ډول سره په  
گړندی توگه د پراخيدو نکو  
معلو ماتو او اطلاعاتو راټول ، او د  
خپل قابليت او لياقت اصلاح کول،  
دوهم، په پراخه توگه د هغو  
وسايلو او اسبابو تطبيق او په کار  
وړل، چې د علمي تکنالو جيکي  
انقلاب په وسيله منځ ته راغلی دی،  
درېم، د ځوانانو دابتکاري، علمی او  
تخنيکي کارونو د سوي پرمخ بيول  
او په پای کې د هغو ټولو ابزارو ،  
آلاتو او وسايلو په اغيز من ډول سره  
په کار اچول، چې د علمي تکنالو  
جيکي انقلاب په ترڅ کې منځ ته  
راغلی دی .

په اوسنی وخت کې د پرمخ  
توليدی عملیې ، ترزياتي اندازی  
دکار پرمعياری عملیو او بنسټی دی.  
آيا دغه څيز د ځوانانو پر برخه کې  
دهغوی دپريکړی هکوالو په هکله د  
خپلواک او آزاد فعالیت ، نو بنسټ  
او ابتکاري روش انه نيسي ؟

کمو نيستی گوند پر ځوانانو  
باندي دکار په زیاتو برخو کې اعتماد  
او باور کړی او کوی يې د مثال په  
ډول د بايکال ، امور د رپل پروژې،  
دکسممول د کار ځايونه او د کار  
داسی نورې بنی د ځوانانو د انرژي  
په ابتکاري توگه دپه کار لويديز مينه  
برابروي او هغوی ته اجازه ورکوي  
چې ځانگړی تمهونه جوړ کړي او په



د یوی پرمخ تللی مترقي پوځوره خصوصیت په ټولنيز ، سيا سي  
ژوندانه او توليدی چارو کې د ځوانانوپه فعالانه توگه سره برخه اخستل  
دی .

دپوهنيار محمد هاشم بشريارژباړه .

## ځوانان او علمي تکنالو جيکي انقلاب

ډيره مستقيمه اغيزه او تاثير پر  
شوروی ځوانانو باندي ، د هغوی د  
ښوونې او روزنې په سويه کې د  
کتنی وپلوړ والی دی . له دی کبله د  
پوهې په لاس راوړل او راغونډول  
ددغه انقلاب يوه څرگنده نښه نښانه  
ده .

د علمي تکنالو جيکي انقلاب په  
دوران کې ، شوروی ځوانان د ټولنې  
يوه ډيره لوړه روزل شوی برخه  
جوړوي . د شوروی اتحاد په سو-  
سياليستي جمهوريتونو کې په هرو  
دريو تنو ځوانانو کې . يوتن د شل

نن ورځ مونږ د ساينس او تکنالو  
لوجيکي انقلاب دطوفانی اوگړندی  
پرمختگ اغيزی د انسانی اوبشري  
ژوندانه پرتولو او خونو او همدا  
رنګه په دغه ترڅ کې د ټولنيز او  
اجتماعي پرمختگ پر بهير باندي  
گورو .

له دی کبله «سمينا» د شوروی  
اتحاد د ځوانانو مجلې ليکونکی ډلی  
دولاد يمير شير بيستکی د شوروی  
اتحاد د کمو نست گوند د مرکزي  
کميټې د سياسي بورو د غړی اود  
او کراين دکمو نست گوند د مرکزي  
کميټې دله مړی منشي څخه وغوښتل



هو نو ری دا و میرا کثراً بحیث  
نمایند و واقعی انعکاس دهند  
هنر بحیث سلاح در نبرد عدالت  
اجتماعی یاد می شود . این چهره بر  
ازنده هنری ، تبارز دهند و -  
قعیت روشن و نقاد بر ازنده  
زویای مختلف اجتماعی از طریق  
هنر میباید . جو زی ما رتسی  
از هنر دوستان کیو با چندین  
بار ازین هنر مند سر شناس و  
هو گارت بحیث ایجاد کنند  
روش ( شکل دادن یک انگیزه از  
طریق مبالغه پیش از حد آن ) یاد  
می کند . این هنر مند از نگاه

وقت و همچنان تضاد های اجتماع  
نشان میدهند که این میتوان چهر  
تمام نمای خصوصیات اجتماع  
و عصری باشد که دا و میر در ا  
زندگی میکرد .  
دید و مفکوره دا و میر در ا  
زمان در واقع تعهد و گرایش  
بود برای انقلاب که سالیان متما  
او را بحیث یک چهره رو شنگراد  
بین نیرو های پیشا هنگ قرن  
تبارز داده بود . وقتی ساطور سانسو  
مجال نداد تا او بحیث یک نقاد سیاس  
عرض وجود کند ، او بحیث ( نقاد سلوک  
تبارز کرد . کارتون های او



نمای از هو لوزی داومیر

داو میر :

## نقاشی که با احساس مردم جان بخشید



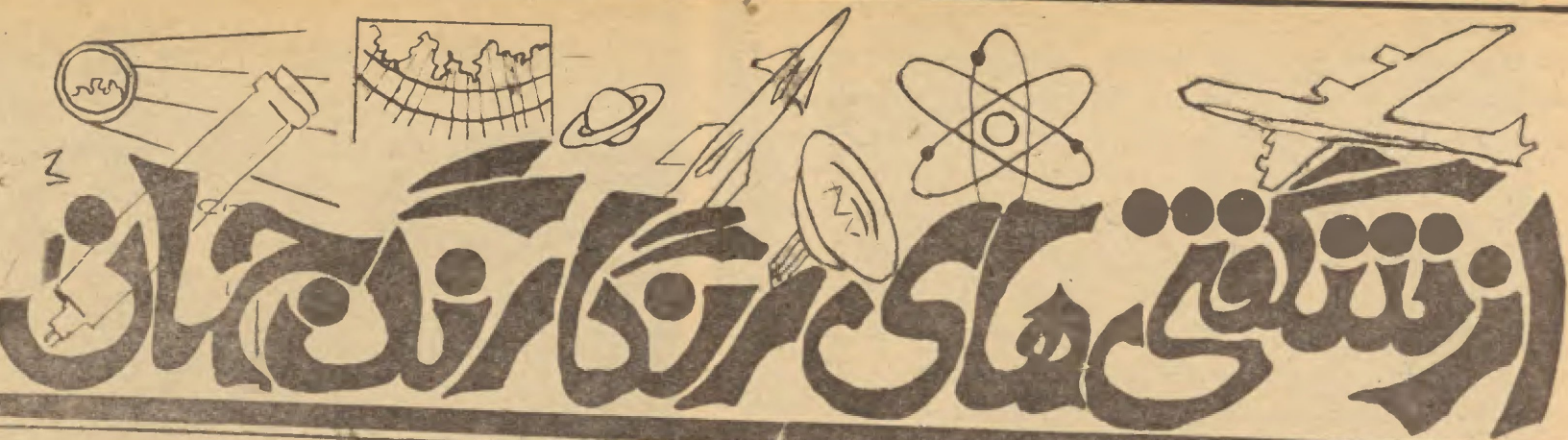
تابلوی پروسیا امپراتوری را به مردم فرانسه معرفی  
میکند

تاریخی بحیث ( نقاش کامیون  
پاریس ) شهرت یافته است .  
این همه زویای هنر داو میر  
اخیراً با دایر ساختن نمایشگاه  
هی از آثار او در موزیم ملی  
هنر های زیبا در ها و نا در دید  
از دوستان نا آگاه و غافل

تمثیل کننده انحرافات بود  
شیوه کارش اکتفا داشت به  
واقعی و برای زندگی نقاشی  
کلاسیک که جوهر و ذات اشیا  
انعکاس میداد ، نه صرف ظواهر  
آنها ، او ترسیم کننده واقعی  
های زندگی مردم و ده بداد ها







## گیاه در مان کنه طبی بجای چ

در بلغا ریا استعمال گیاهی طبی عمومییت دارد و به ار همین موضوع و درین اوا یک کو پرا تیف زرا عتی این در زمینه نموده است و آن زمین است که گیاهان طبعی عوض جای در جعبه های مخصوص جای داده شده و طبی این گیاهان و اینکه موارد از آن استفاده شده تواند با لای جعبه (خریطه مدکور و نو شته شده و دکان های با زار در معرض گذاشته شده است. در جعبه این گیاهان طبی، مسهل شکم درد، دوا ی التهاب گاستریت و سر ف، تش

عصبی، ریزش و زکام وجود دارد هنگامیکه کباده طبیعی ضرورت پیدا کند آنرا از با زار خریدار و مانند جای در آب جوی انداخته و استعمال می کنند این گیاهان طبی که دوا استعمال عام دارد یک کسه (خریطه) از بن

و بهره بر داری از تنبا کو یک تجارت پر مایه است. اینکه دود کردن تنبا کو چه وقت آغاز شد و کشیدن پیپ و سگرت و سیگار چه زمانی رایج گردید سوال جالبی نیست سوال عمده اینست که چرا امروز علی الرغم اخطارهای متعدد دوکتوران طب و متخصصان، مبنی بر اینکه سگرت دشمن خطرناک صحت و سلامت انسانها است، ملیونها انسان در سرتاسر جهان به دود کردن سگرت مشغول بوده و کشیدن سگرت یک امر عادی و سنتی برای انسانها گردیده و فابریکات بزرگ در سرتاسر جهان به تولید این دشمن سلامت انسانها مشغول اند و سگرت یکی از اقلام مهم تجارتی را در جهان ما تشکیل داده است؟ شگنی موضوع هم در همینجا است!!!

## د کردن تنبا کو چه وقت آغاز شد؟

تنبا کو را از امریکا آورده بود و بتدریج آنرا دود می کردند تا گهنا بوسیله همسرش فلکی شد و همسر او که می دید از دهان و بینی او دود بیرون می آید به تصور اینکه شیطان به جسم او نفوذ کرده و آتش برافروخته است برای راندن شیطان از بدن همسرش آنقدر او را با چوب زد که مرد مجروح و بی حال افتاد و وقتی پس از چند روز توانست لب به سخن بگشاید به همسرش که هنوز نگران و رور مجدد شیطان به جسم او بود اصل ماجرا را تعریف کرد.

امروزه کارخانه های بزرگ سیگار سازی در سراسر جهان برای معتادان سیگار، پیپ و انواع سیگار برنگ می سازند و گشت

بل از کشف قاره امریکا کان اروپا آسیا و افریقا دود کردن تنبا کو و سگرت عادت شدند و یابۀ عبارت دیگر اصلا نمی شناختند فقط بعد از امریکا توسط کریستف کولم بود که دود کردن تنبا کو قاره ها را پیچ گردید به این که سرخپوستان بومی به کشت و دود کردن این تنبا کو (عادت داشتند و یقیناً دود کردن تنبا کو بود. آنها بدیگر نقاط جهان کرده و به نژادهای دیگر رسانده شده است. سرستان برنگ تنبا کو ی خشک پیده و در پیپ های بلند دود دهند و این یک سرگرمی با عادت سنتی و قبیله ای میخته بود. مگر هیچکس نمی که آنها از چه زمانی به دود سگرت پرداختند و یا کشت را چگونه آموختند و لیس کشف کرسنتف کلمب پوستان که به این قاره به تدریج با این گیاه و طرز مال آن آشنا شدند و آنرا به و دیگر نقاط جهان بردند کنندگان اولیه تنبا کو

## بزرگترین آبخار جهان

پر قدرتی از بلندی سه هزار متر به ژرفای او قیانوساطلس می ریزد، حجم مجموع این جریان یکصد و پنجاه هزار کیلو متر مکعب میباش و طول آن از همه دریا

معروفترین آبخار جهان را که جریان کوپیکری از رشد آن جلوگیری میکند. دانشمندان استیموت تحقیقات ((قطب شمال و جنوب)) لینینگراد کشف کرده



## ترکیب مصنوعی خون

پا نژده سال قبل با  
فت های چشمگیر  
یکی هیچ تصور نمی رفت  
در با شد تر کیب  
بی را بوجود آورد که  
عملیه های مختلفه خون  
نرا اجرا نماید .  
بد بر آن بودند که خون  
مد ، متنوع و بفرنجی  
انتقال آ کسپین ،  
مغلق و پیچیده انتقال  
تنظیم آن و با الاخره  
قابل امراض مختلفه  
ماید و کار خیلی دشواری  
دکه ماده یی با تر کیب  
برای تعویض آن بوجود  
ندانن فیزیولوژی ،  
و کیمیا تو جهی به این  
وری ها نموده و به  
خود برای یافتن تر کیب  
تعویض خون ادا مه  
از مدت کوتاهی آنها  
رسانیدند که میتوان  
مایی را از تر کیب  
های کاملاً مصنوعی  
رو کاربوز ها )) بوجود

آورد که در مواقع عاجل و طیفه  
خون را اجرا نماید . با کشف این  
ترکیب در موارد ضایعات خون ،  
امراض خونی ، زهری شدن خون  
و غیره ازین تر کیب استفاده  
صورت می گیرد اکنون مخلوط  
فلور و کاربوها در کلیتیک مورد  
تجربه و استفاده بیشتر قرار  
گرفته است در پنجمین گرد هم  
آیی ((سمپوزیم)) بین المللی  
که اخیراً در شهر ماین آلمان  
قد زال دایر گردیده بود مثالهای  
زیادی از موارد استفاده این  
ترکیب عرض نداوی مر یضاً ن  
ارائه گردیده است .

فعلاً مسابقات بین لا برا توار  
های چا پانی ، امریکایی ، آلمانی  
وفرانسوی برای یافتن بهترین  
ترکیب مصنوعی که عاری از ضرر  
بوده و همه عملیه های خون را ایفا  
نموده بتواند در جریان است .

اینگونه رقابت های سالم  
در زمینه یافتن میتود های جدید  
نداوی اقدامات بشر دوستانه  
و نوینی محسوب میگردد .

## نسخه مرض عشق

- ۱- عناب لب های نازک ۲ دانه
- ۲- سیب رخسار ۲ دانه
- ۳- نر گسی چشم ۲ دانه
- ۴- انار سینه ۲ دانه
- ۵- مروارید دندان ۳۳ دانه
- ۶- خال سبز پیشانی ۱ دانه
- ۷- با درنگ زنج ۱ دانه
- ۸- صراحی گردن ۱ دانه
- ۹- انگشت های قلم مانند ۱۰ دانه
- ۱۰- موهای سیاه سنبلی ۲ دانه
- ۱۱- شربت دهن خورد قابلی ۲ مثقال
- ۱۲- عرض سینه ۳۲ سانتی
- ۱۳- بلند بینی ۲ سانتی
- ۱۴- کمر باریک ۲۸ سانتی
- ۱۵- قد رسا ۵۰- ۱ متر
- ثقلت و وزن وجود ۵۰ کیلو گرام
- ۱۷- نمک حیا باندازه که شوری و دوری پیدا نکند .
- ۱۸- کمان ابرو باندازه که عاشق جگر خون و دل پاره را خوش و

ممنون سازد .

این همه را با اونگ صبر گوید و از صافی الفت و محبت کشیده  
وفایی عشق مخلوط نموده ، در حالیکه از طرف طیب یونی و داد کثر  
دانا تشخیص مرض شده باشد ، که واقعا مریض بیچاره به مرض عشق  
مبتلا و گرفتار است ، هر صبح باندازه دوه دو قاشق ماست خوری  
به مریض داده شود اما داکتر معالج پر هیراز بقض و عداوت کینه و حسد  
کدورت و شکایت را دستور داده لازم است که جدا خود داری شود ، هر که  
بدستور فوق داکتر عمل شود امید است بزود ترین فرصت صحت یاب  
گردد زیرا نسخه مذکور تجربه شده است .

نبایسته میر (محسن) ننگرهار

## کاغذ چه وقت اختراع شد؟

## دل سخت تر از سنگ

وایلد قصه ذیل را نوشته  
پرسید :  
- اگر حالا گفتی کدام چشم من  
مصنوعی است ؟  
آن دوست زود جواب داد :  
- چشم راست .  
- تو میدانی چشمت را سمت من  
مصنوعی است . اگر کسی نداند  
نمیتواند بفهمد . برای امتحان حالا  
از کسیکه مرا نمیشناسد می  
پرسیم .  
گدایی کنار کوچه ایستاده بود ،  
باو نزد یک شدیم . دوست من یک  
گفتی کدام چشم من

ی داشتم که یک چشمش  
بود و چون این نقص  
او زود تمیز داده میشد  
و هکین بود و همیشه  
بی میکرد .  
پیش من آمد و گفت :  
مصنوعی را عوض کردم  
که دیگر تمیز دادن آن  
سخت .



المللی و مبارزه استوار ما بر ضد  
توطئه امپریالیستی در برابر مرد  
و در برابر سایر خلقهای جهان در  
صنعتی سیاسی و اقتصادی ز نان  
دهقان و کارگر و تلاش فراوان  
مبارزه بایسواد همه سنت ها  
و افتخار آ میز ساز مان را درین  
مید هد

سازمان دمو کراتیک ز نان  
باوجود مشکلات گوناگون لحظه  
اصولی و بر حق خود انحراف نکرده  
های خود را هرچه گسترده تر  
میان موسسات ز نان و طبقات  
زنان بخصوص کارگران دهقانان  
بسط و توسعه بخشید و مسیر  
بصورت اصولی تعقیب کرد .

سازمان ما از یکطرف مبارزه  
را جزء لاینفک از مبارزات آزاد  
خلق ما ارزیابی کرد و عقب مانده  
تسلط نظامهای وابسته به فیس  
امپریالیزم را عمده ترین مانع در  
های تمام ز حمتکشان کشور شد  
دیگر از بر خورد مسوولانه در  
بخصوص زنان ز حمتکش کشور  
و در میان این قشر عظیم از ط  
بلافاصله و عاجل واز مبارزه در  
این مطالبات هیچگونه دریغ نه  
طرح های ساز مان برای بر

حقوق و آزادی های سیاسی زن  
دستبرد زنان با مردان منعویت  
زنان و ایجاد تجهیزات لازم برای  
و کودک در میان ز نان کشور ما  
و پشتیبانی قرار گرفت و زمینه  
و تشکل آگاه ترین اقشار زنان  
و وطن مامساعد گردید .

اگر بغواهییم مثالی زنده از  
و جانبازی ز نان ذکر کنیم بدور  
دشوار بگیر و هشیارانه ز نان  
و دوران سیاه تسلط باند حفیظ  
این صفات را دارا است زنان  
و در پیشاپیش آ نان ساز مان  
کراتیک زنان افغانستان بااستفاد  
و شرایط متنوع مخفی ، علنی و  
آنها حماسه های فراموش نشد  
آفریدند . آ نان چه در زندان

بیرون از زندان لحظه ای میدان  
نگفتند بسان سربازانی دلاور  
با آغوش اسلحه دشمن  
آنان بیدار افغانستان را در حیت مبارزات



نیرومند و برافتخار باد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این سازمان ده صدیق همه زنان کشور .

## نگاهی مختصر به تار یخچه ساز مان دمو کراتیک زنان

کشور ما عم رشد قابل ملاحظه ای نمود و  
عموطنان ما در مسیر موج بسیج نیرو های  
مترقی و انقلابی کشور قرار گرفتند .  
این پروسه رشد شرایط عینی شکل نیرو  
های مترقی در سال (۱۳۴۴) منجر به ایجاد  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان گردید و به  
این ترتیب برای اولین بار در تاریخ نهضت  
رهانی بخش ز نان افغانستان فرصتی برای  
طرح حقوق و مطالبات دمو کراتیک زنان کشور  
و گسترش و تعمیق مبارزات شان فراهم آمد .  
سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان این  
سازمان مسوول پیشرو رزمنده در شرایطی  
علمبردار مبارزات دمو کراتیک ز نان کشور  
گردید که رسوم و عادات پوسیده و کهنه  
نیرو های محافظه کار فیس دالی و قبایلی و  
سلطنت مطلقه افغانستان عرصه را برای  
شرکت ز نان در مبارزات تنگ و تنگ تر  
می ساختند .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با تمام  
این دشمنان مکار و خیله گر پنجه نرم کرد ،  
زنان بیدار افغانستان را در حیت مبارزات

شهری ا مکانات کار و تحصیل را یافتند .  
این بهیچوجه به مفهوم آزادی زن نبود .  
تأجل از انقلاب نور ۱۳۵۷ هیچ قانون  
دموکراتیکی در جهت بهبود بخشیدن به وضع  
رفقار زنان کشور ما وجود نداشت درین  
دوران زنان کشور به نازلترین کار های  
ریسندگی ، نساجی ، کشمش پاک و سایر  
صنایع صنعتی کشور گماشته شدند و معاش  
به مراتب کمتر از مردان دریافت نمودند .  
عدم محدودی که از زنان که امکانات کار  
و تحصیل را یافتند بعد از تحصیل خانه  
نشین می شدند و بتدریج یک سیستم  
جدید تقسیم کار در کشور انکشاف کرد که  
به زنان فقط مقامات پائین دولتی ویا کار  
هایی را که از نگاه اجتماعی دارای چندان  
ارزشی نبود اختصاص می داد .

اگر چه رشد مبارزات سیاسی در کشور  
و بخصوص نقش قابل ملاحظه مبارزات ز نان  
و ایجاد شرایط عینی لازم حیات حاکمه سیاسی  
و اداریت تاقه این معنی را در جهت

در کشور ما زنان مالهای زنده موجودیت  
نظام های ماقبل فئودالی و مبتنی بر بردگی  
سستند کنده آهنگ رشد اقتصادی وعدم  
استفاده صحیح از منابع طبیعی و انسانی  
ایرات نامطلوب خود را بخصوص با لای  
ندگی و کار زنان کشور ما باقی گذاشته  
ست در کشور ما زن از ابتدائی ترین  
مقوق انسانی محروم بود اکثریت عظیم  
زنان کشور مادردهات در کارهای زراعت و مالدار  
نقش بزرگ و قابل ملاحظه را ایفا می کرد .  
در نواحی دور افتاده از زن حتی بجای حیوان  
وسایل کار برای شخم زدن و خرمن کوبیدن  
استفاده می گردید .

اما در بدل این کار هیچگونه مزدی دریافت  
می نمایند و صاحب کار فقط به تجدید نیروی  
کار این ز حمتکشان به زنده نگهداشتن و به  
شدید بهره گیری از کار و زندگی اش می  
پرداخت و بس .

زنان کوچی کشور ما از ابتدائی ترین  
سایل زندگی انسانی محروم بودند و در هنگام



شد به انجام رسیدن مرحله  
کراتیک را در کشور ما  
ترین و قاطع ترین راه برای  
مطالبات صنفی و سیاسی زنان  
بود و در طول حیات پرافتخار  
مبارزات مشترک با تمام نیرو  
کراتیک در راه پیروزی این  
فرو گذاشت نکرد. سازمان  
ن افغانستان انقلاب شکوهمند  
اساسی ترین قدم در راه  
بهای خلق ما واز آنجمله زنان  
ما استقبال نمود و بر ضد  
درین راه علیه تمام توطئه  
و نمایندگان امپریا لیزم در  
امین اعمال سیا در کشور ما  
ان پر داخت .

مرحله حساس تاریخ کشور  
به زنان بلا کشیده افغانستان  
یگانه راه خوشبختی و سعادت  
ن های والای انقلاب ثور است

سلاطین تور منجمه دشمنان  
ادی های دمو کراتیک ز نان  
سازمان دموکراتیک زنان  
دیگر با پشتیبانی قاطع  
مردم مابه دفاع از اندیشه  
منافع و مطالبات ز نان وطن  
کونی تمام تلاش خود را برای  
برضد این جانیان آدمکشان  
ن و مردان آزاده وطن ما انجام  
سازمان دموکراتیک ز نان  
ان میکند که بر آورده شدن  
رگترین مطالبات مردم ما فقط  
شد و تکامل انقلاب ثور و به  
مرحله انقلاب ملی و دموکراتیک  
ت و بس سازمان دموکراتیک  
ن در سطح بین المللی مبارزاتی  
یالیزم و جنگ همچنان ادامه  
یده !

امریکا د تلاش است که یکبار  
را به کانونی از جنگ و برادر  
نارذ ان را نمی شود انکار کرد  
وشه های ز مین این برا د ران  
که با سیاست های

پردازند به رژیمهای مرتجع و ظالمانه عرب  
به رژیم د کتاتوری پاکستان اسلحه و پول  
می فرستند و بر ضد ز نان، مردان، برادران  
و خواهران ما به جنگی اعلان نشده می -  
پردازند .

جبهه نیروهای صلح ، ترقی و رفاه

اجتماعی جبهه ماست مادران و خواهران  
ما برای دفاع از صلح بر ضد محافل جنگ  
طلب امپریالیستی به مبارزه شدید برخوانند  
خواست .  
سازمان دموکراتیک زنان افغانستان  
همچنان پیشقدم و پیشاهنگ مبارزات ز نان

## وزن را گرامی بداریم

گذر ، عاشق پیشه و وفا دار ، مادر کیخسرو  
وزن سیاش . صد ها و هزاران تن دیگر که  
در تاریخ فرهنگ ما ، چهره کشوده اند ،  
همه از شایستگی انسانی و وایلی مقام  
برخوردار بوده اند به دنبال آن د ر  
خراسان رابعه بلخی و مهستی گنجوی  
دوتن از شاعران نگاره گر که بادستان نفیس ،  
تارهای ظریفترین ترنم روح انسان یعنی شعر  
را به نوا در آورده اند و هستی خویش را  
در آن راه و قف کرده اند . رابعه نه تنها

زنان کشور ما در دراز نای پر از فراز و  
فرو ز مانه ها ، همدوش با مردان ، بانقش  
گامهای استوار و ماندگار در دل تاریخ ره  
سپرده اند . در دوران شگفتیهای تاریخی  
اسطوره های ما و به گواهی تاریخ ، کارنامه  
های سترگی از خود به یادگار نهاده اند .  
رزمجویان مرد افغن ، مادران پر عطف و  
وهمه زنان خیراندیش در امور اجتماعی ، همه  
وهمه و یژه گی اهمیت زن را در آن آوان  
به اثبات رسانده است . گنایون ، مادر  
اسفندیار روین تن از زمره ز نان آگاه

زنان حماسه سازماحتی در دوره اختناق خاندان نادری بدون ترس و هراس قهرمانانه میزمیدند و میتنگ های باشکوهی را سازمان  
میدادند .

آزاده کشور ما خواهد ماند .  
به امید آنکه هشتم مارچ رسال آینده در  
دامن دست آورد های قاطع و پر ارزش در  
دامن صلح و همبستگی تمام خلق ها و در  
دامن امنیت خاک و وطن خود بر گزار کنیم .  
سده ها و زمانه ها ، گوهر خاتون مادر بزرگوار  
مولانای بلخ مادر حسنک وزیر که به گواهی  
تاریخ بیهقی وقتی خبر به دار کشیده شدن  
پسرش را به او باز گفتند بی آنکه جزع و  
فریادی کند گفت :

« بزرگ مرداکه این پسرم بود : که  
پادشاهی چون محمود این جهان بدو داد و  
پادشاهی چون مسعود آن جهان ... و سخت  
به درد گریست ... » این سخن تا هم اکنون  
که بیشتر از هزار سال از آن سپری گشته  
است . باطنین عظیمی در دلهای سده ها  
بازتاب یافته است و به ما رسیده و می -  
بینیم که بیهقی این تصویر گر بزرگ تاریخ  
ما چه شکوهمندی از جگر آوری مادران ملت  
خراسان سخن میگوید ، یاد آن نان همواره  
گرامی باد .

در تاریخ معاصر کشور ، باز هم ز نان  
قهرمان و دانشمند زیادی را سراغ داریم



# هشتم مارچ روز بين المللی زنان

مناسبت پرافتخار را برای نخستین  
عنه مبارزه زنان افغانستان شام  
وبطور کلی بغاظر بهبود و  
تجلیل بعمل آورد . ساز مان دم  
زنان افغانستان از بدو تاسیس  
رهبری حزب دمو کراتیک خلق ۱۹۷۵

مبارزه خویش را در دو جهت  
از یکسو مبارزه بغاظر تأمین آزادی  
واقتصادی زنان و برابری حقوق  
سوی دیگر سهمگیری فعال در چ

بخش ملی کشور . زنان باشه  
که از بدو پیروزی انقلاب تاکنون  
تحقق آر مانهای انقلاب ثور فعال  
اند روز هشتم مارچ را تحت این  
زنان افغانستان از انقلاب وطن

فعالانه دفاع می نمایند تجلیل می  
مبارزات خویش ادامه میدهند .  
انقلاب فضای نوینی را بغاظر

مادران و کودکان در کشور ایجاد  
زنان افغانستان نیز از دست آور  
ثور فعالانه و بصورت انقلابی در  
درین راه افتخارات شپید شدن  
کرده اند . بایروزی انقلاب ثور

مرحله نوین تکاملی آن در کشور  
مبارزات انقلابی زنان در اسناد  
ودولت انعکاس یافت تساوی زن  
اعلام و اقدامات عملی نیز در  
شد . در ترکیب کمیته ملی جنبه  
پدروطن جمهوری دمو کراتیک

تن زن عضویت یافتند . ساز م  
زنان افغانستان بمنابه پیش آ  
کشور کار سیاسی تئوری و  
مبارزه بایسواد را به پیمانه  
میدهد که این کار ها وسایر

در مجموع به معنی دفاع فعالانه  
های انقلاب ثور است .  
مبتنی بر همین واقعیت ها  
باشهامت و مبارز افغانستان  
تحقق خواست های جنبش جهان

می دانند و این افتخار را کامیاب  
در آرمان بزرگ بشریت یعنی  
صلح وعلیه جنگ سهم فعال  
زنان مبارز افغانستان تازمانی  
خستگی نابذیر خویش ادامه مید

فدراسیون دمو کراتیک بین المللی زنان  
متشکل گردیده اند در قسمت ز یادای از  
کره زمین زنان به حقوق اساسی خویش دست  
یافته دو شادوش مردان و برای ایجاد جامعه  
نوین می رزمند .

در برخی دیگر از کشور های جهان زنان  
برای حقوق اساسی خویش و برای دمو -  
کراسی مبارزه می نمایند اشتراک وسیع زنان  
در جنبش عمومی جهانی بغاظر ترقی اجتماعی صلح  
ودموکراسی یکی از مشخصات عمده معاصر این  
جنبش را تشکیل داده نوید گویایی بر -  
پیروزی های بزرگ آ یته آن می باشد .

هشتم مارچ را در کشور انقلابی و پر  
افتخار خویش در شرایطی تجلیل می نماییم  
که مادران قهر مان و خواهران مبارز باشهامت  
ما بادیدن سنگر های دفاع از انقلاب که از  
خون فرزندان ، برادران و رفقای ایشان  
رنگین است علیه امپریالیزم جنگ طلب

ارتجاع استبداد وهرنوع حق تلفی با د لیری  
وشهامت مبارزه می نمایند و از هشتم مارچ  
بمنابه رسم مترقی همستگی انتر ناسیو -  
نالیستی زنان بمنظور تجدید تعهدات خویش  
در دفاع از دست آورده های انقلاب ثور  
تجلیل بعمل می آورند .

در روز هشت مارچ که ۷۲ سال قبل بعیت  
روز همستگی بین المللی زنان در د و مین  
کنفرانس زنان مترقی در گونپنها کن به پیشنهاد  
کلارازتکین تعیین گردید زنان ترقیخواه

سرتاسر جهان بغاظر حقوق برابر اجتماعی  
پیشرفت صلح استقلال ملی و دمو کراسی  
نتایج مبارزات خویش را جمع بندی نمودند .  
در عصر ما که زندگی انسانی در کره  
زمین به علت نیات کثیف دشمنان بشریت  
وجنگ طلبان به خطر رو بروست زنان یعنی

بزرگ زنان روسیه به تاریخ ۸ مارچ ۱۹۱۳  
بافریداد نابود باد جنگ می توان نام برد .  
روز هشتم مارچ « بانام زن مشهور مبارز  
سرسخت و انسان تشنه آزادی بشریت پیوند  
ناگسستگی دارد . » این زن کلارازتکین یکی  
از برجسته ترین رهبران جنبش کارگری آلمان

است وی معتقد بود که بدون فعالیت زنان  
که نیمی از بشریت را تشکیل میدهند نمی -  
توان جامعه خوشبخت را به وجود آورد .  
وی که بیش از چهار سال از بهترین روز  
های زندگی اش را به مبارزه در راه ایجاد  
جنبش بین المللی زنان به خاطر ترقی اجتماعی  
وصلح و قف نموده بود روز هشتم مارچ را

به منابه روز بین المللی زن پیشنهاد کرد .  
ولی نه فقط برای آنکه این روز دارای مراسم  
خاصی بوده و احیاناً جشنی گرفته شود و  
هدایایی رد و بدل گردد بلکه وی پیشنهاد  
نمود که درین روز زنان در سراسر جهان  
متحدانه بنشینند و بسجند که چه کرده اند  
چه موفقیت هایی را در مبارزات خود بدست  
آورده اند و مبارزات آینده شان را به اساس  
کدام معیار ها و نیاز ها و خواستها باید  
انجام دهند .

از آن زمان تاکنون که ۷۲ سال می گذرد  
جنبش دموکراتیک زنان ابعاد گسترده یی  
گرفته و بیک جنبش وسیع بین المللی مبدل  
گشته است . ساز مان های مترقی و دموکراتیک  
زنان در اکثر کشور ها ایجاد گردیده و در  
سطح جهانی این ساز مان ها در چوکات

روز هشتم مارچ مطابق به ۱۷ حوت روز  
ستگی بین المللی زنان جهان با برافراستن  
ش پیکار واتحاد بغاظر دمو کراسی و  
برای حقوق ، ترقی اجتماعی واستقلال ملی  
صلح ودوستی وسعادت کودکان در سراسر  
ی تجلیل میگردد .

برای اولین بار به تاریخ ۸ مارچ ۱۸۵۷  
شهر نیویارک هزاران زن کارگر بغاظر  
سب حقوق مساوی بامردان و بر علیه شرایط  
کار وزندگی به راه پیمایی پرداختند  
نیکه آنان به مرکز شهر رسیدند به عکس -  
مل شدید و غیر انسانی پولیس مواجهه

دیده و راه پیمایی مسالمت آمیز شان  
صورت وحشیانه سرکوب گردیده وعده  
اسیر شدند ولی درائر کار وپیکار زنان  
رومی مبارز نساجی شهر نیویارک موفق  
ایجاد اتحادیه زنان شده وبعدها به اتحادیه  
ی کارگری پیوستند .

آن تاریخ به بعد جهانیان شاهد مبارزات پر شور  
ان در امریکا کشور های اروپایی و سایر  
کشور ها بوده اند . که از جمله برجسته  
ین نمونه های آن می توان از بیانیه  
ستوارت میل در مجلس عوام انگلستان به  
مطرح حق رای دهی برای زنان از اشتراک

بجاعانه ده هزار زن قهر مان در حماسه  
مون پاریس از تظاهرات پرشکوه در شهر  
ریس بر علیه دستگیری روزالولزا مبورگ  
ن زن مبارز وشجاع آلمانی از راه پیمایی

## درمورد زن

- پاکي و عاطفه زن ، دوستي مرد را جلب می کند نه زیبایی او .

( شکسپیر )

قالی زن هر گناه مرد را می تواند بخشد و بجز يك گناه آن علاقه داشتن به زن



# مرگ تازندگی

## های وحشتناک زن مبارز

### فلسطینی



رسمیه ادی دختر مبارز وقهرمان فلسطین

ادی یکدختر مبارز و فلسطینی است. وی ر زندان صیهو نیزم تحت شرایط بسیار سخت بری نموده است. روزی بشرح زیر قصه میکند ن علاوه از اینکه خالی از چهره کثیف و ضد هیو نیزم را که از غ امیر یالیزم جنایتکار وودار است بخوبی آشکار

شب ۲۸ فبروری سال از خواب بیدار گردیدیم پدرم دروازه را باز کرد سرا نیل روبرو گردیدیم به جستجو در خانه ما آنها دست و پا وچشمان عوا هرم را بسته نموده ما را بزندان ماسکو بایا سلم میباشند انتقال

در باره دیگران معلومات رون من از اظهار معلومات ابا ورزیدیم بار دیگر شروع کردند پولیس و خواهر مرا آورده و متذکر گردید در باره جزئیات عملیات بود و اشخا صیکه درین من سپیم بودند و نام را که من بان در ارتباط بدارم در غیر آن بلتو ام ادامه داده و خانه مرا خواهند نمود. ولی من گه نه معلومات که بنفع

ادی یکدختر مبارز و فلسطینی است. وی ر زندان صیهو نیزم تحت شرایط بسیار سخت بری نموده است. روزی بشرح زیر قصه میکند ن علاوه از اینکه خالی از چهره کثیف و ضد هیو نیزم را که از غ امیر یالیزم جنایتکار وودار است بخوبی آشکار

بالای محبو سین در زندان شدید تر از مجازاتی بود که نازی ها در مقابل اسرای جنگ دوم جهانی انجام میدادند. در جریان تحقیقات پولیس دشمن کوشش می نمود تا محبو سین را در مقابل یکدیگر مشکوک و بدبین سازد بعضا میگفتند که فلان زندانی درباره تو برای ما معلومات مکمل ارایه نمود چرا تو در باره او چیزی نمیگویی، ولی ما از اعمال تفتین آمیز دشمن آگاهی کامل داشتیم و مطابق به آن عمل میکردیم و هیچگاه به دشمن فرصت نمیدادیم تا بنفع خود بهره برداری کند.

### اعتصاب غذا یی:

مقامات مسئول زندان برای ما اجازة نمیدادند تا هفته وار با فامیل خود ملاقات نمایم و اصرار داشتند که اینکار باید ماه یکمرتبه تکرار شود، و نیز کتابهای را که اقارب مان به مصرف خود برای مطالعه مامی آوردند اجازه نمیدادند در مقابل این همه فشار دشمن راه دیگری برای ما باقی نمانده بود جز اینکه به اعتصاب نخوردن غذا دست بزنیم و با یترتیب دشمن را مجبور قبولی خواسته های خود نماییم. در روز اول اعتصاب تمام خواسته های خود را که مشتمل بر حق داشتن کتب، رفتار درست و انسانی زندان بانان و شناسایی مباحث یک محبوس سیاسی بود، نمودیم. در هفته اول مسوولان زندان در مقابل ما بی تفاوت ماندند، بعد از آن چند نفر را نزد ما فرستادند و آنها از ما خواهش نمودند تا از شدت عمل دست بردار شده و از اعتصاب غذایی دست بکشیم و نیز تلاش زیاد می نمودند تا در بین ما بی اتفاقی ایجاد نمایند. ولی ما از اینکه کرکتر دشمن وحشی صفت را خوب می دانستیم حاضر به هیچگونه سازش نشدیم از طرف دیگر هر روز یک از اعتصاب ماسپری می شد وضع صحی رفقا خرابتر شده میرفت تا اینکه مقامات زندان مجبور گردیدند بوسیله نل

در آنجا یکمرد جوان را یافتیم ولی او را نشناختم آنها دروازه اطاق را بسر ما قفل و خود شان از آنجا خارج شدند و گفتند که حال تو مجبور خواهی شد تا به همه معلوما تی که ما به آن نیاز داریم اعتراف کنی، وقتی آنها اطاق را ترك نمودند من از آن جوان پرسیدم که شما کی هستید و چرا شما را به اینجا آورده اند؟ وقتی او بحرف زدن شروع نمود من جدا تکان خوردم زیرا او یعقوب ادمن نامزد من بود و علت اینکه من او را نشناختم این بود که این جانیان بی وجدان بحدی او را لت و کوب نموده بودند که هیچ شناخته نمی شد. او متهم به عملیات مسلحانه پارتیزانی بر ضد دشمن بود ولی علاوه ازینکه او نامزد من بود از عملیات کماندویی من هیچ اطلاع نداشت. در جریان تحقیقات پولیس گیلان آب را پیش روی من گذاشته و برایم گفت تا زمان که معلومات مورد نظر را در اختیار ما نگذاری اگر از گرسنگی بمیری برایت اجازه نمیدهیم که آب بنوشی. علاوه بر آن آنها برای مدت سه روز برایم اجازه نمیدادند که بکنار آب بروم وقتی که اجازه هم برایم میدادند آب را قطع میکردند زیرا آنها میدانستند که من مخصوصا در وقت عادت ما-



# زنان موزمبیق همپا و همسنگر برادران خود می رزمند

زنان موزمبیق همپا و همسنگر برادران برادران شوهران و فرزندان خویش به خاطر نیل به استقلال و تمامیت قضا و صلاح بر داشته با شرکت تمام سه آفرین خویش در جنگ های استقلال خواهی مثالهای فراوان بهرمانی و جان بازی را از خود بجای گذاشته اند.

با ایجاد گروه های منظم و مسلح در سال ۱۹۶۷ زنان کشور موزمبیق در جنگ رویا روی علیه اشغالگران اشتراک ورزیده و اسامی قهرمانانی چون ژنرال مریلا پشینو انا ترزه موی ما نیکاشو لیل از افتخارات جنبش رهایی بخشی مردم موزمبیق بشمار میرود.

ژنرال میشل در پای یک پیکار استوار اروپا قهرمانانه مرگ رابه خاطر زندگی زیبا پذیرفت و استقلال وطن خود را نتوانست ببیند روز مرگ او را مردم موزمبیق به مثابه روز زنان آن کشور بر گزار می کنند.

قانون اساسی مورخ ۱۹۷۵ که بزرگترین دست آورد انقلاب مردم موزمبیق است حقوق مساوی زنان را تضمین نموده برای زنان تسهیلات همه جانبه فراهم گردیده است به زنان در ایام حمل و زایمان دو ماه رخصتی با معاش داده می شود هنگام بار داری زنان به کارهای سنگین گماشته می شوند.

سازمان زنان موزمبیق در جنبش نموده ای مبارزه با بیسوادی که در سال ۱۹۷۸ آغاز گردید فعالانه اشتراک ورزیدند و همین اکنون در سرتا سر کشور ۱۰۰ مرکز سواد آموزی ایجاد نموده است که همکاراترین و پاکیزه ترین مراکز

مردم جمهوری دموکراتیک مالگاشی که یک سال قبل در نتیجه پیروزی انقلاب ملی دموکراتیک در آن کشور سمت گیری مترقی را برگزیده است با گامهای استوار و بلند به سوی فتح قله های شامخ پیروزی به پیشروی خویش ادامه میدهند.

تمام اتباع آن کشور صرف نظر از تعلیمات مذهبی جنسی و انسانی از حقوق مادی برخوردارند تنها بعد از پیروزی انقلاب شرکت همه جانبه زن در پیشبرد امور دولتی و اداری امکان پذیر شده است برای اولین بار در تاریخ کشور امور حکومت را زن بدست گرفته است علاوه بر صدراعظم یکی از اعضای مجلس عالی تدوین قانون اساسی نیز زن است پانزده زن دیگر اعضای کمیته انجمن های دولتی اند حمایه از اطفال یکی از مسایل محوری سیاست دولتی مالگاشی به حساب می رود.

سال ۱۹۸۰ برای خلق پیر و سال مشحون از حوادث و پیروزی های بوده است در نتیجه انتخابات سال ۱۹۸۰ و بوجود آمدن حکومت مترقی مشی جدید دولت تنظیم گردید که در روشنی آن خلق پیرو به حقوق و آزادی های وسیعی نایل آمدند.

زنان پیرو در پرتو تحولات جدید و امکانات تازه ایجاد شده سومین کنگره ملی خویش را تدویر نمودند که مرحله پراهمیتی را در تاریخ مبارزات اتحادیه توده های زنان

پیر و گشود و در برابر زنان پیر و وظیفه گذاشت تادریک سنگر واحد به خاطر تامین عدالت اجتماعی شگوفانی کشور و محو بیسوادی بسیج شوند. با ایجاد مکاتب کورس های مسلک مراکز

مشورتی طبی بوجود آمده است و در خدمت زنان اند.

آنگاه که ما از وضع زنان در کشور های نو به استقلال رسیده و پیروزی آنان سخن می پر دایم باید در نظر داشت که همه این دست آورد ها فقط نخستین گامها در راه حل مسئله زن است. مبارزات زن جیر شکن خلقها به خاطر طرد میراث شریم استعمار و تحکیم پایه های اقتصاد ملی آغاز گردیده و طوفا نزا ادامه دارد.

وضع زنان در بسیاری از کشور های وابسته و تحت استعمار ژرفای یک واقعیت تراژیدی آنان در بسیاری از کشور های آسیای افریقای و امریکای لاتین به دشواری های بزرگی روبرو اند از معان تسلط طولانی استعمار برای خلقهای اغلب این کشور ها فقر و مرض بیسوادی رنج و محرومیت بوده است امپریالیزم با توصل به شیوه های نو استعماری تلاش دارد تا آنان را

وابسته به انحصارات بزرگ حفظ کند. از مجموع دو میلیارد و ششصد میلیون باشند کشور های توسعه استقلال رسیده یک میلیارد آن دایما گرسنه اند. در آمد روزانه نهصد میلیون نفر در این مناطق کمتر از یک ثلث دالر است. در اکثریت مطلق کشور های آسیای افریقای و امریکای لاتین مسئله کار زنان هنوز لایتحل باقی مانده است.

زنان کوچی مزدور زنان کارگر و گداهای طفل به آغوش کشیده ای سر کوچه ها مو جودات سرگردان و در بدی و هستند که زندگی

وحشی نتوانست از میان به منابه مادران و هموطنان پدران و فرزندان خویش سیاه ترین و تنگ ترین آنگاهیکه یک مشت هوای تنفس وجود نداشت پرچم مبارزه را همواره بلند و در نگه داشته اند.

حزب دموکراتیک خلق حزب طبقه کارگر و همه کشور از همان لحظه تاسیس فعالیت خویش کار آموزشی و سازماندهی را در بین از وظایف مهم خود دانست مساله جلب زنان به جنبه دموکراتیک کشور توجه داد و اصولا برای نخستین بار کشور مساله زنان را به همه جانبه طرح نمود طوفا ببرک کارمل منشی عموم مرکزی حزب دموکراتیک نستان در بیانیه افتتاحیه سر تا سر زنان کشور (۲۸) نوامبر ۱۹۸۰ گفتند حزب در اولین مرامنامه ارگانیک جنبش زنان را رهایی بخش ملی و اجتماع نموده و بایگیری در راه اصل پیکار نموده است. ضرورت مبارزه به خاطر

از قید و بند ها و سنت ها که جامعه طبقاتی و به مناسبات فیودالی و ما قبل زنان کشور ایجاد نموده بود پیکار مشترک با جنبش دموکراتیک در کشور که دور روشنی برای زنان کشور رسیدن آنها به آزادی ها اجتماعی، سیاسی، اقتصادی فرهنگی محسوب میگردد سازمان مستقل را برای حکم می نمود. سازمانیکه پراکنده زنان را به استوار بهم پیوندده و آ



۱. بنیاد گذاشته شد طی حیات پر افتخار خویش هر پیوند ارگانیست جنبش دموکراتیک زنان ما یی بخش ملی بوده

ه سازمان ما مشحون از هرمانه اعضای این خاطر دفاع از منافع مردم ما و رهایی کامل زن از میت ها و ناپسا مانهای سالهای بعد از ۱۳۴۴ آگاه و مترقی افغانستان مایشی و تجربه سالیهای مکل دموکراتیک سالیهای سعه سازمانی بوده است از مان دموکراتیک زنان ن به ابتکار رهبر جنبش صیت بر جسته سیاسی رفیق دکتورس اناهیتا - در وجود یک محفل کوچک ۱۳۴۴ گام ارزنده و مفید - در راه رهایی نصف نفوس سا ساختن صدای آزادی طالبات ایشان برداشته

له بعد از تشکیل سازمان دوره دوازدهم پارلمان - که با وجود سلطه و تحریع سیاه و رژیم فیودالی قت . تعداد قابل ملاحظه متران آگاه در میتنگهای کانیدان حزب و ساز - وبا شوروشعف انقلابی مند و در رای دهی اشتراک در موفقیت کاندیدان حزب بحیث نماینده های شهر

کابل رول قابل ملاحظه را ایفا کردند و برای اولین بار نماینده سازمان دموکراتیک زنان در پارلمان بکچوکی بدست آورد و صدای نیرومند زن برای دفاع از حقوق و آزادیهای دموکراتیک در پارلمان کشور بلند شد.

در جریان مبارزات انتخاباتی و بعد از آن از طریق واحد های اساسی سازمان و فعالین آن حتی - الامکان با قشر های مختلف زنان تماس برقرار گردید همچنان به موازات آن سازمان در زمینه های دفاع از حقوق و آزادی های دمو - کراتیک زنان توضیح وضع رقبای زنان در کشور و نظامهای مختلف اجتماعی کشور های جهان ارایه راه ها و وسایل مبارزه نجا بخش زنان افغان و مسوولیت های جهانی آنان وظایف مقدماتی خود را ایفا کرد و در حدود امکان اقدام به فعالیت - سا زمانی آموزشی و تبلیغی نمود و واحد های سازمان را تحت عنوان انجمن تشکیل داد .

در جوزای سال ۱۳۴۵ به خاطر تجلیل نخستین سالگرد تاسیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اجتماع قابل ملاحظه از زنان و دختران روشنفکر اعم از معلمان کار - مندان و شاگردان تشکیل شد که روی اصول و موازین مرا می و ساز - مانیه رهبری و مشی سازمان بحث آزاد و تبادل نظر دموکراتیک صورت گرفت که در نتیجه آن تصامیم ثمر بخشی اتخاذ گردید .

رفت و حتی در میدان نبرد در جنگ های تن به تن حصه می گرفت در ماه اپریل ۱۹۷۵ جلاد معروف پول پوت کمپوچیا را اشغال نمود و اولین اقدام وی عبارت از برقرارساختن رژیم « نظامی مطلق » بود .

در اکثر نقاط کمپوچیا « کمون » های را که در واقعیت مراکز زجر و شکنجه بود ایجاد نمود و حداقلی از وسایل زندگی در آنجا دیده نمی شد و اشخاصیکه در کمون ها دست به مقاومت می زدند جابجا تیرباران می - گردیدند .

برادر بزرگ چخوک چخم نیز بر ضد رژیم پول پوت به مبارزه آغاز نمود و او را در مزرعه برنج و حشیانه با خالی نمودن یک شاه جور به قتل رسانیدند عساکر پول پوت دوخواهر چخوک را با خود بردند و از آن ها تاحال اطلاعی نیست ممکن آن ها نیز در راه آزادی شهید شده باشند و دو برادر دیگر وی نیز مفقود الاثر می باشند در کمون ها بدون در نظر گرفتن وضع صحی اشخاص کار های اجباری بلاوقفه ادامه داشت و افراد مسلح کنترل می نمودند تا کسی در اجرای اعمال شاقه سهل انگاری نه نمایند و والدین چخوک چخم همه این اعمال را تحمل نتوانسته و در کمون هلاک شدند و برادر کوچک چخوک که صرف هجده ساله بود در جنگ تن به تن شهید گردید . چخوک چخم فعال در بنون پن به تنهایی

زندگی می نماید . بعد از پیروزی وطن - پرستان و سرنگونی رژیم خون آشام پول پوت جبهه ملی نجات کمپوچیا تشکیل شد و در چوکات آن کمیته ملی زنان نجات کمپوچیا نیز تشکیل گردید و چخوک چخم بحیث رهبر این کمیته انتخاب گردید . کمپوچیا درسا - ختمان جامعه نوین تنها نبوده بلکه تمام جهان مترقی از آنها پشتیبانی می نمایند کمیته زنان نیز ازین پشتیبانی بی بهره نبوده و وظیفه سنگینی را بدوش دارد . چخوک چخم داکتر طب می باشد و بزرگترین آرزوی وی اعمار و ایجاد شفاخانه ها ، کودکانها و شیرخوارگاه و قرار - دادن آنها در راه خدمت به خلق رنج دیده کمپوچیا می باشد .

و طبرستان کمپوچیا که چخوک چخم یک مثال زنده آنها می باشد با روحیه عالی وطن پرستی شب و روز برای عمران وطن خود مبارزه خستگی ناپذیر خود را ادامه میدهند . باید با افتخار یادآوری نمود که چخوک چخم دوشیزه قهرمان خلق کمپوچیا به نمایندگی از سازمان زنان کمپوچیا قهرمان در کنفرانس سرتاسری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان اشتراک ورزیده بود .

ماخذ : محله سو تیسکا یا ژشنا شماره هشت سال ۱۹۷۹ .

## خطاب به زن

ای زن بیا که خوانیم مرو ز این ترانه  
مر عسعدت ماسرزد ز آشیانه

دیگر نه جای داری در کنج تنگ زندان

با مرد همنا شو بیرون بر از خانه  
ای زن نژاد آری می خوان کتاب اجداد  
آزاد بوده ای توازبا ستان زمانه  
ای زن گل قشنگی ، کانون نام و ننکی

از لطف و مهر بانای حقانو بی نشانه

## با چخوک چخم دختر مبارز

## کمپوچیا آشنا شوید



—شاعر تا جکستان شو روی

## انقلاب ثور

باد سرد از نوبکا بل میوزد  
در بهار نوزسوی نو بهار  
لاله میکا رند د رشت و دمن  
خلق افغان در بهارخو شگوار  
بی زوال است انقلاب با شکوه  
مثل هندو کش به مرز کوهسار  
انقلاب آورد آزادی به خلق  
در دل این سرزمین تا مدار  
در دفاع از انقلاب خویشتن  
هست پویامردم افغانند یار  
انقلاب گرم سرما دیده گان  
باد تا باشد روزگار



## بوی بهار

بهار میرسد بوی یارمیا  
نهال صبر و شکیم ببارمیا  
شفق دمید و مرا مژده و صال آورد  
که آفتاب دلم در کنار میا  
با سمان خیالش فرشته دل من  
قرار می رود و بقرار میا  
بیا بیا گل باغ بهار زندگیا  
که از خزان تو بوی بهار میاید

ز دیده و دل من اشک لاله افشان است  
سرود عشق از این آبشارمیا  
برگ رنگ دل من موج زندگیست روان  
امید رفته زد ستم و ببارمیا  
شفق بکلبه دل نو رماه میریزد  
بتار و پود و جودم شرارمیا  
دو باره دا من این دشت آتشین گردد  
شراره بدل لاله زار میا  
بکلبه دلم ای شمع جا و دانسی سو ز  
که حسرت بدل شامتار میاید

## سلسله عشق

تو بحر خروشان من موج طوفانت  
تو مهر زرافشا من ذره دمانت  
در کارگاه هستی در اوچ نیازونا  
تو ابر بهارانی من تشنه با رانت  
تو نوری و من تارم، تو روشن و من تارم  
تو صبح صفاها من شام غریبان  
در انجمن خوبان ای رشک سمن بویان  
تو ساغر خندانی من در غم هجرانت  
تو وارث لیلی من پیرو مجنونم  
تو شهره دورانی من شورش دو رانت  
در جلوگاه خویی ای عالم محبوبی  
تو آیینه جانی من عاشق حیرانت  
تو سلسله عشقی من سلسله جنبانت  
تو شعر و دل و جانی من شاعر چشمانت



شاه رضا ((مثنی زاده))

## نشه معجون

قلبی که ترا نشناخت، آشفته و پر خون  
افسرده ز دوران و پژمرده ز گردون  
چشمی که ندید حسنت، بینا نه بود بیشک  
ذهنی که نه یادت کرد، دلبسته افسون  
ما را به طمع هرگز، از جانتوان برد  
قانع به نکه از تو، از غیر تو بیرون  
گر کسی که نیا زارم، پندار که نکو کار  
از عالم مرد آزار، نادانی معجون  
اشکی که زدل ریزد، با اشک شب آمیز  
صد موج خطر خیزد، حتی که ز جیحون  
در عالم تنها به، در حالت شیدا



## چنگ

بر خیز و زاری کن دمی  
و بیقرا ری کن دمی  
با ن ابر های راهجوی  
شا عر شو ر یله خوی  
ی عشق پیچا ن در سحر  
ره و دریا بیر  
د شتهای سینه سوز  
را شمع هستی بر فروز  
له های بر فگیر  
با د نو بها را ن در صغیر  
دره های خوشنمو د  
چون بر فراز شعله دود  
ستهای خوشنمای  
ر مقدم دهقان بسای

\* \* \*

شعر از دل زار م بندر  
منوردم کن سفر  
پیوسته ، بی پروا و مست  
ی کوی د ختری ، عاشق پرست  
ای دلبر پناه آورده ام  
از اشک و آه آورده ام  
قوت جان بینوا  
رنج روانم را دوا  
کف گیر و بالا کن سرت  
از رخس با چا درت  
آنکش کرده آهنگ در ست  
ش کرده آهنگ از نخست  
ر کوره تا بش داده است  
ب آنکه شرا بش داده است  
آن محصول دهقانان ده  
ش نغمه شاعر گره  
آنکش د ختر دهقان زنند  
زیگر افغان زنند  
آنهمراز آهنگ شبان  
دار سوز اسرار نهان  
گش چو خوی آهوان  
و وحشیست پاک و بیز یا ن  
رینش بالب عتاب رنگ  
ارغ زبرد از فرنگ  
چون گل سرخ بهار  
رخنده اش رنگ وقار  
ش با سر انگشت چو سیم

همچو موج رود ها خمیا زه گر  
چون فغان مستمندان پر اثر  
چون نوای بال بلبل در بهار  
نا ز بخش غنچه امید وار  
اوج گیرد چون به سوی چشمه سار  
چشمه گیرد رنگ چشم اشکبار  
الرش چنگت چولرزموی چنگ  
مرغ دل در چنگ گیرد بی درنگ  
چون سر انگشتت بلرزد روی چنگ  
نال له در کهسار بر خیز دز سنک  
در نوا یش جمله پنهان راز ها  
راز ها در پرد ه های سازها  
چون صدای سبزه در نوسان باد  
دختر رمه چران زو گشته شاد  
یا صدای فال دهقان در زمین  
خوش به گوش مردمان خوشه چین  
گویش : ای ما هر نگار نغمه سار  
ای پری ، ای ناز نیکو ، ای دلنواز  
چنگ را سوی لبان خود بیر  
آشنا کن غنچه با گلبرگ تر  
چنگ زن ، ای چنگزن بیباک و مست  
تا که پاکوبان بیفشانیم دست  
روح ما با نغمه های گونه گون  
وارهان از ماجرای چند و چون  
چنگ همچون من بود رنج آن مون  
باشد ش افسانه های پرفسون !

دلو ۱۳۳۵ - شهر کابل



## شکایت

از ازل بر دل من عشق رقم گردیده  
تا پرستش کنمش یا ر صنم گردیده  
چقدر از نظر خلق نمایم پنهان  
حسن او در همه آفاق علم گردیده  
د عوی عقل و جنون را بقضای توان برد  
زانکه بر عقل و جنون عشق حکم گردیده  
یا ر میگفت بمن مهر فراواندارد



# بیان فرستاده‌های شما: شعر - قصه - مقاله - حکایت

نشته از : هما ((علی زوی))

صل پوهنخی حقوق وعلوم سیاسی

## چند سخنی در باب قصه از یک

### نویسنده جوان

مستان نویسی هنر است به غایت پیچیده  
... ل

ست اندر کارانی که تازه در کوره راه  
نویسی گام می‌نهند، غالباً به سرخورده‌گی  
نسبست های بر میخورند و گریبانگیر  
واندوه میشوند .

ریش داستان کوتاه به شکل سیستماتیک  
ر قدم اول از دست هیچ داستا نسرای  
سار واندیشه ور جوان پوره نیست ،  
ان باید به اساس گرایش واقعی پنهان و  
ت نگاشته شود ، به همه چیز از سطح  
ب به دید عینی نگریست و همه جنبه های  
واکش ها و تارات ، خشم ، اندوه ، حزن  
، هیجان ، احساس ، عشق در آن باز-  
دارد .

یست به همه چیز از دریچه ریالیزم نگریسته  
ح آن بر داشتی باشد عمیقاً از اجتماع .  
طالب داستان باید از عمق اجتماع تراوش  
به الهام از زمانه و بازتاب از طبیعت  
س عصر و اجتماع به رشته تحریر درآید .

یاده روی ، خیال پردازی های واهی و دوراز  
یت و مبالغه انگاری بیش از حد داستان  
سرد و بیروح میسازد و از قالب یک  
ان خوب ، بکر ، بدیع بیرون میکشد و  
نده را خسته و دلزده ساخته و وادارش  
ازد تا از تعقیب بعدی داستان خود داری

نیشن داستان و قصه ، سعی گردد ،  
ل همه جانبه به بررسی و پژوهش گرفته  
رای نویسنده تازه کار و مبتدی لازم است  
ز روشنگران عصر خویش یاری جسته  
نچینه های فکری قصه نویسان مایه گیرند

خواننده باید وجود قهرمانان را عیناً احساس  
نماید و خود را در قالب وی پندارد ، ضمناً  
نویسنده نگذارد تا ذهن مستعیش تحت  
تأثیر ضوابط اندیشه های عبقگرانه و شیوه  
های متداول تخریبگرانه غربی رفته و از تماس  
مستقیمش با آثار اندیشه وران و قلمزنان  
مترقی و اندیشه های بیشتر و عطرش دور ماند  
پرداخت و چگونگی نگارش داستان ناشی  
از قریحه هنری نگارنده جمعا محتوای و مضمون  
یک داستان خوب را میسازد ، از جمله عناصر  
یک قصه ، سوزنه یا مضمون است که باز  
تأییست از عینیت ، حقیقت ، و واقعیت که  
بایان هنری ارایه میگردد .

مقدمه قصه که شرحیست کوتاه و دلپذیر  
به طور غیر مستقیم و نا خود آگاه خواننده را به  
محتوی و مضمون داستان داخل میکند . نویسنده  
پرسوفاژ قصه اش را از میان مردم و اجتماعش  
انتخاب کرده و با دادن شیوه و خصلت عینی و  
واقعی به آن ، قصه را بافت اجتماعی میدهد  
که در پروسه گرما افکنی و هیجان و اوج متکامل  
قصه بارور میگردد .

نویسنده ما بدین طریق با خلق چنین  
آثار ارزنده و زیبا در گستره دانش زمان ما  
نمونه های بی مثالی از ادب کشور خواهند گردید .  
و تاریخ گهرن پرغنائی ادب کشور را از گنجینه  
های ادبی خویش پر غناتر و مکمل تر خواهند  
ساخت .

نویسنده باید ژرف نگر ، باریک بین ،  
واقعیت گرا ، موشکاف ، با مطالعه و دارای  
احساسات نیک باشد تا بتواند داستانی تحریر  
کند که از عمق احساسش و از وجدان پاک و  
رستگارش سر چشمه گیرد : نویسنده باید  
قضاوتی داشته باشد عادلانه ، تابعدالت  
نگاری اش اذهان عامه را به سوی خوبی ها  
و رستگاریها و اندیشه های پیشرو و مترقی  
گرایش دهد و برداشت اجتماعی اش را به صداقت  
و پاکدلی نگاریده و ذهنیت عامه را به سوی  
اثق تابان خوش بینی ، وحدت اجتماعی  
و مودت همبستگی سوق دهد . این نکات رسالت  
اجتماعی و عظیم یک نویسنده را مشخص  
میسازد .

ناگفته نباید گذاشت که نویسنده قصه لزوماً  
باید شناخت عینی از جامعه و عصر خویش  
بایستی دانسته باشد . و در تعیین کرکتر ها  
حداکثر دقت ، و تعمق را به کار برد تا  
داستان خصلت اجتماعی بخود بگیرد .

محمد نبی «صلا حی»

## تنکی هیله!

دغه سپرلی کی خو شحالی د هر زبون غواړم

نوی احساس، تازه ښکلا، زنګین ژوندون غواړم

وینې کړی له خو به ویره خلک ورته ورکړی پوهله

دغه سپرلی کی خو شحالی د هر زبون غواړم

## بهار

بهار آمد ...

فراراه دونه ګی ، جنبش و  
خلق بالنده ګی ها ... بهار دیگر  
انسان فرا رسید .

باموچی از سر سبزی و خرمی و  
بته ها ، زمین و درختان از ق  
سپید زمستانی را بدور انداخته و  
بهاری را باناز و کرشمه در بر میکش  
بستان ، دشت ، و دمن میکرد  
این کوههای قد بر افراشته و  
ولی کوهها ....

قهرمانان اسطوره‌یی بدون خدشه و  
از زمستان دارند .

درخت با نسیم بهار زنده می  
بارور شده غنچه ها زاده میگردد  
برگهای سبزینه ...

و بر گهای نوزاده ، از پرده  
بلرسته و بارنگ سبز در بید و  
مطهر و ملایم ، سر زده و آ  
و در نخستین دیدار ، جلایش  
پله‌ها میگردد ....

دشتها از سبزه ها و علفهای نو  
شده و دامنه ها از رنگ شقایق  
گون به رنگ شراب سرخ در  
و نسیم از گل‌های عطر افشان  
روح انگیز .

مشکبار شده و در پهنه دامن  
خرمن عطر هارا تا دور دستها  
و ادبها و مرغزار ها ، تا دامنه  
تاتپه ها ، بر فراز کوهساران ،  
و صخره ها ، آنطرف ساحل و رو  
آبشاران که از بالای کوهپایه  
سرکشورم کرده و لجام گسیخته  
وافر در روی زمین برای خود بسته  
پهن میکنند و میگسترند ، و در  
فصل نشانی از شادابی زمان  
... و بالاخره تا زلفای آسمان  
ودمه های سپیدگون و غلیظ عطر  
میسپارد ... و تا عمق روح و جسم انسان



## وصف جمال

گر خط و خال را بستایم چه می شود  
حسن و جمال را بستایم چه می شود  
زیب و جمال وصف کمال است و راستی  
گر من کمال را بستایم چه می شود  
خوبی مگر در آن قد موزون یار نیست  
آن نو نهال را بستایم چه می شود  
پاداش نیکویی نبود غیـر نیکویی  
گرایین مقال را بستایم چه می شود  
زا هد ز قهر حمله بیجا چه می کنی  
من وجد و حال را بستایم چه می شود  
بالا گرفته کار نوایم ز قـد یار  
روح خیال را بستایم چه می شود  
جمعی ستوده مالک و ارباب جاه را  
شوریده حال را بستایم چه می شود  
محبوب جمله صورت یار ست و دیدنش  
میمون خصال را بستایم چه می شود  
صاحب کمال ، مرد ملک چشم عالم است  
صاحب جمال را بستایم چه می شود  
در دشت بی کرا نه و گسترده جهان  
چشم غزال را بستایم چه می شود  
(هادی) نیاز مندم و پستی نمی کنم  
قطب جلال را بستایم چه می شود

## خیالوی خوب

چی را به یاد شـی ژـپـا را شـی  
سر به زنگون کرمه سودا را شـی  
دوب شم د فکر به خیالونو کی زه  
لاپ شم دمنی به خالونو کی زه  
وروسته به چیغو زره زمارا شـی  
چی را به یاد کرم ژپا را شـی  
نا ست بپرسر خیری گریوان یمه زه  
لکه مجنون سر به بیا بان یمه زه  
کله به خوانه می لیلی را شـی  
چی را به یاد شـی ژـپـا را شـی  
ستاد دیدن یمه ارما نی محبوبی  
به عشق کی سنا مستی محبوبی  
طالع بهوی که زما بیا را شـی  
چی را به یاد شـی ژـپـا را شـی  
که می خندا او که ژپا ده لیلی  
زما له تادا تمنا ده لیلی  
که یو خلی زما پر خوا را شـی  
چی را به یاد شـی ژـپـا را شـی  
بسیم

## پسر لی په پښتو لنډیو کی!

د پسر لني کیفیت او پښتنـي  
ژوند د تاثیر او جذبي نه ډکي څښتن  
لنډي په لاندی ډول وړاندی کیری  
پسر لی را غی کلان ډیر شـو  
داوړل کل به خپل جانان لره وروڼه  
په پسر لی غونډی ته څیړو  
داتن مینځ کی مو کلان کړ لی دینه  
سپرلی به ستاله کبره خواړ شـی  
په زرغونو جستو دی مات کړه ډیر گلونه  
خدایه سپرلی شو کلان گل شـو  
زما د زړه کلان سپرل و هلی دینه  
زما د زړه کلابه راشه  
پر تورو خلکو سپرلی پرما غږونه  
زه د سپرلی تر گل تازه وم

ډیره در نه او عالی برخه تشکیلوی  
نو د پښتني ژوند یوه ډیره په زړه  
پورې هنداره بلل کیری  
اوبه ډیره اوچته سوي په خپل دلکشه  
قوت په زړو نو اغیزی ښینلی  
دلته مو زهغه لنډی چی ددی زړور  
او با شپا مته او لس څینی غو ښتني  
او پسر لني ژوند انځوری، لیکو امید  
دی چی د نوی کال د سپر لی دیادښت  
په لک کی به د پښتو ادب مینا نو او  
دپسرلی مینه و لو ته په زړه پوری  
وی . خدای دی وکړی ، چی نوی  
کال او تازه پسر لی د گران هیواد  
او غیر تمن افغان اولس د نیکمر غی

نن سبا دیخ ژمی شپي او ورځي  
په ختمید و او د نوی کال د تازه  
سپرلی ورمی به را چلیدو دی. دهیواد  
دشتی او رغو نه گلو نه را سپری  
او د غرو نو په څوکوله سپینو واورو  
څخه اوبه څکی ، خپله تنده ما توی  
او د طبیعت د گل کاری نه وروسته  
دگلو په خوشبو یی د خلکو زړو نه  
او دما غو نه تازه کوی .

دپسرلی په راتگ سره د طبیعت  
په از ته او ښکلی لمنه کی، یوازی  
دگلو نو په خوشبو یی سمی او غرونه  
نه معطر کیری . بلکی د خلکو په  
زړو نو کی د نوی ژوند، خوا نی هیلی  
په د شپا غاړه شپا غاړه احساس سات

## اجتماعی

صبح دوقائق بهترین شربت  
د قائق فولادین امانت باکمال  
تأمین صحت وسلامت هموطنان  
مایید بعدا جامه راستین کار و  
کنید .

متین در خدمت گذاری به مردم  
وسر راست روانه دفتر شوید.

دو قرص تابلیت شکیب وبرد  
بهبود صحت خویش صرف  
کارهای محوله خویش را

و خلوص نیت آغاز نموده وبا  
تمام ساعات کار با جدیت

ه ودر اخر روز نتیجه کار های  
ه وجدان سپرده و بعد از تحلیل

نجز به فزیکي و کیمیاوی ، و  
بیولوژیکي آنرا یکایک سنجیده

عمومی و قضاوت هیات با -  
وجدان و حاصل نمودن اطمینان

بودن کار روزمره خود میتواند  
استراحت نماید .

ای ذیل به خاطر بهبود صحت  
نمایید از جمله از خیانت ،  
و غیره کار های منافی اخلاق  
واجتناب کنید .

درید صحت تان بکلی سالم  
مردم صرف نظر کنید فراموش

غ و تفرقه اندازی باعث افزایش  
نماید .

گذاشت که بدیر هیزی و تمایل  
شده مرض راسگینتر و عواقب  
پسازد .

راه دواخانه وجدان برده و  
هدایت بدون کرم کاست مصرف



## زنان کشور ما

طوری که وطن پرستان صدیق و روزمندگان تسلیم ناپذیر راه صلح ترقی و عدالت اجتماعی پامیردانه علیه تسلط امین و باند فاسدش رزمیدند اعضای مبارز این سازمان رزمنده نیز بسهم خویش در این راه جانبا زانه و قهرمانانه رزمیدند و در ایجاد تحول نوین یعنی پیروزی مر حله نوین و تکاملی انقلاب ثور سهم ارزنده و تاریخی گرفتند پس از پیروزی مر حله نوین انقلاب ورها-یش انقلاب مردم و وطن از ورطه بدبختی، سازمان دموکراتیک زنان افغانستان نیز جان تازه یافت و یک بار دیگر با بسیج و تشکیل زنان مبارز میهن پویای راه نجات کامل زنان و بخصوص زنان زحمتکش وطن از درد فقر - بیماری - پیسوادی - تبعیض - واستبداد شدند زعامت مرحله نوین و تکاملی انقلاب ثور به نیکی درک کرده است که رهائی زنان لز قید ستم با منافع توده های وسیع زحمت کشان و وطن مطابقت کامل دارد. مر حله جدید و تکاملی انقلاب ثور افق های وسیع راجعت از تقای نقش زنان در تحقق پلان های تکامل اجتماعی و سیاسی کشور گشوده است این دیگر به عهد زنان کشور ماست که از این شرایط دموکراتیک و مساعد استفاده های مثبت و همه جانبه نمایند. بهترین مظهر این شرایط مساعد همانا تا مین همه جانبه و عملی و قانونی تساوی حقوق زنان و مردان میباشد. چنانچه در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که حیثیت قانون اساسی موقت کشور را دارد نه تنها اصل برابری زنان به

توجه و ارزشمند در این مورد تدوین کنفرانس سر تا سری زنان افغانستان میباشد که در پرتو مر حله نوین انقلاب ثور بتاریخ ۷ قوس ۱۳۵۹ با جلال و شکوه خاص و با شرکت نمایندگان طبقات و اقشار مختلف زنان در کابل گشایش یافت بزرگ کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شوراى انقلاب بسی جمهوری دموکراتیک افغانستان با بیانیه پر شور علمی و انقلابی شان این کنفرانس را افتتاح فرمودند. هکذا بیانیه اساسی کنفرانس که خیلی همه جانبه، علمی تهیه شده بود توسط دکتر انا هیتا راتب زاده رئیس سازمان دموکراتیک زنان افغانستان و رئیس کمیته صلح و همبستگی و دوستی جمهوری دموکراتیک افغانستان قرائت شد، که روشنگر حیات زن در کشور ما و هکذا نمایانگر پلان های وسیع و همه جانبه حزب و دولت برای ارتقای سطح حیات زنان کشور و بسیج شان در راه حراست از دست آورد های انقلاب بود هکذا کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ضمن ارسال پیام عنوانی کنفرانس عمومی سر تا سری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان براهمیت این کنفرانس افزود نکته درخور توجه و با اهمیت دیگر در این کنفرانس همانا اشتراک نمایندگان چندین سازمان دموکراتیک و ملی کشور های مختلف من جمله شرکت (( و النتیانتر یشکوا )) ((اولین زن فضا نورد و مبارز پر-شور راه صلح )) میباشد.

پیروزی های چشم گیر حزب و دولت ملی و انقلابی شان در راه بهر-وزی و به زیستی مردمان سر بلند و آزاده کشور میباشد در پیام امسال کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بمناسبت ۸ مارچ گفته شده است که: از همین جا ست که امسال هشتم مارچ در کشور ما تحت شعار (زنان افغانستان از دست آورد های انقلاب ثور - منافع وطن و مردم خویش فعلا نه دفاع نمایند - بگذار میگردد).

همه مردم افغانستان اطمینان دارند که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این پیش قر اول و تنظیم کننده مبارزات قهرمانانه زنان این کشور - بشکل پیگیرانه و دلیرانه این خواست برحق حزب دموکراتیک خلق افغانستان را بیاری همه زنان میهن مادر عمل پیاپی خواهند کرد.

بقیه صفحه ۲۳

## آمرگ تا...

از دوستان خود کتاب اخذ بداریم و همه اقارب ما حق داشتند که هفته یکبار از ما دیدن نمایند. پیروزی ما در زندان بر ضد دشمن محصول وحدت همه جانبه رفقای مبارز ما بود که دشمن را باز آوردیم. ما با وجودیکه از سازمان های مختلف با ایدیا لوژی های مختلف در آنجا گرد آمده بودیم ولی در مقابل دشمن مشترک امپریا لیزم و صهیونیسم هیچ نوع اختلاف در بین ما موجود نبود.

یکروز برادر زاده ام که پنجساله بود در زندان نزد من آمد و من او را گفتم تا برایم آواز بخواند و او به خواندن آوازی که در باره فلسطین بود شروع کرد همین که پولیس زندان فهمید که او در باره فلسطین

ما یقین کامل داریم کشور ما این حقیقت را کرده اند که آنها نیمه جامعه اند و انقلاب ما و تائید و پشتیبانی به پیروزی نهایی بر سر مردم همانا مردان و نستاند امروز که مردم کشور ما با جنگ ارتجاع و امپریا لیزم روبرو و از جانب دگر اعمال دموکراسی یا لیزم جهانی صورت بخاطر انداخته است و مردم ما متجمله زنان در مرحله احساس تاریخی و جهان خطیر تر است ما یقین کامل داریم مشکلات فایق خواهند بود. خرخرنده مارچ - زنده باد زنان قهرمان افغانستان

به خاطر آزادی وطن خود اند.

در قسمت تعلیم و تربیت محیط زندان باید یاد آور دشمن جدا کوشش می اوقات تفریح و بیکاری به نفع انقلاب فلسطین بین المللی این حق را بود تا با استفاده از قانونی در تنویر رفقای ورزیم. در بین ما یک منور و تعلیم یافته و کسانی که از نعمت بودند وجود داشت که راه صنوف مختلف طب رفقای تعلیم یافته ما آنم ساینس، فلسفه، سپا، تدریس می نمودند. و زندان داشتند که این تنویر ذهن مجوسمین فو است تحریم این کلاسها نماینده صلیب سرخ اجازه نمیدادند تا کتاب



# مره فاریاب این پرورشگاه مردان

## بزرگی چون ظهیر فاریابی از نظر بزرگان

استادان حتی از رشیدی هم پیشرو  
تبارز میدهند بدیع الزمان فروزانفر  
می نویسد .

ظهیر از شاعران زبر دست قرن  
ششم است در قصیده سبک خاص  
ولطفی دارد و تغزلات او غزودلیزیر  
(است) هکذا ذبیح الله صفا چنین  
اظهار عقیده میکند (ظهیر شاعر و  
استاد سخن سرای بلیغ پایان سده  
شش از جمله بزرگان قصیده سرا-  
یان و غزل گویان است .

بهر حال شناسمان پیشین و امروز  
قدرت سخنوری و زیبایی کلام ظهیر  
را اراسته باتمام فنون ادبی دانسته  
باستاد دیش گواهی میدهند دوره  
حیات ادبی ظهیر را که از اواسط قرن  
پنجم منبع گرفته باوایل قرن هفتم  
منتهی میگردد روزگار در خشان  
شعر و ادب دری خوانده اند زیرا در  
آن مام و سال شعرا سیمای ادبیات  
را باجوهر زبان بسی صیقل داده  
بویره در خراسان ماورالنهر و سیستان  
سخن سازان لفظ و معنی را در  
روشنی تشویقات امرای وقت طراوت  
وجلال خاصی بخشیده اند تشبیهات  
دیگر اهل این دوره یکی هم ایجاد  
ترکیبات تازه آمیزش مرکبات عربی  
لغات ترکی است در زمره شعرای که  
این تحول را پدید آورده اند استاد  
ظهیر فاریابی نسبت بدیگران بیشتر  
مهارت نشان داده سبک ظهیر را  
محصول وضع روحی و شخصیت  
ادبی او پنداشته اند ولی بعضی

حلول سبک انوری را در شعر ظهیر  
نظر میدهند مگر استاد خسرو و  
یکباره دیگر از ادب شناسان گذشته

پریزادان خوش سیما خوانده است  
آذر بیک دلی در آتشکده ظهیر را بیک  
دو دمان علمی نسبت داده مینویسد  
(اوبه خلاوت گفتار و بلاغت اشعار  
نهایت امتیاز دارد) ظهیر الحق در  
سخن وری فرید عصر خود بوده و  
در قصائید ابیات رنگین دارد دولت  
شاه سمرقندی گفته است ظهیر  
بی نهایت فاضل و اهل و در شاعری بی  
ظفیر بوده است محمد عوفی در لباب الا-  
لباب مرقوم داشته (دیوان ظهیر مطبوع و  
مصنوع است) و شعر او لطیفی دارد  
که هیچ شعر ندارد) حمد الله مستوفی  
معتقد است که ظهیر (کلام شیرین و  
سخنان نازنین دارد) عارف روشن دل  
کشور مولانا عبدالرحمن جامی در  
بهارستان ظهیر را از مشاهیر و  
افاضل دوران شناخته دیوان آنرا  
از نگاه لطافت و روانی مطبوع و مصنوع  
خوانده است و غزلیات حافظ را در  
سلاست همدوش قصاید ظهیر میداند  
صاحب خزانه عامره گفته است (ظهیر  
فاریابی حکیمست قرین ابو نصر  
فاریابی و ریاضی و فلسفه را سرمایه  
شادابی) بنابرین صدرالحکمای شمس  
مینویسند .

احمد رازی در هفت اقلیم تذکر  
داده ظهیر فاضل شکرف سخن نیکو  
ضمیر شاعر شیرین کلام و خوش

جمال ادبی سر زمین فاریاب از قرن  
چهارم هجری زینت بخش اوراق  
تاریخ گردیده همین در بخشش  
تاریخی نشان میدهند که سر زمین  
فاریاب زادگاه بسی نوابح علمی و  
ادبی بوده که مایه ادبی کشور ما  
میباشند از جمله ابواسحق سعدی  
مولف معرفت الرجال از فرزندان  
دانشمند کشور است که در فاریاب  
متولد گردیده همچنان ابو عبید  
جوزجانی شاگرد ذهین ابو علی سینا  
صاحب دوازه اثر علمی و تحقیقی  
متوفی (۲۳۸) هجری ابو سعید  
تالقانی متولد (۳۵۷) هجری قاضی-  
القضات بلخ امام ابو یوسف بن  
عبیدالله اندخوی مفسر ینابیع العلوم  
(۵۶۳) هجری امام شمس الدین  
محمد بن مسعود اندخوی مولف  
زینت الزمان متوفی (۵۷۷) هجری  
ابوالقاسم عمام الدین محمد بن احمد-  
الفاریابی مولف خالصه الحقایق  
لمافیة من السالیب الدقایق (۶۰۷) و  
یک تعداد زیادی از عالمان و شاعران  
شهر که در فاش افتخارات را در  
ادب و معرفت برافراشته اند گرچه  
هریک از این دانشمندان در وقت و  
زمان خود باثر ابراز آثار علمی در  
زمره رجال سترگ علمی احراز مقام  
نموده اند بنا بر گرامی بودن موقف  
فضیلت شان مورخین و محققین  
عصر و زمان از آنها یاد کرده اند  
اما آوازه بی سخن وری استاد ظهیر  
فاریابی از زادگاهش تا سرزمین  
آذربایجان و اصفهان عراق کیشاپور  
درخشندگی یافته آهنگ روح بخش

ن قرن سوم در کتب  
(معجم البلدان) در  
تاریخی سر زمین فاریاب  
ب تحقیقی نوشته اند  
سحاق (اصطخری) متولد  
در المسالك و الممالك  
سر زمین شاداب تذکر  
ت از تالقان خورد تر و  
از شیرخان سه روزه

مکند .  
مولف صورت الارض  
م هجری از سر سبزی  
آب های جاری و هوای  
ن یاد نموده به رونق  
عت فاریاب اشاره میکند  
حدود العالم مولفه ای  
و شمسی مستفاد  
شهری بوده در مسیر  
روان که وفرت نعمات  
یان زد دلها خسته گان .  
ری ۶۲۶ هجری فاریاب  
مای زیبا نام زد کرده  
تا بلخ شش روزه راه  
ناصر قبا دیانی شاعر  
رن پنجم در سفر نامه-  
ب تذکر داده است .  
ستوفی (۷۲۰) در نز-  
فاریاب را در وفرت میوه  
ند بار تولد مستشرق  
موقعیت فاریاب را در



معرفی دو کتاب تازه :

دکتر نصر الدین شرفزاده و  
اسمعیل عبدالرحمن

## فرهنگ مختصر اصطلاحات

### تخنیکي روسی به دری



دکتر خالظر اورال زاده مؤلف  
فرهنگ مختصر اصطلاحات تخنیکي  
روسی به دری

«فرهنگ مختصر اصطلاحات تخنیکي روسی به دری» قاموسی است تالیف خالظر اورال زاده دانشمند زبان شناس معاصر که در ۱۹۲ صفحه به وسیله وزارت اطلاعات و کلتور به تازگی از چاپ برآمده است.

ذخایر لغات زبان دری مثل دیگر زبان ها محصول يك سلسله دوره ها بوده ، در برابر انکشاف زندگی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی با پیشرفت علم و تخنیک و کلتور و ادبیات مردم ، ترقی نموده ، وغنی میگردد.

در نتیجه اصطلاحات جدید علمی و تخنیکي وهم اجتماعی و سیاسی را بوجود می آورد .

پژوهش قرار گیرد و این وظیفه زبان شناسان میباشد .

همکاریهای اقتصادی و تخنیکي و روابط علمی و فرهنگی بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و اتحاد شوروی تاریخ بیش از شصت ساله دارد ، انکشاف همکاری همه جانبه بین دو کشور ضرورت تالیف و تدوین فرهنگ های گوناگون اصطلاحات مسلکی را به میان می آورد که برای استفاده پر سونل صنایع مختلف و ساختمان و جهت تحقیقات علمی و ترجمه آثار مساعدت خواهد کرد. تا به حال درج.د. افغانستان و اتحاد شوروی يك تعداد فرهنگ های مسلکی روسی به دری و دری به روسی ترتیب و تدوین گردیده است. که از آنجمله است :

مسوده بی فرهنگ تخنیکي وزارت معارف ، کابل ، افغانستان سال ۱۳۴۹ فرهنگ اصطلاحات نوین ، کابل ، افغانستان ، سال ۱۳۵۸ (مؤلف محترم تالقانی)

فرهنگ مختصر اصطلاحات جیو لوژیکی روسی به دری ، کابل ، ۱۹۷۸ .

لغات مختصر اصطلاحات اقتصادی و تخنیکي دری به روسی ، دوشنبه ، ۱۹۷۹ و غیره

طبیعتاً لغات اصطلاحات مسلکی و ساحوی در هر زبان نسبت به ساحات دیگر بیشتر انکشاف مییابد ، این پرو سه از يك طرف به ارتباط ذخایر خود زبانی دری و از طرف دیگر توسط اقتباس کلمات از سایر

گران و کارمندان امور صنایع و ساختمان اهمیت فراوان دارد .

این فرهنگ از طرف دکتر اورال زاده تالیف گردیده و انتخاب معادل های دری لغات و تصحیح آن توسط پوهاند نگهت سعیدی و دکتر ناریمان عبدالله یوف که هر دوازده زبان شناسان ورزیده دری می باشند صورت گرفته است . در فرهنگ فوق الذکر قبل از پیشگفتار به زبان روسی و دری (فشرده) مضمون و هدف مختصر آن تذکار داده شده است .

در پیشگفتار کتاب در باره منابع مآخذ که برای تدوین فرهنگ استفاده شده نیز تذکراتی به عمل آمده است .

مؤلف در مقدمه کتاب پیرامون تاریخچه تدوین فرهنگش نیز نکاتی چند به بیان آورده است .

بر اساس گفتار مؤلف برای ترتیب معیار معین زبان ادبی و محاوروی دری و شیوه کار برد دقیق ترجمه و برای ترتیب فرهنگ های دو لسانی سیاحت گوناگون صنایع مشکلات زیادی را به میان میآورد. در غیر آن وضعیت اصطلاحات ساحوی رشته های مختلف تکنولوژی و ساینس و مخصوصاً اصطلاحات تخنیکي زبان دری آموختن دقیق را نیاز دارد .

بعد از پیشگفتار طرز استفاده از فرهنگ برای خوانندگان تشریح گردیده است. بمنظور تسهیلات حین مطالعه خواننده الفبای روسی با معادل

مؤلف در ترتیب (فرهنگ تخنیکي) طرز نوشتن واژه ها نداشته از سبک عامیانه استفاده نمود در انتخاب واژه ها تخنیکي که از وظایف کوشش کرده است شنا سان به شمار می را از مواد زبان گفتاری البته لغات (فرهنگ)

دری بیشتر معمول بود عات جمهوری دموستان نیز مورد استفاده در آخر فرهنگ بخش (راهنما) که هم دری و روسی میباشد است .

چاپ (فرهنگ مختصر اصطلاحات تخنیکي روسی به دری) وجود آوردن دری و کار برد مسلک ز مینه تعیین هماهنگی برای کلمات فنی مورد و کارمندان رشته ها می شود باید تذکر در مختصر اصطلاحات به دری) برای خوانندگان شاگردان مکاتب مسلک زبان روسی ، محصلین کارمندان ، انجیران کارگران رشته های نظر گرفته شده است .

از :  
خروج نا  
گوش ، گلو

گلو و بینی عنوان کتاب است تالیف دکتر وولانتین رو مانو و یچ اخیراً به وسیله دیپان گلو و بینی اکادمی



د هم تا بیست و سوم سال جا زی بحیث و امنیت در بحر هنداز را ی صلح جها نی ید . این اقدام شو رای قدم مهم و سود مندی راه استقرار صلح بخصوص درحو زة خلیج ، که نسبت قوای جنگ طلب س امیر یا لیزم ایا لات یکا به منطقه داغ و پر بدیل گردیده

ارس ، بحیرة سرخ و راه مهم و پر ازدحام است و همه کشورها کشورهای سرما یه ن راه جهت حمل و نقل مخصوص کشتی های ت حدا عظم استفاد ه و در بدو امر پرا من راه به نفع اقتصاد ی چنان به نفع استحکام نی است و لی بیادیا ۱۹۸۱ را که به ی و چارمین و سی - اجلا سیة مجمع عمو می مل متحد با یستی کنفرانس بو مرکز سر یلانکا به موا فقت نامه جهت بحر هند به منطقه صلح بود ، ایا لات متحده در

ل با تشکیل این کنفرانس ورزید و دنیا له روان یگر اعضا ی پیمان ناتو امریکارا صمیمانه همراهی کنفرانس نه تنها به نر سید بلکه این موضع ی و ضد صلح ایا لات لاه از آنکه موجب مردمان با شنیده بحر هند گردید ، انزجار فلی مترقی و اجتماعی انکیخت مردم ومحافل و مترقی حوزه بحر هند نداشتند و حق دارند ازین حار خود بشر را ازین

شود . در چهل و سه کشور سا حلی و جزیره ای و قاره ای این منطقه در حدود یک ثلث نفوس جهان حیات بسر می برند . پنج آبنا و راههای متعدد و مهم بحری از تباط بین خاور دور و استرالیا ، ازوپا و شرق نزدیک و افریقا را تأمین کرده است . لذا این منطقه یک منطقه پر جمعیت ، از لحاظ سوق الجیشی مهم و از نظر منابع زیر زمینی خیلی غنی میا شد و ذخائر طبیعی آن کم نظیر است زیرا در اعماق آن تقریباً ۶۰ فیصد ذخائر کشف شده نفت و یورانیوم جهان سرما یه داری و نصف ذخائر طلا نهفته است .

حالا ببینیم که آیا کشور های ایا لات متحده ، جاپان ، کانادا ،

اندا زی می کنند حالا باید علت ریشه ای این موضوع جستجو شود .

گر چه ظاهر ایا لات متحده و متحدین ناتو و دیگر دنیا له روان آن از تأمین امنیت راههای بحری برای حمل و نقل نفت و دیگر مواد خام دم می زنند ، ولی حال گذشته و یقیناً حالا نیز بر خلاف اقدامات نافع که درین جهت صورت می گیرد موضع گیری می کند . ازینجا ست که واقعیت ها برملا می شود . امیر یا لیزم تنها و تنها امنیت خود و تأمین منافع خود را می خواهد و این از سرشت خود خواهانه اش ناشی می شود هر زمانیکه بلندگو های امیر یا لیستی از امنیت در بحر هند

تبع و نگارش محشور

# بحر هند باید منطقه صلح باشد

حرف می زنند منظور آنها دست باز گذاشتن شان در چور و چپاول ثروت ها و منابع طبیعی منطقه است . امنیت بزعم امپریا لیزم هما نا غارت ثروت های کشور ها و سرکوب همه نهضت های آزادی بخش ملی و سرکوب مبارزات مردمان در راه آزادی ملی و اجتماعی است .

امروزه ایا لات متحده آمریکا در منطقه بحر هند و خلیج بزرگترین پایگاه های نظامی را در اختیار دارد و به عجله مصروف ایجاد بحریه پنجم مرکب از چهل

ممالک از وپای غربی و دیگر کشور های سرما یه داری که بخش اعظم نفت استخراجی و دیگر مواد خام بدست آمده در کشور های این منطقه را به مصرف می رسانند و اکثر این مواد را از راه های آبی این منطقه حمل و نقل می کنند به امنیت و تأمین صلح درین راهها علاقه مند هستند؟ در بدو امر باید چنین باشد زیرا اگر امنیت این راههای مهم سوق الجیشی مختل شود مواد مذکور به کشورهای فوق الذکر رسیده نمی تواند ولی

ساخته است . طیاره های ثقیل بمب امکان بی ۵۲ بطور مداوم از پایگاه های مستقر در استرالیا و ((گوا ما)) بر فراز بحر هند در پرواز است . هکذا از بهار امسال به اینطرف یک ما هواره انکشافی پیوسته بحر هند را زیر نظر دارد .

ایا لات متحده امریکان متحدین و شرکایش در یمن موضع گیری ها و فعالیت همراهی کرده و می کند فرانسه ، انگلستان و استرالیا هم در بحر هند حضور نظامی دارند . انگلستان یک تعداد کشتی های جنگی خویش را از شرق دور به بحر هند انتقال داده است و هکذا فرانسه و یک تعداد از کشورهای دیگر نیرو های حربی خود را در نقاط مختلف این منطقه مستقر ساخته است . در حالیکه محافل اجتماعی و سیاسی جهان خواهان قطع فعالیت های نظامی در منطقه میا شد ولی ایا لات متحده و متحدین هم پیمان آن برخلاف این خواست مردمان صلح دوست جهان فعالیت های نظامی خویش را تشدید می کند . نیرو های تجاوز و جنگ با انجام ایمن فعالیت ها علاوه از تشدید تشنجه سعی دارد تا آزادی کشور های منطقه را مورد تهدید قرار دهد ، قیومیت خویش را بر دولت های منطقه تحمیل و آنها را به مسابقات تسلیحاتی بکشاند قرار آمار رسمی و قابل اعتبار تنها ممالک شرق نزدیک ۴۸ فیصد تمام اسلحه وارداتی جهان را خریداری می کنند .

هکذا کمک های نظامی تازه ای که ایا لات متحده به پاکستان نموده و می نماید و هکذا تبدیل نمودن پاکستان به ژاندارم تاندان مسلح منطقه بجا ی ایران نیز از جمله پلان های تحریک آمیز و تشنجه زا درین منطقه می باشد از آنچه گفته شد فوراً این نتیجه بدست می آید که امریک



# نوسفران قلمرو شعر و قصه

ارسلای اتحادیه نویسندگان

## رویا...

محمد موسی فرکیش

شستند راه آنها همیشه و هر زمان چنین تا راست .

در اشتباه بودند در غفلت و ظلمت . در تیرگیهای نارسا-  
نیها ، نادانیها و خرافات راه گم کرده بودند . پی گمشده می گشتند و خود میدانستند این گمشده برون از تیرگیهاست و بیرون از خرافات و لجه این تیرگیها بر بد نشان رخنه کرده بود چو جدا ، با آنها در آمیخته بود . آنها را ذره ذره می خورد ، می پوشید و محو می کرد . آنها ازین درد بی خبر در تاریکی ها می زیستند و چو قطره باران در بحر ظلمت غرق شده بودند و سینه ، به سینه صخره های مرگ میزدند . و جز علم چه چیزی میتوانست آنها را از قلمرو سیاه جهل بیرون کشد و آنها را از آن درد که آنها را می خورد نجات دهد ، آندرد یک همه گله را در شباب می پڑمراند ...

و چنین بود که جوان خوشنیت را چو برگ خشکیده در دست صرصر روزگار میدید .

می پنداشت چه زود این صرصر تیز تگ و پرا بمثل برکاهی به ((آخرین خط)) رسانیده ...

فریاد شیطانی ، یک فریاد بسان راه نجات در درونش

برگهای خشکیده پائیز زمین را رنگ زده بود . در ختان سر تا پایان بود و شاخه های سیاه و نازک آنها با نوای باد پائیزی زمزمه میکرد ...

جوانی از بین درختان برهنه راه باز کرد چشمانش بزمین بود : به برگهای زرد رنگ خزان که باد آنها را خش خش کنان پیش میبرد و با طراف میپراگند ... جوان اندیشناک گام بر برگهای خزانی میزد ، به پیرامون توجه نداشت با خود سخن می گفت :

اما چون این برگهای خشکیده استیم که باد ظالمانه روزگار ما را به سیر خود میبرد ... جوانا ترا بسان دست باد که این برگها را از درخت آرزوها میپاشد ، از جاییکه با میداو پرورش یافته بر می چینه بزمینش میافکند او را پز مرد میسازد و نا بودش میکند ...

جوانی ایستاد . نگاهش شکسته اش بگوشه ها سرکشید و او دست پد رختی نهاد و بسا افسردگی گفت :

مرا هم از درخت آرزوها جدا کردند ...

از صدایش یاس میبارید همه اش در د بود ، رنج بود . حکایت

لها یش را میگسترد و جوان بیاد گذشته نه چندان دور می افتاد :

در پای همین درخت با او ، بار و یا آشنا شدم .. درخت آنزمان برگ داشت ، شور داشت زیباترین داشت . وما هم چون این درخت غافل بیاد پائیز زندگی نبودیم .. همه چیز برای ما زیبا بود ، همه چیز ، سینه صبح ، آفتاب داغ نیروز ، عصر و غروب و حتی تاریکی شب برای ما نمونه زیباترین ها بود . برای ما باز بانویی بی زبانش سخن میگفت ما محو طبیعت بودیم و محو عشق ما .. آ ، که چه روزهای خوشی بود آنروزها ...

جوان چرخ بدو ر ش زد . یاد ایام مرده در او زنده شده بودند . احاطه اش کرده بودند ، همه جا او را میدید ، رویایش را .. پای هر درختی ، کناری هر سنگی خود را با او می دید صدایش را از لای لای شاخساری می شنید میپنداشت همه جا حتی برگهای خشکیده و پز مرد خا طره از آندو در سینه دارند مرغکان با زمزمه خود صحبت از آندو میکنند و صبا سخن عشق آنها را بگوش ها میرساند .. ولی حالا جوان تنها بود غمین و افسرده .. برگهای خشک گام بر میداشت برگهای زیر پایش صدا می کرد و از هم میپاشید .. جوان زیر لب گفت :  
- او گفته بود امروز عصر میاید ..

و بد نش لرزید و ندامت چو سیلابی عصیانگر او را درهم گرفت آهسته نا لید :

- چرا او را گفتم بیاید .. او دیگر از من نیست .. او را ، رو یایم را از من گرفتند ..

سخت نادم بود فکر میکرد که چون غریقی امواج غریوندانه است و چنین غریقی بهر خسی هم دست میبرد تا شاید راهی نجاتی یابد ولی او میدانست دستش از همه جا کو تاه شده .

بود تا دست نوازش بسرغم را ، آندو را از قلمرو براند و آن فریاد نعر خا مو ش کند آن نعر را که میگفت :  
- انتحار ...

جوان با طرافش نگرخیلی تنها بود .. در گهر زمانیکه با انتظار (( ایستاد یکجها ن خوشی قلبش از شادی میخواست سینه بیرون برد و به هاو به دیار بگر ... اما قلبش از غم فشرده شده و او ایستاده بود .. میدانست که (( او )) رویای ساقش نیست دیگری سپرده اند . بیاد چند روز قبل :

دو سه روزی شده بود رانندیدم بود آشفته و مینمود .. پپای درخت بود ، بدشت سر زده بود را پائیده بود وای ... گم شده بود . جرئت اینکه از دیگر دختر بیگانه ای را بگیر از رسوائی واز بیخردی دهکده اش میترسید ، نیکه در تاریکی ها می ر و جز راهی تاریک نمیدانم با لاخره او را ، گرو یای را یافت ولی رو یای او را به جبر داده بودند . دختر را به خته بودند واین برای او ناک بود ، رنج آور بود فرسا ..

چنان رقیبی نبود رقا بت با رقیب زمیندار پد رش دهقان بی بصر که از بس کمر بزمین خ کمرش خمیده می نمود تو انسته بود یگانه فر بمکتب بفرستد و خر ه هنوز آن ایام پز تحصیل بیادش بود ، چ درد دهنده بود آنروزها



ای شان به دور  
 راگر هم گاهی یکی  
 ن میا فتید دیگران  
 گر فتند او را بلند  
 خطه بعد لبخند بر لبان  
 خورد و میشتگفت ..  
 دهقان بود . لباسش  
 رفته بسراپایش  
 بود و پسر دهقان  
 راه نداشت .. روز  
 هم همانسان بود  
 سرشك ..  
 ورد روز پیرا که در  
 تش در صنف درسی  
 ی که سر و وضع  
 ت ، نشست . پسر  
 باری با و انداخت  
 ن خنجر بران بقلیش  
 هیکه مملو از تمسخر  
 و بعد با و گفت :  
 ری نیست دهاتی ؟  
 رای او دیگر در آن  
 از جایش بلند  
 نش رابست . اشك  
 چشما نش عجله داشت  
 نه محقرشان رسید  
 طوب بود ..

سته اش سرا و را بر  
 هر روزش همینطور  
 و د و غمین به خانه  
 مادر او را تسلی  
 رض سو زنده را هی  
 می بست و اشك از-  
 چر و کیده چهره  
 رد ...  
 آن روز بعد مکتب  
 یگر توان نیشخند ها  
 هر آلود را نداشت  
 پاك و پیر یایش  
 رت انباشته شد ،  
 یان ، آن آدمیان که  
 حبت پاك کرده بودند  
 مهر گاه لطیفش کو-  
 ند ..

ن پسر بجوان خشن  
 و مندی مبدل شده  
 با قلب آگنده از

از سالها عرقیزی و جانکندن  
 در زمین ار با ب کمرش دو تا شده  
 خمیده بود و قتی روز آخر نزد  
 ار با ب رفت تا حصه اش را ، مزد  
 کار و زحمت کشی اش را بگیرد  
 ار با ب با محصولی کمی برایش  
 داد بوی گفت :

د یگر بتو احتیاج نیست ..  
 دیگر بزمین های ما نیائی ..  
 و پیر مرد فرو افتاده تر از همیشه  
 برگشت چون او د یگر مرد پسر  
 نیروی نبود و ار باب بسا گرفت-  
 نیروی پر بهای جوانی او باومزدی  
 هم داده بود : پشت کمان و کمر  
 خمیده ..

و جوان حال چسان میتوانست  
 قلبی پاك از نفرت آدمیان داشته  
 باشد ..

و هرگز تصور نمی کرد دیوار  
 نفرت قلبش فرو ریزد ، دژ بولادین  
 این نفرت بر چیده شود و لی  
 این چنین شد ، رو یا آند خترك  
 ساده و سیه چشم و ستا بر قلبش  
 گل عشق نشاند و آنرا از محبت

و مهر سیراب کرد . جوان خشن  
 حال آنهمه ظلم ها و نارسا ئیها  
 را از یاد برد و بود همه چیز  
 برای او کشور شیرین زندگی  
 داشت و این ار مغان عشق او بود ..  
 و گاهی با دختر از نا بسا ما-  
 نیها سخن میراند :

آه که ما دهقانان و زحمت  
 کشان چه زندگی مصیبت  
 باری داریم ..

و دختر بالحن نواز شکرانه می  
 گفت :

ما می توانیم از این مصیبت  
 رهایی یا بیم بشرط آنکه  
 یکدست و متحد باشیم ..  
 و جوان دهقان در اندیشه  
 می شد :

راست می گوید اگر ما همه  
 دهقانان دست وحدت دهیم ..  
 آنوقت .. آنوقت زمین از خود  
 ما می شود صاحب خانه می  
 شویم دیگر این ار با ب نمی  
 ماند که خون مارا بمکد و مادر

پیری با پشت کمان بی (( همه  
 چیز )) نمی مانیم ...

بدینسان رو یا برای او خوشیها  
 را همراه آورد راه زندگی را با او موخت  
 زندگی را با و آموخت و را هی  
 فرار از تیر گیها را ...

اما حالا رو یا ی او را گرفته  
 بودند و همه آرزو ها ییش را به  
 خاک سائیده بودند ..

روز قبل را بیاد آورد که مادر  
 پیرش را به خانه پدر رو یا فر-  
 ستاده بود اما و قتی مادرش  
 برگشت .

برگشت چهره چر و کیده  
 او را اشك شسته بود و هنوز هم  
 میگریست :

پسرم از او بگذر .. پدرش  
 مرد طماعی است او را بمر د  
 پولداری داده بمن رحم نکردند  
 و مرا کشیدند .. از او بگذر  
 پسرم ..

اما او دیوانه وار فریاد  
 کشیده بود :  
 لطفا ورق بزیند





نه .. نمی توانم ..

و عصر آروز او را ، رویا رابا  
پسر کی دیده بود خیلی عجله  
داشت حرف با و گفته بود که:  
فردا غروب پای همان  
درخت ...

و جوان دهقان پنداشت  
صدای او را از قعر گوری می  
شنود ..

مرد جوان نکانی خورد چشما  
نش را که اندیشه ها به  
آورده بودند باز کرد و با تعجب  
با طرافش نگر بست .. همه جا  
سیاه بود و سیاهی شب  
دهکده را با خوش کشیده بود  
او پای درختی عریانی را نو  
زده و اطرافش را بر گهای  
خشکیده گرفته بود و صدای  
خشن آن برگ های پژمرده در  
گوشش می نشست .

جوان آهسته برخواست  
میدانست چقدر تنهاست ، تنها  
چون آن درخت عریان .  
در تاریکی ها نظر کرد  
و گفت :

او نیامد ..؟

سخنانش از بین دندانه های  
کلید شده اش در لای لای پرده  
شب خزید :

او دیگر نمی آید ...

و چنین می پنداشت که تیرگی  
ها با وهم چیره شده چون نعره  
شوم تیرگی ها هنوز او را  
میا رزد :

انتحار ...

فکر میکرد این کلمه از پرده  
شب از نوای شایخسار و از  
رزمه هر برگ بر میخزد :  
انتحار ..

و جان میگیرد بزرگ می شود  
و چون سیلابی سرا فکن برسد  
نش رخنه می کند ، جوان فریاد  
زد :

نه ..

و در تاریکی ها دوید . از بین  
اشجار راه باز کرد ، برگها را

موهای معراج او را بساد  
ببازی گرفته بود زانوش لرزید  
و آهسته ناله کرد :

رو یا ..؟

دختر بطرف او آمد و صدای  
دلپذیرش گوش مرد را نوازش  
کرد :

تو ... تو هنوز اینجاستی؟!  
لذت شوق پیکر جوان را بهم  
فهمرد و برای لحظه آن فریادها  
خاموش شدند . کلمات بزحمت  
از بین لبان رنگ پریده اش  
بیرون پرید :

با زهم اینجا آمدی رو یا ..؟  
دختر با هستگی گفت :

من اینجا را هیچگاه فراموش  
نمی کنم .. اینجا لانه عشقمان بود  
و کاشانه محبت و آرزوهایما ..  
بچه امیدها ئیکه اینجا میادیم  
و چه پیمانها ئیکه می بستیم  
ولی .. ولی باور کن من گناهی  
ندارم ..

مرا ببخش .. من فقط بخت  
اینکه از زبان تو بشنوم مرا  
خواهی بخشید زنده مانده ام و  
گر نه ..

من این زندگی را دیگر نمی  
خواهم ...

سرد دختر به سینه مرد جوان  
لعزید و اشک های داغ او سینه  
سرد مرد را شست و جوان بازهم  
آن غریو شوم را می شنید  
صداهای هر دوی آنانرا می طلبید .

مرد اندیشید :

هر دو از اینجا میرویم ..  
روح ما در آسمانها در فضای  
ملکوتی بالاها یکجا می شود و  
ما چو ابرهای بهاری به پرواز  
در میآئیم و آنجا در آرامش باهم  
میباشیم .. جاییکه کران تا کران  
نش مستی سکر آوری شادینها  
ست ..

و صدا در در و نش بییداد  
میکرد :

هر دو باهم .. یکجا بمیرید

دختر پائین خزید و به شانه او  
افتاد :

مانباید بمیریم ...

دختر بغض آلود با و نگر بست  
و گفت :

ولی من نمی توانم زندگی  
کنم ..

اشک های مرا رید گوزاو  
به دو طرف بینی اش خط کشید  
جوان کوشید جلوی گریه  
اشکش را بگیرد و بدختر نگاه  
کرد :

ما برای مبارزه با این سختی  
ها خلق شده ایم .. نباید باطل  
بر ما چیره شود باید زنده بود  
و پیکار کرد تا حق جا نشین باطل  
گردد هر زمان اینطور بوده ..

وقتی ما بخواهیم خودمان را بکشیم  
در حقیقت دو نفر ازین اجتماع را  
کشته ایم و قتل کرده ایم .. و ما قاتل  
خوایم بود ...

دختر اشکریزان به سینه  
جوان سر نهاد :

نه .. قاتل نی ..

مرد جوان سردختر را بالا  
کرد و به چشمان سیه و بیریا او  
خیره شد چشمانیکه همیشه بر  
قلبش آشوب می انداخت و حال  
می با بست با آن چشمان و داغ  
کرد ..

صدای خفه اش را از گلو  
بغض گرفته بیرون کرد :

و تو دختر که چون یک  
رویا در زندگی من درخشیدی  
اکنون برو .. برو و بگوشت با  
شوهرت زندگی خوشی داشته  
باشی ...

گریه غم آلود دختر با صدایش  
آمیخت :

آه خدای من .. نی ..

جوان مصمم بود بدختر زندگی  
بخشد :

حالمانمی توانیم باهم باشیم  
دختر ... دست سر نو شست  
مارا ازهم برید و اما تو میتوانی  
...

همه جا تار و کد ر  
زندگی ما .. خورش  
نور افشانی در زند  
ندارد چون زندگی  
شید زندگی ساز  
یکپاست .. تو فرد  
شد و مادر میتوا  
از تاریکی بکشد  
بخشد ، گرمی بخ  
این چنین خواهی تو  
از تیرگی ها واز آد  
انتقام گرفته ای  
روشنایی ها را نی  
مرد جوان دست  
زنده اش کشید و  
حال با من پیم  
پیمانیکه هیچ نیرو  
آنها بشکند ..

دختر خاموش بو  
و مینگریست بمر  
او را گرمی بخش  
میدانست ..

چو بسملی نالید  
چه پیمان ۹۰

مرد جوان جواب  
تو فر داد مادر

با این امید زنده  
با تاریکی ها بجنگ  
ندانم با این اجتماع  
حال پیمان ببند  
شجاع و آگاه با  
منش ..

بلی این فرزند  
باشند برای گر  
و برای پیر و زی  
ونا دانم ها ..

اشک دختر بر  
ولی من ...

مرد مریض حا  
برسختش دوید :

این پیمان را  
بخانه ات برگرد  
دختر چشمان  
غمیده اش را به  
تو .. تو از ن



ی هفته غیر نظامی  
هند و خلیج نیز از  
ملیتا ر یستی و تجاوز  
تتا گون ناشی می

تشکیل کنفرانس کو-  
ا بر گزار ی هفته بحر-  
تبدیل بحر هند با فضا و  
ن به منطقه صلح دائمی،  
با ختن تشدید و گسترش  
می درین منطقه، بر-  
یگا همها و تا سیسات  
محو ذخائر سلاحهای  
سایر سلاح امحای

ها مستقیماً با نقشه‌های  
یک نظامی و اقدامات  
ات متحده آمریکا در تضاد  
بر پایه و اساس تلاش  
شور را بر قراری سلطه  
های ساحلی و هم-  
هند و ذخائر عظیم طبیعی  
تکیل می دهد هم چنان  
کرات اتحاد شوروی  
پس از سال ۱۹۷۸ که  
نبه از طرف ایالات متحده

رفت با دلائل فوق  
نده می تواند. هکذا باید  
ایالات متحده برای  
ن اقدامات خطرناک خویش  
ی واقعی و غیر واقعی  
می کشد و با این شیوه  
از نفوذ و حضور نظامی  
تبلیغات و سیعی را برآه  
و می اندازد و بخصوص  
ای غیر متعهد و قس  
ه را تحت فشار دروغ

پراگنی های خویش قرار می  
دهد. این تبلیغات و کینه توزی  
یک علت دیگر هم دارد و آن اینکه  
کشورهای غیر متعهد و قس  
در منطقه ابتکار طرح غیر نظامی  
ساختن بحر هند و خلیج را بعهد  
داشتند.

اجلاسیه بوری هیأت رئیسه  
شو رای جهانی صلح که اوایل  
سال گذشته عیسوی در آنتا-  
نا ریو تشکیل جلسه نمود از طرف  
جنبش هوا داران صلح تمام قاره  
ها اعمال امیر یا لیزم امریکا در  
بحر هند بشکل قاطعانه محکوم  
گردید هر انسان عقلمند و بیغرض  
می بیند که بر خلاف دولتهای  
امپریالیستی که پیوسته تلاش  
می و رزند تا تفوق نظامی را در  
جهان بدست گیرند و برای رسیدن  
به این هدف واهی هر چه از دست

شان پوره است، می کنند.  
برعکس، اتحاد شوروی در منطقه  
بحر هند هیچ پایگاه نظامی  
ندارد و درین منطقه دست اندرکار  
تقویت نیروی ستراژیک و نیروی  
بحری خود نیست در حالیکه  
اعمال امریکا منافع سایر کشور  
ها منجمد اتحاد شوروی را تحت  
تهدید قرار می دهد. لذا بخوبی  
نتیجه گرفته می توانیم که  
مسوولیت تبدیل شدن بحر هند  
به منطقه تشنج بدوش نیرویهای  
امپریالیستی میا شد.

نیروهای صلح دوست جهان  
منجمد مردم و دولت جمهوری  
دموکراتیک افغانستان جدا  
خواهان غیر نظامی شدن بحر هند  
و خلیج بوده و خواهان برچیده  
شدن پایگاههای نظامی امپریا-  
لیستی از منطقه می باشند.

به پیش در راه غیر نظامی شدن  
منطقه بحر هند. زنده باد صلح.

## جروح ناریه .

در شرایط کنونی که همه‌ی علوم  
و بالخصوص علوم طبی هر روز با  
کشفیات تازه رو برو است و ساحه  
آن به پیمانه وسیع گسترش میابد  
یکی از عمده ترین خدمات برای  
آگاهی دکتوران و افزایش معلومات  
آنان در زمینه کارشان تالیف ها و  
ترجمه های تازه پیرامون روش ها و  
متودهای نو شناخته شده و کشف  
های تازه طبی است که سطح دانش  
مسلمکی پژوهندگان جوان را افزایش  
دهد و آنان را در کاری که در پیش  
دارند مسلح تر گرداند.

جای خوش بختی است که  
اکادمی علوم طبی قوای مسلح کشور  
بازدک نیازمندی های فراوانی که در  
این زمینه وجود دارد و به منظور  
گسترده ساختن ساحه فعالیت  
فرهنگی خود و مدد رسانی به  
دکتوران و پرسونل طبی نیک متوجه  
کاستی ها و کمداشته های مادر  
چاپ کتب مسلمکی بوده و باز هم  
فراهم آوری امکانات و تسهیلات  
زمینه هایی را کارسازی میکند که  
کتب و رساله های مفید و باارزشی  
از مانند کتاب زیر بحث به نشر آید  
و پژوهدگران و محققان امور طبی  
فرصت داشته باشند از این امکانات  
بهره گیرند.

کتاب جروح ناریه و ترخیصات  
گوش، گلو و بینی که به همکاری  
دو پژوهدگر شناخته شده افغان و  
شوروی به دست چاپ سپرده شده  
دارای یکصد و چهارده صفحه است  
به قطع بزرگ که در آن عناوین:  
(او صاف و مشخصات جروح ناریه  
گوش، گلو و بینی) (میکانیزم و طرز  
تشکل جروح ناریه گوش، گلو و بینی)  
(تشخیص رادیولوژیک جروح ناریه  
گوش، گلو و بینی) (جروح ناریه  
گوش، گلو و بینی) (نسیب و میتود  
قطهیر جراحی و تداوی آن) (شوگ

عمومی تداوی جروح ناریه گوش،  
گلو، بینی و عنق) مشخصات مراقبت  
و تغذی مصدومین و مجروحین جروح  
ناریه و ترخیصات گوش، گلو و  
بینی) به چشم میخورد و زیر هر یک  
از عناوین بالا تمام مسایل مربوط  
به هر فصل بر اساس تازه ترین  
میتودهای جراحی تفسیر شده و به  
تفصیل روی آن سخن گفته شده  
است در پیش گفتاری که مؤلفین در  
کتاب خود نگاشته اند چنین میخوانیم  
(در سال های اخیر در هند

گوشه و کنار جهان که آتش-  
جنگد از من زده میشود در هر برخورد  
مسلحانه توجه خاص بر آن است  
تا اشخاص را به اسلحه مدرن و قوی  
با تجهیزات و مهمات آخرین سبک  
مجهز بسازند.

این ضرورت میبرم، اسلحه اتوماتیک  
با کالیبر کوچک، سرعت ابتدایی  
مافوق صوت و انرژی کینتیک بلند  
تأمین مینماید.

مرمی های فوق به محض اصابت  
شخصی موجب تخریبات و سیه  
عمیق فسیجی و واژگونگی پیشتر  
وظایف اعضای گوناگون میگردند  
در جروح ناریه و ترخیصات  
گوش، گلو و بینی اغلبا شوش  
ترخیضی و خون ریزی کتلوی  
کشنده هر آن حیات مجروح را  
تهدید مینماید...

در دیار تمنگ گوش، گلو و بینی  
روغتون اکادمی علوم طبی قوای  
مسلح در طی چندین سال مطالعات  
بررسی و تحقیقات و ارزیابی ترخیصات  
و جروح ناریه اعضاء گوش و  
ادامه دارد.

اینک نتایج زحمات چندین سال  
تداوی انبوهی از مصدومین  
مجروحین جروح ناریه در کتاب  
دریازده فصل گنجا نیده شده  
تجارب عظیم و مدارک معتبر لیترا-  
جنگ دوم جهانی استفاده به  
آمده است، این اولین کتابی است  
که در تاریخترین زوایای مشخصات  
تشخیص و تداوی ترخیصات



# نویسفران قلمرو شعر و قصه

## رویائی که به حقیقت پیوست

((طاهره افصلی))

این پسر زیبا که اسمش بسیم بود همه بچه های دهکده او را زاغ صدا می زدند . پسر سیاه چهره با چشمان سیاه و قد بلند بود ، همیشه تنها می گشت ، باخود حرف می زد همیشه در تفکر و اندوه به سر می برد .

در همان جا یی که خوابش برده بود ، صدا یی او را از خواب بیدار کرد . وارخطا برخواست در چند قدمی خود سگش را دید که به دو پا نشسته و به او می نگرد . از جا برخاست به سوی چشمه در حرکت شد ، از آب سرد چشمه نوشید . بعد با قلب مالا مال از درد و روح غرق در افسردگی به سوی خانه در حرکت شد با خود اندیشید ((حالا باید برای چراندن گاو ها به صحرا بروم)) .

در اندیشه و تفکر غرق بود که به درخانه رسید ، به طویله رفت گاو ها و گوسفندان را باز کرد ، به سوی صحرا و چراگاه ها در حرکت شد .

گاو ها به چراندن مشغول شدند خود در زیر سایه نشست و به کتابی که در دست داشت به مطالعه پرداخت ، گاهی چشم را بالا می کرد

تابستان سخت با گرمای طاقت فرسا آغاز یافته بود . همه جا را سکوت فرا گرفته ، گویی همه اشیا درختان ، انسانها و پرندگان به خواب فرو رفته اند . بادی نمی وزید که برگان درختان را از شعاع آفتاب نجات داده و یا نوازش کند .

صدای زمزمه جویبار ها و غلغله و شور و فریاد مرغان به گوش نمی رسید گویی صدای همه این کائنات در اثر تابش و شعله آفتاب در گلو خشکیده است .

همه جا را روشنی آفتاب و گرمای آن تحت تصرف داشت ، تمام صحرا ها و دامنه های پر از درختان زیبا با شاخه های سبز و تنه های زمردین از فرط تشنگی سکوت را اختیار کرده بودند .

در آسمان زیبا و نیلگون ابری

به گاو ها و گوسفندان می نگریست که به جای دیگر نه روند و گاهی هم به منظره زیبا درختان انبوه جنگل خیره میشد .

اشعه زرین آفتاب رفته ، رفته میخواست پشت کوه ها پنهان شود شمال و یژه و زیدن آغاز کرد . شرشر برگهای درختان بلند شد .

درختان زیبا با شاخه های پر برگ ، بید های زیبا و مناظر خیال انگیز را از نظر گذشتند حالا وقت این بود که این گله حیوانات را به خانه ببرد ، به عقب گاو ها و بز ها فریاد میزد و جمع میکرد صدای زنگوله گردن گوسفندان به گوشش میرسید .

همه این حیوانات را پیش رو انداخته به طرف چشمه راند تا آب بنوشند ، بعد به سوی دهکده به راه افتاد . گاو ها را به طویله

باغ بسیار زیبا و پر از انبوه بود ، هوای معطر ، در ها داخل اتاق میشد . سیمنظره ای دل انگیز را پوشش بسیم یتیم بود ، پدر و سیزده سالگی در اثر طحواادث از دست داده بود خانه نداشت در خانه یکه مال داری و کشتزار زیحیات به سر میبرد تا صتحصیل کرد ولی بعد از مومادر از تحصیل باز ماند کودکی خود را به یاد آورد خاطرات خوشی از آن داشگیش با پدر و مادر مسرور بود .

در آن زمان هیچ نه بود که رنج یعنی چه ؟ مه چيست !

بی برده بود که زند و کشنده است ، بد بختی تیر بر مغز انسان فشار سالها و ماه ها می گذ باقلب پر امید و آرزو در واندوه بزرگ میشد ، از ومطالعه در هنگام فرا میگرد ، آرزوی بزرگی می پرورانید ، میخواست باشد و احساس درونی خفته قلب خود را بر صفحه در آورد ، به جامعه ، به که به او به دیده تحقیر نفرین بفرستد . باخود که چرا خداوند او را از مادر و آغوش گرم و دست شان دور ساخته است درین مدت چند سال ومادر خود را از دست دست نوازش به سرش بود .

اکنون جوان زیبا و نرزد بود . از طرف روز دیگر میکرد ، از طرف دیگر که هم پیدا میکرد به پرداخت .



ت و تحمیلی گریبان  
وانان دهکده همه  
دوختن که نسال  
میشدند . بسیم نی  
به وبا صدای جان  
چ و نو میدی خود را  
...  
... زمزمه جویباران  
... آواز نی که می نوا-  
... روی خود ، یک راز  
... راز ، رازی که  
... آشنا یی ندا شتند  
... با بد بختی و  
... میخواست بر بدبختی  
... و شبختی را از چنگ  
... آور و تاریکی ژرف  
... و مشعل آنرا چو  
... ن در دست گرفته  
... دال بد بختی را به

... که بسیم می نواخت  
... خوشی میکردند با او  
... بودند باری و ی  
... نواخت و ملال انگیز  
... زیرا عقیده داشت  
... همه یک نواخت  
... و هم به این  
... اگر درده با شدنمی  
... یایی که می اندیشید  
... به شهر برو و اندوخته  
... و دانش داشته باشد  
... نده شود . همان بود  
... ده زیبا ی خود آهنگ  
... کرد .

... از خواب بیدار شد  
... غ رفت ، هوا بسیا ر  
... گیز بود باد مو هایش  
... باد ، به چشمه رفت  
... خود را شست .

... خود بر گشت لباس  
... داشت به سوی شهر

... پیاده رفت ، تا اینکه  
... تر رسید .

... حرکت بود ، اشعه  
... کوه ها مید مید و

را بر کشتزار ها هی افشا ند .  
بسیم به جز از رنج به چیزی دیگری  
آشنا نبود . زندگی را به صورت  
یک نواخت دیده بود . همه مناظر  
در نظرش پو سیده جلوه میکردند  
و به جهان پر راز و زندگی همچو  
یک رویا می اندیشید او حالا باده  
دوستدا شتنی که پدر و مادرش  
در آن خفته بود و به خواب ابد  
آرامیده بودند . با قلب پر امید به  
عقب رویا و آرزو های خود سفر  
میکرد .

وقتی به شهر رسید به خاطر  
دریا فتن کار خود دو چار مشکلات  
زیاد شد . بالاخره توانست شاگرد  
نا نوا بشود . از صبح تا شب بیکار  
نمیشد ولی شبانه تا نیمه  
شب ها مجلات ، اخبار و کتب مطالعه  
میکرد .

چند وقت بعد توانست در یکی از  
قابر یکه ها مشغول کار شود . در  
کار های خود بسیار دقیق بود .  
بسیم اطاقی را در یک حصه همراهی

بقیه صفحه ۱۷

## نقاشیکه ...

را به خود می کشا ند و بینند را  
واقعیت های نهفته آن در خود  
فرو میبرد . او قادر بود تا رو -  
یداد ها را با دور نمای و سیع  
آن ببیند و در عمق زوا یا ی زندگی  
نفوذ کند .

واقعیت گرای این هنر مند  
تا آنجا بود که در کارش آن بخش  
های اشیا و رو یداد ها را انتخاب  
می کرد تا تابلو یش بهتر بتواند  
انعکاس دهند و واقعیت های  
زندگی و رو یداد های عصر  
با شد . از این جهت همیشه تابلو  
های هنری او هما هنگی خاصی  
با نوشته های داشت که واقعیت  
را با ز گو می کرد . شیوه بیان

سه نفر به کرایه گرفت ، بعد از  
فراغت کار وقتی به خانه می آمد .  
تانیسه شب ها خوابش نمیبرد ، به  
آرزوی که در قلب داشت می اند-  
یشید که آیا به حقیقت خوا ه-  
ببوست یا نه ؟

روز ها و ماه ها گذشت بسیم از  
مطالعه دوامدار دست نه کشید ،  
اندوخته زیادی از علم و دانش  
داشت ، بسیاری چیز ها را در ک  
کرده بود .

چندی بعد توانست مقالات و  
نثر های ادبی خود را به نشر  
بسیار ، تلاش زیاد به خرچ میداد  
تا بتواند داستانی را به رشته تحریر  
در آورد ، داستانی که در آن احساس  
درو نی خود را بگنجاند .

چند وقت او توانست داستانی  
کوتاه ی بنویسد و در یک قسمت  
آن چنین احساس خود را گنجانیده  
بود .

(دلم از تیرگی و بدبختی نفرت

دارد ، شاخه های آن چو عبهر  
زیبایی شگفته است .

تنها من نه بلکه همه ای آنها یکه  
در منجلا ب به سر میبرد از زندگی  
پوسیده خود بیزار اند ، از زندگی  
که در آن مهر و محبت و جود ندارد  
برایشان پو چ و بی معنی است .  
آیا این عدالت است ، که یکی  
را زندگی پر مهر و محبت بد هند  
و به دیگری زندگی پر از زجر و  
بدبختی ، و فرو رفته در گودال  
تاریکی ؟

این صدای که حالا می شنوید  
صدای انسانی است که از طبقه  
زجر کشیدگان بر خاسته صدای  
انسانی است که به جز از رنج  
با چیزی دیگر آشنا نه بود .  
فراوان از میان طبقه زجر کشیده  
بلند شده است .)

بسیم حالا بعد از تلاش زیاد به  
آرزوی خود رسیده بود او توان  
نسته بود نو یسنده شود

احساس مردم جان بخشید و با  
مسخره و خشم بر حق به قاتلان  
و شارلاتان ها حمله برد و عناصر

بد نما و ناقص را باد رایت و

زیبایی تمام شبیه سخن رنگین  
باودیلایم بیان می کرد . از اولین

روز های سنگر بندی تا تشکیل

کمون پاریس ، از اولین زوا -

یایی عا جزا نه یک زندگی

روستایی ، تا رو یداد حلقه های

هنری یا اساس اختراعات

جدید ، همه با شیوه سوال و

تشریح و به مهارت تمام توسط

دا و میر بیان می شود . وی از

چهره های بر ا زنده و بزرگ

نقاشی های او پیچ و خمدا ر ،

تیز و برجسته است . در نقاشی

های او ، مجسمه های او ، و -

رسمهای او حقیقت از طریق

جابجاسازی ما هرانه اجزای

که سیر تحول ارتقایی را نشان

میدهد ، متباز میگرد نتیجه

یک زبان هنری است که در عصر

حاضر نافذ و درخشان و هدف

دو گانه شوخی و رزمجویی

از آن بدست می آید .

آنچه از تاریخ قرن ۱۹ فرانسه

ونزاع های بین المللی توسط

چهره های مردمی و واقعیت

گرا برای ما بازگو میشود ، میتواند

در هزاران اثر چاپ سنگی

دا و میروسان آثار او بوضاحت

دیده شود . بدون آنکه خصو -

صیات تشکل دهند و رو ما نتیک



## یوهان ولفگانگ...

گویته گفته است :

مادر دایره محدودی محصوریم مو جی مارا  
بر می دارد و فرو می آورد و سر انجام فرو  
می روم .

حافظ عین این مضمون را چنین بیان کرد  
ساقیا جام میبده که نگا رنده غیب  
کس ندا نیست که در گر دش بر کارچه کرد  
در پس آینه طوطی صفتم دا شته اند  
آنچه ازل گفت بگو می گویم  
ساقیا می ده که با حکم از ل تدبیر نیست  
قابل تغییر نبود آنچه تعیین کرده اند  
هر دو شاعر گاهی از قیل و قال ز مانه  
دل سرد شده و گوشه گیری را پسندمی دارند  
و به تنهایی پناه می برند . گویته می گوید :  
مرا با پیاله ام تنها بگذارید که مرد در  
تنهایی نشاط پیدا می کند .

حافظ گوید :

حالا مصلحت و قوت در آن می بینم  
که کشم رخت به میخانه و خوش بشنیم



تصویری در باب اثر «فاوست گویته».

هر دو شاعر نسبت به ظاهر و ظاهر پرستی،

اعتراض کرده و آنرا به گفته اند گویته م -

دانست ! چنان ممکن است شعری را که  
نه از حافظ دست و نه از نظامی ، سعدی و  
جامی برای د لدار خواند .

در حکمت نامه ، گویته ، در برابر شاعران  
معروف میهن ما زانو میزند و چنین می گوید :  
«انوری» شاعر هو شمند که از راز دل و  
معمای روح خبر داشت چنین گفت : « همه جا  
و همه و قت راستگو باش ، با عدالت رفتار  
کن و از خطای بد خوا هان چشم ببوش »  
بدین نکته اعتراف کن که سخن سرایان شرق  
از ما شاعران غرب توانا تر و بزرگتر اند  
تنها در یک مورد ما با آنها برابریم و آن  
جائی است که پای بغض دیگر شاعران در  
میان باشد .

روح مشرق ز مین از راه مدیترانه پیروز -  
مندانه وارد ارو پای ما شد آنها نیکه در  
ارو پا از گفته نغز « کا لدرون » لذت  
می برند در حقیقت جرعه نوش جام حکمت  
حافظ اند .

از مقایسه آ نار گو یته و حافظ چنین  
بر می آید که در نهاد هر دو شاعر بزرگ  
حقیقی واحد جایگیر بوده و علت گرایش  
گویته و حافظ همان شباهت معنوی و قرابت  
روحی بوده است که با وجود فاصله مکانی  
و زمانی باز همدستانی آنها بطور رسیده  
است . در ذیل بسیار مختصر بعضی مشابیهت  
هارا یاد آور می شویم :

هر دو شاعر در سن پیشرفته خود، نشاط  
جوانی و حیات نوین احساس می کنند  
گویته می گوید :

ای پیر بانشاط ، ملال مباش .

اگر هم مویت سفید شده در عشق بایدار  
باش .

حافظ می گوید :

پیرانه سرم عشق جوانی بسر افتاد  
و آن راز که در دل بنفتم بدر افتاد !  
هر دو شاعر پیوسته از عشق سخن می -  
زنند : حافظ می گوید :

بحریست بحر عشق که هیچکس کناره نیست  
آنجا جز آنکه جان سپارند چاره نیست  
گویته می گوید : ای عشق تو تاج زندگی  
و خوشی بی آلام هستی !

بالباس کشیش آراسته بودند مورد انتقاد  
قرار دارد به همان شیوه حافظ گفت : فقید  
مدرسه ای مست بود و فتوا داد که می حرام  
ولی به زمال او قافست .

قرن ها پس از حافظ ، شاعر بزرگ آلمانی  
وستایندهای حافظ گویته اندیشه های تردید  
در مواعید مذاهب را که این دو سرا ینده  
نابغه بیان داشته بودند در منظومه گبیر خود  
«فاوست» بدین شکل افاده کرده است :

من به جهان آنسوی مرگ لا قیدم  
و هنگامیکه این جهان و ایران گر دد  
با آن جهان انسی ندارم  
زیرا من فرزند ز مینم ، رنج یا شادی را  
تنها در این جایگاه ادراک می کنم  
و در آن دم تلخ که تر کش می گویم  
برای من یکسان است که حتی گیا هی از  
کورم بر ند مد .

زیرا مرا با جهان د گر کاری نیست  
هیجانات آن جهان هر نامی که داشته  
باشد .

کنجکاو نیستم که حدود و ثغور آن کجاست  
و اینکه آیا در آن سا مان نیز فراز و فرودی  
هست یانه .

در زمان گویته که هنوز پاپ روم قدرت  
تکفیر داشت و « کتب ضاله » را در سیاهه ای  
سیاه خود می گنجانند گفتن این کلمات آسان  
نبود ، در دوران حافظ بطریق او لی د شوار  
بود . شکل «شاعرانه » حافظ و رمز های که  
مالامال از استعارات و اشارات است برای  
وی گریز گا هی بود . در آن ز مانیکه توده ها  
چون برده ذلیل بودند ، شیوه استیلا دی  
دراوج بود ، و زنان تسلط بلا رقیب -  
حافظ خود می دانست حامل چه افکار طغیانی  
است چه سوزی در درون دارد و چه خطری  
اورا تهدید می کند :

فاش می گویم وز گفته ی خود د لشادم  
بنده عشقم وز هر دو جهان آزاد م  
ما در درون سینه هوایی نهفته ایم  
برباد اگر رود سر ما ، زان هوا رود  
گویته و اقبال :

در تجلیل از بزر گذاشت گویته با ی -  
از علامه اقبال نیز یاد کرد چه اقبال گلدسته  
ای بنام «پیام مشرق» از گلهای رنگا رنگ  
خاک مشرق بخاک مغرب ، تقدیم نموده است .  
علامه اقبال در سال ۱۸۷۳ متولد شد و با اندیشه  
های فلسفی خود اندوخته های گرانبهای  
بر جای نهاده است .

اقبال به توصیه توماس اوتولد در سال

هایش را متبلور تر ساز  
خود را نسبت به مشکلات  
خویش مشخص کند .  
برابر ستمگری ها و حرص  
عاطفگی غرب ، غربی که  
نیرو مند است ، سرودی  
اقبال بصدا ی بلند فلسفه  
محکوم می کند و ثابت کرد  
وسیع وادعا های بلند  
علوم ، فرزندان آدم را  
اسایش همکار نکرده است  
افلاطون را بشدت مورد  
می گوید :

راهب دیر ینه افلا  
از گروه گو  
آنچنان افسون نا محسوس  
اعتبار از دست تو  
فکر افلاطون زبان راس  
حکمت او بود  
فطر تش خوابید و خوش  
چشم هوش او  
قومها از سکر او  
خفت و از ذوق

اقبال «پیام مشرق» را  
و شرقی» گویته سروده است  
و شرقی گویته همان کلمات  
آنها بیش از هر دیوان  
و «هنریش هاینه» شاعر  
کتاب را «گلدسته عقیدت  
مشرق فرستاده» پس گویته  
گفته مترجم گوجاراتی ،  
گویته و مجموعه پیام  
السلای» است از جانبش  
دنای غرب و خود اقبال  
مشرق « که در آن گویته  
بلخ می شمارد یاد شده  
پیام مشرق، دیوان غر  
حرارت شعر خود را از د  
می داند :

پیر مغرب شاعر  
آن قلیل شیوه  
بست نقش و شاهدان  
دا د مشرق را  
در جوابش گفته ام  
ماه تابی ریخت

اقبال در مقدمه مجمو عه



# یوهان ولفگانگ

بمعانی سخت بیژان شده و روح با مطالعه اشعار حافظ در فضای سخن که در آن زمان بر ازمائش واز آمد . شعر حافظ و اندیشه گویند هیجان بزرگی ایجاد کرد بصورت دیوان غربی و شرقی به رسید . اقبال در این اثر پس نیز حافظ بر گویند ، او را با حافظ و برای گویند هم همان مرتبه قابل شده است و همان ظرافت و اندیشه حافظ را در آثار گویند رسید که گویند بر علاوه حافظ بعدی و فردوسی هم متأثر بوده که در آثارش ، استعارات ، تشبیهات «دری» را بکار برده عناوین دیوان گویند هم مانند «ساقی نامه» ، «عشق نامه» ، «تیمور نامه» هم «دری» است .

بزرگ پیام مشرق خود را به پیشکش کرده است ، در آن ف آفرینش و سرخس می گوید و و کوشش و تحصیل علوم است . قسمت دوم کتاب حاوی قطعه غزل و مثنوی است . مجموعه پیام مشرق به دانای فرنگ فلسفه اروپا آن دوران را که از بهره ای ندارد و ببرد سعادت رود :

د صبا گوی به دانای فرنگ گشو دست گرفتار ترست رنگ گل ولاله نبیند ورنه رده رنگ است پدیدار تراست نیست که اعجاز مسیحا داری ست که بیمار تو بیمار تراست خسته ای دل ز کف انداخته ای کرانما به که در با خسته ای را با گویند قایم کرد می گوید : خودم خود د بین نیم و که بود و من کیم جوانان مثل بر ق

او ز شوخی درته قلمزم تپید تا گریبان صدف را بردوید . من به آغوش صدف تابم هنوز در ضمیر بحر نایابم هنوز در پیام مشرق ، اقبال از خواننده کلام خود گله دارد و اظهار تاسف می کند می گوید کهن می خواهم بوسیله شعر در روحیه ملت «آتش بزنم» ، این مردمان خوابیده را بنباه گفته های «بلخی» پیام بیداری بدهم اما آشنایان باد نیای خیال و تصورات رنگین چنان خو کرده اند و از شعر من کناره می جویند ایشان درک نمی کنند که شعر من از گرمی خون من سر چشمه می گیرد .

آشنای من زهن بیگانه رفست از خمستانم تهی بیگانه رفت من شکوه خسروی او را دهم تاج کسری زیر پای او نهیم - برنگ گل رنگین ز مضمون من است مصرع من قطره خون من است اقبال شعر «جوی آب» را در جواب نظم گویند موسوم به نغمه «محمد» سروده است : بنگر که جوی آب چه مستانه می رود ما نند کهکشان بگر بیان مر غزار در خواب ناز بوده همواره ای ستاب و اگر د چشم شوق باغوش کوهسار از سنگریزه نغمه کشاید خرام او

د ۱۰ مخ بانی

## د مخکبسانو...

هلکانو او نجونو استعدادونه روزی او دوی ته زمینه برابرویی چی دخپل شوق او طبیعی علاقی له مخی د ښوونې او روزني ډول ډول پرو - گرا مونه تعقیب کاندی .

د هغو پرو گرا مونو له مخی چی دالمان په دموکراتیک جمهوریت کی دمخکبسانو د موسسو او سازمانونو دپاره طرح شویلی د ښوونې او روزني په برخه کی د دوی په پرو - گرا مونو د ټولو لنیز ژوند یو زیات

سیمای او جو آینه بی رنگو بی غبار از بحر بیکرانه چه مستانه می رود در خود یگانه از همه بیگانه می رود در شعری تحت عنوان «جلال و گویند» به کتاب «فاوست» گویند اشاره نموده که داستان حکیمی است که دنبال عقل میرفت بعدا گمراه و مرید شیطان گردید :

نکته دان المین رادر ارم صبحی افتاد بایر عجم شاعری کو همچو آن عالی جناب نیست پیغمبر ولی دارد کتاب خواند بر دانای اسرار قدیم قصه پیمان ابلیس و حکیم گفت روی این سخن را جان نگار تو ملک صید استی ویز دان شکار فکر تو در کنج دل خلوت گزید این جهان کهنه را باز آفرید سوز و ساز جان به بیکر دیده یی در صدف تمهیر گوهر دیده یی هر کسی از زمر عشق آگاه نیست هر کسی شایان این درگاه نیست داند آن کو نیکبخت و محرم است زیرکی ز ابلیس و عشق از آدم است اقبال در جواب نظم گویند موسوم به «حور» می گوید : نه به باده میل داری نه بمن نظر گشا یی عجب این که توندانی ره رسم آشنایی همه ساز جستجوی همه سوز آرزوی نفسی که می گذاری غزلی که می سرایی انوایی آفریدی چه جهان دلکشای

شعاعه او نیکمرغه کپری او دخپل ژوند څخه خوند او لذت واخلی . ددغه اصل د په نظر کی نیو لوسره ویل کیدای شی چی د مخکبسانو موسسې او ارگانونه د هلکانو او نجونو د خوښ او خوشحال ساتلو غوره می کړونه او کانونه دی . د عمده او مهم خصوصیت دادی چی دکال په بیلا بیلو وختونو کی هلکانو او نجونو ته د تفریحی پرو گرا مونو په لپ کی د عمو می تعطیلاتو د تیرولو غوره امکانات او په زړه پوری شرایط هم برابرویی . د مخکبسانو په مانیو او سازمانونو کی د دوستانه لوبو او مسابقو

## ماخذ مقاله

که ارم بچشم آید جو طلسم سیمای بی  
سوی عصر ، شرح احوال و آثار علامه  
محمد اقبال ، سعید نفیسی صفحه ۲۰۹  
مجله دانشکده ادبیات شماره اول سال  
چهارم ۱۳۴۵ ، دانشگاه تهران  
مجله سخن شماره ۲ دوره ۲۶ سال ۱۳۵۳  
برخی برویها دوباره جهان بینی ها  
جنبش های اجتماعی در ایران ، احسان ظهیری  
سال ۱۳۴۸  
منتخبات دیوان شرقی و غربی ، اثر گویند  
ترجمه شجاع الدین شفا ، ۱۳۳۸  
ادبیات کلاسیک جرمنی از قرون وسطی  
تا عصر حاضر ، کابل ، ۱۳۵۰  
منتخبی از زیبا ترین شاهکار های نظم  
و نثر از ادبیات آلمان بزبان آلمانی .  
دیوان حافظ بزبان آلمانی ، ۱۹۶۹  
اقبال ، ماری یشمیل بزبان آلمانی  
کلیات اقبال ، تهران .  
نغمه های براین ، شجاع الدین شفا  
آزرمه ۱۳۳۴  
کلیات گویند جلد چارم - صفحه ۲۲۸  
فاوست ، قسمت اول ، اثر گویند بزبان  
آلمانی  
سفرنامه های سمینار لیندیک ، توپیک  
۱۹۷۱ بزبان آلمانی .  
شاهکار های جاودان ادبیات جهان  
لنفاشار ، انتشارات درفش سال ۱۳۴۵

پروگرامونه مخی (ارنست تا لمن  
دمخکبسانو په موسسو او سازمانونو  
کی دبرخه والو ترمنځ یو زیات شمیر  
دوستانه لوبی اووله یی مسابقتی  
عموما د سیماسپورن تکنالوژی آرټ ، او کلچر ، سپورن  
او بدنې روزني او د ټولنیز ژوند د  
شمیر نورو ساحو په ارتباط جوړیږي .  
اوصورت نیسی باید ویل شی چی  
دمخکبسانو په تربیوی او تعلیم  
دوستانه مسابقو کی دبر نیو ژوند  
او توریزم ددغه کپری پرو گرا مونو  
هم شامل دی د ذکر شویو مضمونونو  
د زده کړی او تدریس په دوران کی



# تکلیف های بهاران

نمونه نوشتنی از شاگردان کلاس ادبیات  
اتحادیه نویسندگان

تربیا مجیدی

## برای دوری از وطنم گریه نمیکنم

وطن را از افق های دور رمیشنوم  
.... میشنوم که طنین آنها میگویند  
((با معشوق با ید و فادار ما ند))  
وفای زن در کشورم از آرزو های  
خون شده مردان میهن من است .

آه! که چقدر دور شد آن آر-  
ما نه ای زنده گی و خیالات جوانی  
من و دور ماند از من سرزمین  
عزیز پدری و زادگاه پر افتخارم .  
چه روزی باز این خیال باز  
گشت من به سرزمین اجدادم رنگ  
حقیقت را به خود خواهد گرفت؟  
آیا باز روی فرا خواهد رسید  
که دیگر این قلب دور افتاده و  
مهجورم در زیر آسمان اجنبی -  
نشکند و خون نشود؟

آیا کشورم و ملت مرا خواهد  
پذیرفت؟ و آیا باز نور امید آن  
افق روشن و آن سپیده دم عزیز  
وطن چهره اندوهگین و افسرده  
مرا روشن خواهد ساخت؟!  
آیا هنوز آنم که...

وطن عزیزم!  
تا آن لحظه ای که قلب من  
در غم و اندیشه دوری تو بکلی  
بشکند و در هم ریزد و نابود  
شوم این سیل سرشک حسرت  
همواره از چشمان پر انتظارم  
جاری خواهد بود و شما ای مردم  
غریب و ستمدیده جهان!

کاش! تنها میتوانستم آن مو-  
های سیاه جوانان کشورم را  
بشما نشان دهم وای کاش میتوان-  
ستم شما را به دایره رقص پر-  
شور آنها دعوت کنم و شما آن  
وقت مرا با آن پیراهن گلدو زی  
زیبا ، با آن آرایش و یژه ما با  
آن چادر سبز حریر مانند و با  
آن همه ناز و افتخار تماشا

نگاه های اشک آلود  
من همیشه از محبت تو  
انتظار دیدار تو مملو  
اگر این طفل عزیزم که  
کار زنده دشت و دام  
وبی مثال تو ست در  
نمیبود مدتها قبل از  
زنده گیم را با همین د  
پاره میگردم و زنده  
از کشورم با شد فدا ی  
و وطنم مینمودم .  
پس توای زادگاه من  
جسم دیگر بتو نمیتوان  
مطمئن باش له روح  
یکر و زی آزا دانه و با  
به سوی تو به پرواز  
آمد و آنگاه تا ابد در  
همیشه به پرواز خوا  
کلبه و درختان ترا پر  
نمود .

پس ای کسانیکه  
کاشانه خود هستید  
هوای خانه بیگانه را  
و رانید ، زیرا که پدر  
که رنج فرزندان را  
که با شد میخرد ، لیک  
از منافع فرزند استغفار  
و مادرش را پامال .

مسعود هجوتی

## رهزن زندگی



کاروان خسته ای در نیمه  
روز با مسافران دل خسته  
خود در بیابان های پر خم  
و پیچ ، درد دل کوه ها و در دشت  
های بیکران راه می پیمود و پیش  
میرفت .

نالهای زنک این کاروان ،  
راحت را از مسافرین می ربود  
راه پر نشیب و فراز این سفر  
چشم همه را بسی افسرده بود .



## غروب زندگی

نگامیکه از خواب بر خاستم  
تا زه طلوع نموده بود  
دیر دیر ها منتظر غروب بودم  
که دو را دور آفتاب رنگ سرخ را بخود گرفت  
اشتیاق منتظر نتیجه بودم  
خواهد شد ؟  
غروب نمود و ناپدید گردید  
را به مهتاب سپرد  
خود زمزمه کردم که :  
طلوعی دارد و هر طلوع را غروبی در انتظار است  
نیمه زندگی طلوع است  
چون این طلوع غروب خواهد بود  
و غروب زندگی یعنی چه ؟  
( )

(( غروب زندگیست

و خواب میدیدم درین دنیا ی وحشتناک مهمانم  
و غروب زندگی پیهم میگوید : نداری از ورودم باک ؟

## ترانه محبت

ترانه بی دل انگیز شود و هیچ خلایی در زندگی  
فرین است . آه ! که نداشته باشم ، ولی هرگز  
های سعادت وابسته گوش ها یش به ترانه زیبای  
است . ترانه یی که محبت آشنا نباشد و قلبش بانوار  
تاریک و ازمیان شاد در خشان  
نوار آن می درخشد است . زندگی بی محبت پر از  
صخره ها و تاریک روشنی می افکند .

(( کلمه یی که در آن ای محبت ، ای پرند زبانی  
را می )) جا گرفته این جهان ! تو هرگز و جود  
از سعادت است . پس جاودانه خود را از بساط زندگی  
زندگی را بدون آنکه انسان ها محو نساز و ترانه  
نی نباشد ادا ما داد ؟ هستی بخش خود را خفته و خاموش  
ان بدون (( محبت )) نگاه مکن . زیرا تو یگانه مشعل  
مقدس است که قلبهای

## عشق و امید

ای عشق ،  
ای امید ،  
ای چشمسار پر فیض زندگی ما  
در قلب ، خون و تمام ذرات  
و جودم چون نیروی حیات  
بخش جا ویدان بنماید  
با من بنماید ، تا با بشما بمانم  
هرگز م تنها مگذارد  
مگذارد که هیولای اندوه روز  
گار با پنجه های سیاه خویش ،  
بیش ازین گلویم را بیفشارد و به  
سوی نا بودیم بکشاند .  
آری ، در شب های تار اشک کند

ها و غصه ها و در بحر بیکرا  
زندگی بر زورق شکسته حیات  
در موج خیزی حوادث ای نا  
خدای ذهنم تنها یم مگذار  
آن قدر نیرویم ده تا در مقابل  
طوفان قهر آلود و خشمگین چو  
کوه استوار و پابرجا بمانم  
با تاریکی ها بجنگم ، آنقدر خو  
نش بر یزم تادر دا من سر  
شوق  
صبح لبخند بزندی و آفتاب  
خوشبختی و سرو طلوع  
کند

## بهار را گرامی داریم

پر نقش و نگار جلوه میکنند چنان  
پر نقش و نگار که گو یا نقاش  
با انتهای مه رت خویش این  
همه را نقش بند ی نموده است  
تا کجا شراب دلپذیر در دل خو  
مضمون دارند . بادهای عطر آگین اند  
گو یا دا من کشان مشک سو ده  
در فضا می پاشند ، دشت ها  
پراز لاله چنان به نظر مینمایند  
که لعل را در روی زمین پاشیده  
اند .

بهار است ، بهاری که با فر  
رسیدن خویش تمام موجودات  
را از خواب سرد زمستانی بیدار  
ساخته است .

بهار یی که هر موجود زنده را  
سوی زندگی امید بخش دعوت  
مینماید .

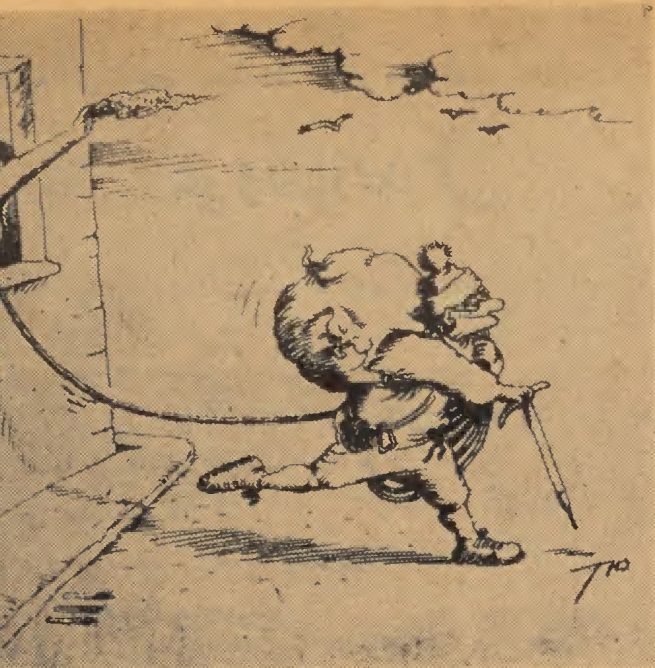
انسان شاعر و نویسنده  
از این دعوت بی نصیب نیست



محمد شفیع ((میا خیل))

هوای خوشگوار و نسیم ملایم  
از هر طرف میوزد ، آسمان  
صاف است کم ، کم با ران هم  
میبارد . مرغان خوش آواز در  
باغها و چمنها شور و نوای  
دارند و سرود های بهاری میسر-





شوهر عزیز: فقط بر روی جاده مستقیم حرکت کنید و  
نبینی

## خانم مود پسند



شوهر: عزیزم تو خومیخواستی موه  
های خود را ((نقره ای)) کنی،  
چطور يك دفعه تغییر عقییده  
دادی؟

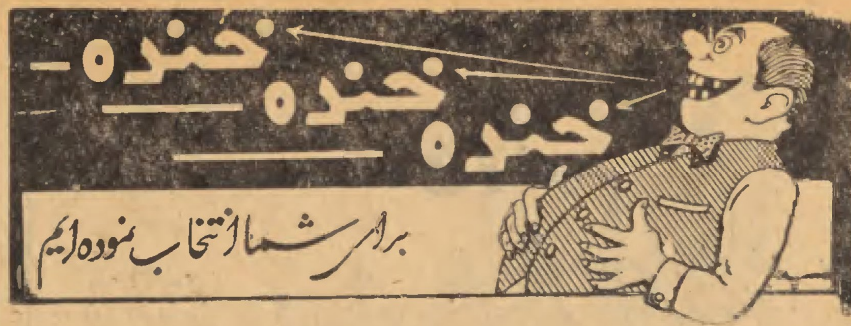
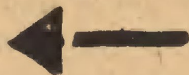
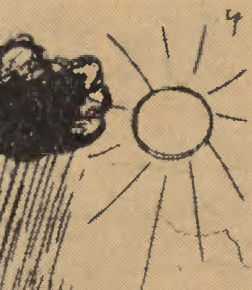
زن: مگر روزنا مهها رانخواندی  
که نوشته قیمت طلا بسیا رگران  
شده است، حالا میخوا هم موهایم  
را ((طلایی)) رنگ کنم.

بدون شرح

## دراول زاری در اخیر خوا

سرویس به اینسو و آ  
برند!

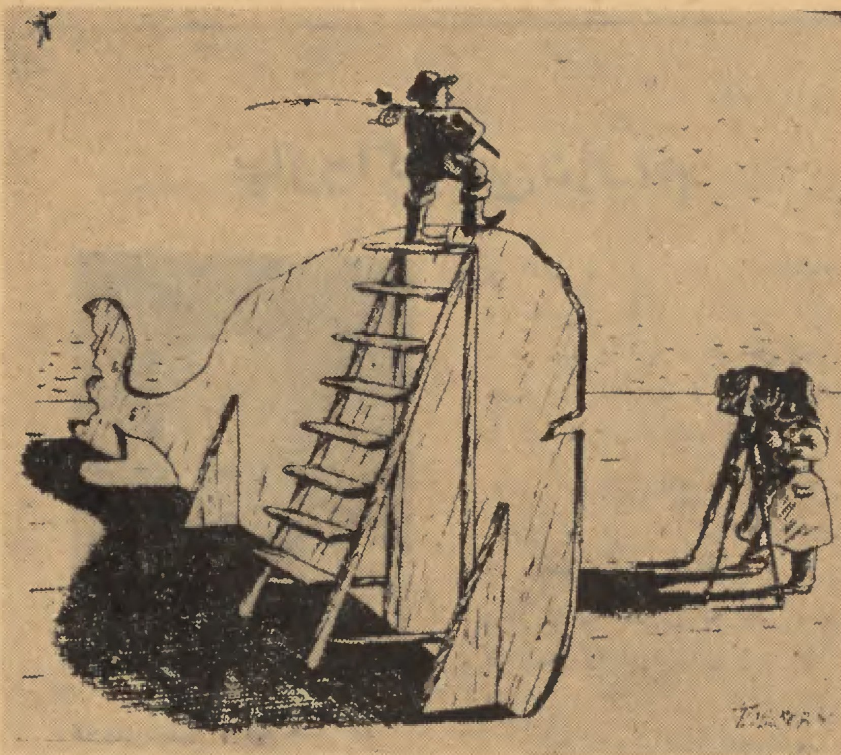
بعضی از مرد ها قبل از ازدواج  
قول مردانه به نا مزد خود می  
دهند که يك ما بعد از عروسی،  
موتر شخصی آخرین سیستم  
بخرند اما وقتی که خر شان از پیل  
گذشت و عروسی تمام شد همسر  
خود را به عذر نداشتن پول، حتی  
سوار تکسی هم نمی کنند وبا موتور



برادر شما انتخاب نموده ایم

## در بستر خواب

بلی دوست عزیز ... طیاره بهار تقا ع بیست هزار متری رسید ه  
بود که بدون فرا شوت سقوط کرد م .  
- معلوم میشود تو بسیار دورگوهستی ...  
پس چطور حالا زنده هستی ؟  
- آخر قبل از اینکه به زمین برسم از خواب بیدار شدم !



عکاسان همواره به عجله و دست پاچگی کار می کنند صبرگن گه  
من خوبالا شوم

- آقای محترم رئیس صاحب  
بمن تهمت زن ... اصلا من تا حال  
ازدواج نکرده ام .

## حاضر جوابی

کارگر يك شرکت تقاضای





مادر دختر! تو باش شوهر عزیز که نامزد دخترم کدام موتر کهنه را  
نیاورده باشد.

## بگذار مطالعه کنند

زن، نیمه های شب ناگهان  
سراسیمه از خواب بیدار شد و  
آهسته شوهرش را صدا کرد.  
- شوهر خواب آلود پرسید.  
- عزیزم.. عزیزم.. بلند شو...  
- چی شده... چی است؟  
- عزیزم... صدائی از کتابخانه  
میباید... فکر میکنم دزدی به  
آنجا آمده باشد.  
شوهر با خونسردی خمیازهای  
کشید و گفت:  
- خوب عزیزم... برو ببین که می  
خواهد کدام کتابی را مطالعه  
می کند؟



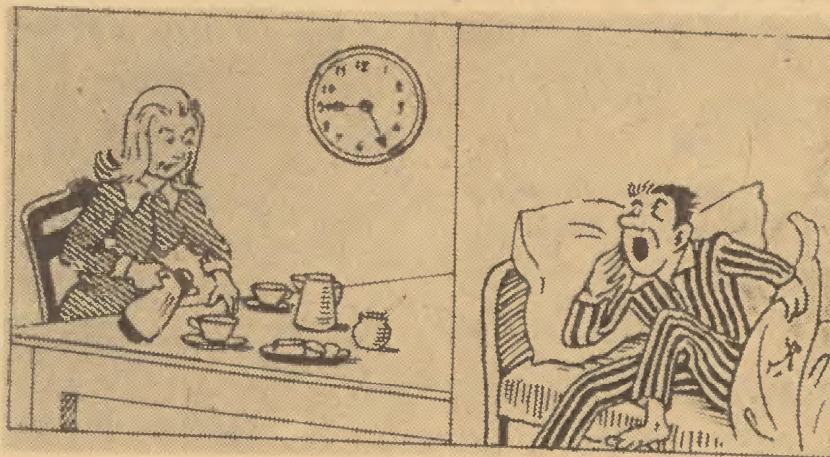
بدون شرح

## بخش بدشانسی

نشناست در باره حرفه  
ن خود صحبت میکردند...  
آنها، از همکارش پر-  
ستی، تو در مورد بیمه-  
چار کمی حافظه باشن  
مکنی؟  
شناست دو می بلافاصله  
... من همیشه حق  
ام را قبلا میگیرم!!

## باز لمبند میزنی

شوهر جوان خانمی زیبا مرده  
بود زن در مرگ شوهر سخت  
بی تاب میگرد و مرتب اشک  
از دید گانش جاری بود... یکی از  
دوستانش برای دلداري او  
گفت:  
- عزیزم... گریه نکن... غصه  
نخور... تا یکماه دیگر با زلبه ایت  
بخنده باز خواهد شد.  
در این موقع گریه زن جوان  
شدیدتر شد و در همان حال  
گفت:  
- ای خدا... یکماه دیگر  
... نی... این غیر قابل تحمل  
است.



خانم! ساعت نه نیم شده و توتاهنوز از خواب نغیستی! بخی که  
چای تیار است ذوقت شده غیر حاضر میشی!!  
شوهر:- چرت تبه خراب نکو کاتب حاضری رفیقم است خانه  
حاضری مه قید نمیکند.

دوست عزیز، مگر در اینجا  
حلوا ی خیرات میکنند که ایستاده  
ای؟

## حلوا اشیرین است

گفت: در اینجا آنچه خیرات  
کنند شیرین تر از حلوا است:

جوانی پیش مکتب دختران قدم  
میزد جوانی دیگر گفت:

## زن هوشیار

شوهر، با عصبانیت و ناراحتی  
رو به زنش کرد و گفت:  
- من هیچوقت موفقم نمیشوم  
میخی را بدیوار بکوبم!  
- چرا... بچی علت؟



بدون شرح



بدون شرح





# پاسنغا، پرداختها و اسلوبها

دو سته را ن ارجمند صفحه  
اسنخا و ...

پس از عرض سلام فراوان و  
تلب صحتمندی برای همه شما ،  
را رسیدن بهار ، این خجسته  
صل سال را تبریک میگوئیم  
گرچه بابر ف و بر فباری فرا-  
ان روبه رو بوده به مقدم ((بهار))  
یر تر رسیدیم ، و لی طوری ، که  
ز قدیم گفته اند ، ((دیر آید  
خوش آید)) دیر آمدن بهار را  
یز باید به فال نیک بگیریم ،  
گو رایی و جو شش گل و ریحا-  
ش را گرامی پنداریم .  
دو ستان گرامی ،

ما همنسان ، که انتظاردا-  
نتیم ، نامه های فراوانی از  
شما دریافتیم ، جالبتر این-  
که دوستان و همکاران تازه یی  
به یاری ما شتافته اند و با  
ترستان نامه ها و نوشته های  
خوب و خواندنی خود برشادمانی  
ما افزوده اند . اینک با اظهار  
سپاس زیاد از شما دوستان و  
همکاران دیرین و نوین می-  
پردازیم به بررسی و نشر نوشته  
هایتان .

## گرامی صفیه صدیقی ،

نوشته شما با عنوان ((خروش  
دریا)) به اداره مجله رسید . اینک  
پس از اندک تعدیل به نشر آن  
میسازیم ، باری دو شعر شما  
به نامهای ((تأثیر شعر)) و  
((زیبایی ستاره)) نیز به دفتر  
مجله رسیده است ، زمانی که  
نوبت نشرش رسیده ، به نشر  
خواهیم سپرد .

## خروش دریا

ای دریای خروشان ، چرا

شپامت نشان میدهد ، خوست  
می آید ؟ یا این که غمی در دل داری  
و میخواهی گره احساس اعماقت  
را بر روی جهانیا ن بکشی یی  
واز راز پنمانت آگاه گردانی ؟

## ای دریا ،

در جهان ما شور و مستی جوانی  
را گناه میدانند ، اما تو ای دریا ،  
فریاد سرده ، شور و مستی  
برپاکن تا همرزمی پیدا شود و  
همرزمانی ، و در کنار تو پایستند  
وترا یاری رسانند .

## ای دریا ،

خواهش می کنم غوغا کن ،  
فریاد بزنی و روشن گردان که  
نمیخواهی مورد هجوم کسی قرار  
گیری . آری ، با شور و فریادی  
اما ن خود قلب هجوم آوران را  
بلرزان و آگاه گردان که تو چه  
نیروی عظیمی داری .

ای دریای زیبا ، خروش تو  
سبب میشود که قلبم قوت بیشتری  
گیرد ، چرا که ترا هم مانده قلب  
خود می بینم و احساس ترا نسبت  
به همه کس بیشتر درک میکنم .

## همکار گرامی فریده ورز ،

پا رچه نشری کو تاه اما زیبای  
شما را نشر میکنیم ، امید است  
به همکاریهای صمیمانه خویش  
دوام بدید .

## شعر من

آندم که در سکوت شبهای  
تاریک پیش روشنی چراغ و زیر  
سقف اتاقی با تو هستم و آندم  
که در پر تو خاطره ها در صحبت  
را با تو باز میکنم . آن وقت  
که از شادی می خندم و آندم که از  
درد های روزگار می گیریم ،

## خواهر عزیز ذ. میترا ،

احساس شعری شما ستایش  
انگیز است ، باری جهت یافتن و  
شناختن وزن شعر بخصوص شعر  
نو باید بیشتر مطالعه کنید و شعر  
شاعران برجسته معا صر را زیاد  
تر بخوانید تا راه گرایش به شعر  
سرایی خو بتر روشن گردد ، و  
بینش تان نسبت به این گونه  
شعر پخته تر . اینک پا رچه شعر  
زیبای شما را نشر مینمایم ، شاد  
و سلامت باشید .

## بی تو

های ای رفته ز چشم  
لیک

همچنان آتش عشق تو به کانون  
روانم سو زان  
بی تو موجی ز تپشهای غم  
انگیزم

## بی تو برگی زدرخت افتاده

بی تو پژمرده ترین شاخ نهال  
هستی

## بی تو پاییز تهید ستم

## همکار گرامی محمد کبیر ،

سلام ما را نیز بیدیرید . د و  
نوشته خوب از شما دریافتیم ،  
نخستین نوشته شمارا که عنوانی  
هم نداشت با گزینش یک عنوان  
به نشر می سپاریم ، باری این  
نوشته شما را اندکی اصلاح نمودیم ،  
امید است به همکاریهای خود  
دوام بدید و برشادمانی  
ما بیفزایید .

## حالا به شهر خود برگردیم

از روزی که از شمال کشور و  
زادگاه خود به کابل آمدم ، تقریباً

ویا ر مرا نگهداری میکنم  
گشتم .

خوب به یاد دارم روزی  
زیبای خود را ترک میگفتم  
او گریسته بود ، بسیا  
یسته بود و گفته بود که  
برگردی ، من در انتظار  
نشستم . )) و ما با هم  
سوگند یاد نموده بودیم  
یکدیگر را فراموش نکنیم  
بر میگشتم نزد او ، نزد  
یی که من از نگاه کردن

سپاهش شادمی گشتم  
غمهای دنیا را فراموش

موتر به راه خود ادا  
من یکی از نامه های  
مینا را از جیب خود بیرون  
دو باره میخواندم .

اونوشته بود : ((  
برایم رسید ، از این که  
میگردی ، نمیدانی چقدر  
شعال شده ام ، من در  
بودم ، چقدر انتظار کشیدم  
رنج بردم ، ولی حالا  
رنج و شبهای ظلمانی  
رسیده آفتاب پر شکوه  
دو باره برافق زنده گیر  
گشته است . صبح امید  
لبخند شادی آفرین میز  
تو بر میگردد ، من با  
بسته بودم که اگر هزار  
داشته باشم ، این همه  
تو خواهم نشست ، حا  
میگردی و همه خوا  
به حقیقت می پیوندم .  
نامه اش را دو باره



تتر م عمر (( قسیمي ))  
شما را با عنوان (( نو-  
کشور ما )) دریا فتم،  
ب و با ارزشی بود ،  
دخل و تصرف به نشر  
اریم، تو چه فر ما ییده  
نه خویش :

### انسان در کشور ما

همه می دانیم کشور های  
ما ف ( جهان سوم )  
گو ناگون سیاسی  
نه تنها از کاروان  
عقب نگه داشته شده  
استعمار چنان جهانسی  
انداز تو سعه وانکشاف  
ن و نو جوانان این  
جلو گیری کرده آنها را  
دوده خاص آمو زشی و  
حاکمیت آنها بر -  
داشته اند .

که یکی از فقیر ترین  
جهان به شمار می رود  
عده استعمار چنان جهانی  
و پاسداران منافع  
در کشور ما که بقای  
داران خود را در عدم  
نو جوانان کشور می  
ننهادن نو جوانان ما رادر  
پارز استعداد های شان  
ناونت نکردند بلکه  
که امکان برایشان  
از رشد آن جلو گیری  
ند .

ور ما که صرف پنج  
س آن باسواد بوده و نودو  
آن که غالباً در دهات  
دو ردست با شرایط  
طبیعی به سر می برند،  
نمودن پلانیهای شوم  
آنها شرایط مساعدی  
ورده بود .

ت قاطع اطفال کشور ما  
عرضه و جود می گذارند  
ط مشکل زیست و برو  
، و وضع دشوار اقتصاد  
عدم مراعات مقررات  
چه و نگهداری صحی از

حیات می گویند و یا هم معیوب و  
مريض با رمی آیند و آنهای که  
زنده ازین و رطه هلاک بدر می  
آیند ( به جز از عده محدود شان)  
باید در سنین خورد با پسدر  
خود یا در کارهای زراعتی و یا  
هم اگر پدرشان کسبه کار باشد  
در دکان پدرشان که نظر به  
سن برای آنها خیلی نامساعد است  
سهم بگیرند.

غول بیسواد ی، عدم رشد  
فرهنگی جامعه و ده ها عامل دیگر  
آنها را خجول، بی اعتماد به نفس  
و در یک محدوده خیلی کوچک علمی  
می گذارد از همین سبب است  
و فتی به سن نو جوانی می رسند،  
عده متفکر و گوشه گیر، عده  
شان شوخ و مست نشسته نو جوانی  
و عده دیگر شانرا در حال -  
که از پدر، مادر و بادیگران نفرت  
دارند می یابیم و آرزوی روزی  
را دارند تا قدرت و آزادی کامل  
بدست آرند و از محیط کوچک  
و نامساعد فامیلی و محیطی  
خود به جاهای که مطابق نظر  
طبعشان باشد رخت سفر ببرند -

قسمیکه در اکثریت خانواده های  
کشور ما دیده می شود بالایی  
نو جوانان فامیل خود قطعاً  
حساب نمی کنند در حالیکه در  
دوران نو جوانی که بحرانی  
ترین دوران زندگی هراسان  
است نو جوان خود را به حیث یک  
شخصیتی می داند که حق نظر دادن  
را در اکثر موارد و مسایل داشته  
و خواهان یکسلسله آزادی ها می  
باشد . ولی متأسفانه و قتی  
بانظری ارزشی به سوی او می  
نکنند عمیقاً رنج برده و این رنج  
ها و سبکنظری ها باعث ایجاد  
عقده های روانی و درونی میگردد.

چرا والدین در کشور ما چنین  
می کنند ؟ با وجودیکه حتی  
پدر باسواد که نسبت به پدرانی  
سواد که در کشور ما اکثریت  
هستند فهمیده ترند ولی دیده

از عدم توجه به برخورد با اطفال  
در سنین خوردشان می باشد .

نو جوان کشور ما مثل اکثریت  
قاطع هموطنان ما در شرایط دشواری  
بسر می برند . در آوانو جوانی  
به نو جوانان در کشور ما اعم  
از دختران و پسران رهنمایی های  
لازم و سالم صورت نمی گیرد  
تا در مقابل پیشامدهای دوران  
نو جوانی آمادگی قبلی داشته  
باشند، در وسایل ارتباط جمعی  
کشور ما هم ازین قبیل چیزها  
گفته نمیشوند .

چرا نو جوانان ما به همه  
چیز محیط و ما حول خود نفهمند؟  
چرا نباید درباره خود، جنس  
همنوع و مخالف خود معلومات  
داشته باشند ؟  
راه حل و ارائه جواب به این

بقیه صفحه ۲۱

## وزن را گرامی

مرحله نوین انقلاب تور، این ره آ و رد  
انباشته های فکری و جدالهای انسانی گذشته  
و حال، از مقاومت دلیرانه دختران و زنان  
کشور ما یاد گارهای دارد، چه دوشیزگان  
شرافتمندی که در زیر چکمه های سیاه  
فانیستهای امین جان سپردند و قبر مانانه  
به شهادت تن دادند . مادرانی که در سوگ  
پسران از دست رفته شان، اشک ریختند.

بقیه صفحه ۳۶

## رویا

میخواست خود را با شش  
و این دشت بیکران، دشتی که  
زمانی سراب در آن جلوه داشت..  
رویش را از دختر برگرداند  
قطرات اشک بر گونه اش لیز  
خورد و به سینه سوزان و خشکش  
لغزید میخواست دیگر چشمش  
بخشم دختر نخورد . و برای آخرین

سوالا ت وابسته به تکامل  
به سوی جامعه نوین در کشور  
است. در جامعه ای که اطفال مایه  
سوی فردای خوبخت و آرا  
قدم را به پیش گذارند و نو جوانان  
ما در شرایط مساعد مطالعه  
آموختن علوم به سوی ایجاد یک  
زندگی مرفه برای خود و خدمت  
صادقانه و وطن پرستانه برای  
مردم و کشور عقب نگه داشته  
خود که سالیان متما دی را در  
شرایط بد و نامساعد اقتصاد  
اجتماعی گذرانده است به پیش  
روند و استوارانه به پیش رو  
تا وطن آباد و اولاد آیند و وطن  
خوبخت به دنیا بیایند و خوبخت  
زندگی کنند .  
به امید فرارسیدن هر چه  
زودتر چنین روزی .

و آبروی خویش را پاسداری کردند . زنی  
مرگ شوهران و عزیزان خویش  
دیدند و بر قاتلان شان با مشت و خنجر  
حمله ور شدند و لب به نفرین کشودند  
به جاست که بگویم در تاریخ چندین صد سال  
اخیر کشور هرگز چنین فشار و مقاوم  
برانگیزی را زنان کشور ما ندیده بودند  
در دوران سیاه باند امین دیدند و زهر آ  
چشیدند .  
پس در برابر همه زنان، مادران و خواهران  
شهید خویش سر سپاس و احترام فرو می  
آریم و یاد شانرا گرامی میداریم .

یک رویای خوش و زود گذر  
برو دختر خوبخت باشی .  
دختر چیخ کشید اشک ریخت  
ولی جوان با رویای از ه  
پاشیده اش در تاریکی ها  
شده بود .

مدیر مسؤول : راحله راسخ خرم  
معاون : محمد زمان نیکر  
آمر چاپ علی محمد عثمان ز  
آدرس : انصاوی واپ جوار ریاس  
مطابع دولتی - کابل



کتاب پرش و تپش  
از سید امین اللهی کاتون  
و المصطفیٰ طبر